ای از قلم وجود بلوح عدم

[illegible]

از ولد اکبر میرزا محمود ولد
میرزا عبد العلی [illegible]

فهرست المصحف المکرم

سورة الفاتحه

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين
درین سوره چهارده همزه وصل در وصل محذوف واست
با بسمله ودر ابتدا ثابت سیزده مفتوح است ویکی
مکسور آنچه مفتوح است یکی همزه الله است ودو
الرحمن ودو الرحیم وهشت دیگر الحمد العالمین
الدین الصراط المستقیم الذین المغضوب
الضالین ویکی مکسور همزه اهدنا است
وهمزه ایاک وانعمت در حالین ثابت باشد که همزه
قطع است ودر جمیع قران همزه قطع ووصل همین حکم دارد
ودو الف که حرف علت است در آخر دو کلمه بوصل محذوف
باشد ودر وقف ثابت یکی الف اهدنا است بوصل
الصراط ویکی الف ولا بوصل الضالین ودر هر سوره
آنچه مقصود است ازین امثله وغیرها جمله نموده میشود
تا بر مبتدی آسان باشد والله المستعان علی ما تصفون

سورة البقره الم ذلک الصلوة

همه جا بواو مکتوب است الا آنچه مضاف باشد بضمیر
مثل علی صلاتهم قل ان صلاتی قد علم صلاته
که بالف باشد وموضع توبه وهود وثانی مؤمنون
بجمع وافراد هر دو آمده است وبواو مکتوب است
وجمله در محل خوف گفته شود اولئک علی همه جا
بیا مکتوب است الا دو موضع که بالف نویسند
ولعلا بعضهم در مؤمنون ان فرعون علا فی الارض
در قصص بسبب علو مرتبه که معنی دیگر است
ودر محل خوف گفته شود جاءتهم بیک الف است
وهمزه قبل از الف وممتنع است حکم همزتین مفتوحتین
در یک کلمه ولکن همه یستهزءون ونظایر برین
صورت نویسند بنبأی ملأه بیک الف مکتوب است
ومانند این مثل دعاء ونداء وغثاء ونساء
حیث وقع هذا بهذا هذه لهذا اهذا اهکذا
همه همه همه همه همه همه

فاحیاکم بالف است و هر اسمی و فعلی از ذوات الیا
که متصل بضمیر است و الف او منقلب از یا است صورت
کتابت آن نموده میشود تا آنچه بالف باشد بیا ننویسند
و آنچه بیا باشد بالف ننویسند و همه در محل خود بیاید
فسوّیهنّ للملائکة الملئکة متصل الرسم است
در جمیع قران انبؤنی بی یاء صورت همزه مکتوب است
و مانند این مثل مستهزؤن که گذشت و نحو هؤلاء
متصل الرسم است سبحنک محذوف الالف است
در رسم و لفظ سبحن مطلقا الا قل سبحان ربّی
در سورهٔ اسری که بالف نیز نویسند هدای اسرائیل
بیک دندانه یا مکتوب است حیث وقع الزکوة همه جا
بواو مکتوب است سوء العذاب همچنین نویسند
خطایکم بالف است بطریق قیاس و محذوف الالفین
بطریق رسم و باؤ بحذف الف بعد از واو مکتوب است
النبیّین و الصابئین خاسئین بیک دندانه یا باشد

حیث وقع قالوا الئن بای صورت مکتوب است
الا در قل اوحی که بلام الف نویسند و در محل خود مذکور شود
فادّارءتم بهمز بعد از را باشد و الف بعد از دال محذوف
باشد در رسم سیّئة در همه قران بدو دندانه یا نویسند
و ثانی صورت همزه است و السیّئة نیز همچنین است
خطیئته بی صورت همزه باشد فما جزاء بی واو
مکتوب است و آنچه بواو باشد در محل خود گفته شود
الحیوة همه جا بواو مکتوب است و آنچه مضاف باشد
بالف و در محل خود نموده شود القیمة همه جا بحذف
الف باشد عیسی ابن مریم و نظایر در همه الف ابن
ثابت باشد حیث وقع بئسما اشتروا موصول
است فباءو بحذف الف بعد از واو مکتوب است
قل بئسما دو وجه است در بعضی مصاحف مقطوع
است و در بعضی موصول حیوة بواو نوشته شد چنانچه
گفته شد و ملائکته همه جا متصل الرسم است

ومیکئیل جنین مکتوب است در مصاحف عثمانی تا شامل
جمیع قراءت باشد و درین سه وجه آمده است نافع وابو جعفر
میکائل بمد وکسر همزه وحذف یا میخوانند وابو عمرو
ویعقوب وحفص میکئل بحذف جمله میخوانند
وباقیان میکائیل میخوانند بمد واشباع کسر همزه بیا
وصورت کتابت جمله قراءت نموده شد تا معلوم باشد
سلیمن اشتریه ولبئس ما شروا مقطوع است
ذو الفضل بحذف الف بعد از واو مکتوب است وکلمه
ذو در جمیع قران محذوف الالف است بخلاف اولوا که
بعد از واو الف ثابت باشد حیث وقع ان تسئلوا
بحذف الف صورت همزه باشد وهر کلمه که ماقبل همزه
حرف ساکن صحیح باشد همین حکم دارد مثل ولا تسئل
ولا تسئلون ویسئلونک یسئلک وینئون
یجئرون ولا تسئموا الخبء دفء لا تجئروا الیوم
لا یسئم الانسان غیر النشأة در عنکبوت والنجم

الواقعه

الواقعه ودر احزاب یسئلون عن انبائکم بخلاف است
اگر خواهند جنین نویسند واگر خواهند یسائلون بالف
فاینما تولوا موصول است ابرهیم واسمعیل
الهک واله واسحق الهاء همه جا جنین نویسند
قل ءانتم ماولیهم ترضیها وحیث ما کنتم مقطوع
است هر دو موضع این ما تکونوا مقطوع است
اللعنون بدو لام نویسند والهکم الرحمن الیل
بیک لام مکتوب است حیث وقع فاحیا بالف است
ماهدیکم واذا سألک بالف نویسند ~~ومانند این~~
~~که ماقبل همزه متحرک باشد مثل ولئن سألتهم~~
~~فقد سألوا سالها خزنتها سأل سائل حیث وقع~~
وعفا بالف باشد همه جا فالءن باشروهن
جزاء الکافرین به واو است ویشهد الله مفرد است
مرضات الله بتا مکتوب است هر دو موضع
اولئک یرجون رحمت الله بتا مکتوب است

کما سئلک وهمزه از تیسیر باشد صورت

ان الصفا بالف باشد

تبرئه

فان فاءو بحذف الف بعد از واو مکتوب است و اذکروا نعمت
الله علیکم بتا مکتوب است فی ما فعلن فی انفسهن
من معروف دو جا است یعنی موضع ثانی در اکثر مصاحف
مقطوع است و در بعضی موصول ثم احیاهم بالف است
لذو فضل بحذف الف بعد از واو است من ذا الذی
بالف مکتوب است و کلمهٔ ذا بالف باشد در جمیع قران
مثل فات ذا القربی و یبصط بصاد اصطفئه
فئة فئتین الفئتان همه جا بیاء صورت همزه مکتوب
است و بطریق رسم الف تثنیه در کلمهٔ آخر نباشد واتیه
الله ذو فضل بحذف الف بعد از واو است جزءا ای واو
مکتوب است و مجتنب است در زخرف و جزء در حجر
و هر دو در محل خود گفته شود مائه مائتین بالف
زیاده باشد بعد از میم حیث وقع سیاتکم بیک دندانه
یا نویسند و مجتنب سیاتهم السیات هذا نهم باشد
بسیماهم همه جا بیا نویسند الا در سورهٔ فتح که بالف

الربوا همه جا بواو مکتوب است و در سورهٔ روم بخلاف است
اگر خواهند من ربوا بواو نویسند و اگر خواهند من ربا بالف
و در محل خود گفته شود ذو عشرة بحذف الف بعد از واو
باشد احدیهما و لا یاب کاتب و لا یاب الشهداء هر دو به باء مجرد نویسند
الذی اؤتمن صورت همزه بواو مکتوب است و حکم وقف
الذی و ابتداء اؤتمن بعد از این نحو میشود انت مولینا
یاء ندا ٢٦ که محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی
یا ایها یا آدم یبنی یقوم یموسی یبنی یا اولی
الالباب و اگر بطریق قیاس نویسند الف بعد از یا
در همه باشد و یا از منادی جدا باشد چنانچه این زمان
در مصاحف می نویسند یا ایها یا آدم یا بنی یا قوم
یا موسی یا بنی یا اولی الالباب و در بین نوع الف
ثانی که بعد از یا است صورت همزه است در یا ایها
یا آدم یا اولی الالباب و در بواقی الف حرف ندا است
که محذوف الرسم است و بعضی یاء ایها بهمز بعد از یا می نویسند

بطریق قیاس و این اولی است از الف امّا قاری می باید
که اگر کاتب این نوع الفاظ را منفصل نوشته باشد
درخواندن یک کلمه داند و یا از منادی جدا نکند
و نشاید که وقف کند بر یا و ابتدا از منادی کند که مخالف
رسم باشد و ادا و این نکته از برای آن تنبیه کرده شد
که اکثر حفّاظ این کلمات را منفصل می دانند و در خواندن
حرف ندا از منادی جدا میکنند مثل آنکه در روایة
ورش در یا آدم یک وجه خوانند طول یا قصر
و دو وجه دیگر اعاده از آدم میکنند و در یا ایّها
ایّها ابتدا میکنند اگر با یکی یکی جمع میخوانند و این
بغایت شنیع است و نا مستحسن و نزد محقّقان
اهل رسم و ادا جائز نیست و ممنوع است و همچنین است
حکم هاء تنبیه در هٰذا و هٰؤلاءِ و هاَنتم و بطریق
قیاس هاء نتم نیز بعد از الف ها که محذوف الرّسم است
همزه می نویسند یا الف امّا یک کلمه است چنانچه مذکور شد

وهذا

وهٰذا و هٰؤلاءِ مشهور است که متّصل الرّسم است
و بعضی الفاظ که درین سوره مذکور شد و تبیین آن
کرده شد بر یکی سوره اگر نموده شود لفظا کافی باشد
بر سبیل اختصار و آنچه مشهور است احتیاج بتکرار
نباشد مثل ذٰلك الصّلٰوة الملٰئكة الحيٰوة
الزكٰوة هٰذا اسرآئيل ابرٰهم اسمٰعيل اسحٰق الٰله الرحمٰن
حرف الف ۱۳۵ که ثابت الرسم است و محذوف
اللفظ است در وصل و در وقف ملفوظ می شود مجهور مدّ
و آنچه بصورت یا مکتوب است منوّن و غیر منوّن
هُدًى ج در وصل بتنوین و در وقف بالف بدل
از تنوین و کاتب مخیّر است که اعراب این نوع الفاظ
بر حرفی که ملفوظ میشود بنهد یا بر یا و جمیع امثله
منوّن که بیا مکتوب است همین حکم داده مثل مصلًّى
اذًى مسمًّى یا ایّها الناس ۵ و قودها الناس ۵
تحتها الانهار ۵ هذا الذی ۵ فامّا الذّین ۵ و امّا الذّین

الا الفاسقين ٥ الى السماء ٥ على الملائكة ٥ فازلهما الشيطان ٥
وقلنا اهبطوا ٥ على الخاشعين ٥ على العالمين ٥
موسى الكتاب ٥ نرى الله ٥ واذ قلنا ادخلوا ٥ على الذين ٥
فقلنا اضرب ٥ فقلنا اضربوه ٥ وما الله ٥ لن تمسنا النار ٥
على الله ٥ الا الله ٥ عيسى ابن مريم ٥ على الكافرين ٥ بئسما اشتروا ٥
الا الفاسقون ٥ على الملكين ٥ يا ايها الذين ٥ ولا المشركين ٥
فيها اسمه ٥ يكلمنا الله ٥ بينا الايات ٥ ولا النصارى ٥
هدى الله ٥ جعلنا البيت ٥ مصلى ٥ على الناس ٥
وما جعلنا القبلة ٥ هدى الله ٥ الا الذين ٥ وانا التواب ٥
ولو يرى الذين ٥ الا النار ٥ على النار ٥ واتى المال ٥
واتى الزكوة ٥ القتلى الحر ٥ على المتقين ٥ الى الليل ٥
الى الحكام ٥ على الظالمين ٥ ما اعتدى ٥ الى التهلكة ٥
فما استيسر ٥ اذى ٥ الى الحج ٥ والى الله ٥ فيما اختلفوا ٥
وما اختلف ٥ فهدى الله ٥ لما اختلفوا ٥ الى النار ٥ الى الجنة ٥
فيما افتدت ٥ وعلى المولود ٥ وعلى الوارث ٥ على الموسع ٥

وعلى المقتر

وعلى المقتر ٥ على المحسنين ٥ على الصلوات ٥ الى الحول ٥
الى الذين ٥ من ذا الذى ٥ الى الملاء ٥ لنا اليوم ٥ على القوم ٥
ما اقتتل ٥ ما اقتتلوا ٥ لا انفصام ٥ الى النور ٥ الى الظلمات ٥
الى الذى ٥ انا احيى ٥ الى العظام ٥ وتؤتوها الفقراء ٥
الا ابتغاء ٥ انما البيع ٥ مسمى ٥ احديهما الاخرى ٥
ما اكتسبت ٥ ودر انا احيى خلاف است ٥ نافع وابوجعفر
در وصل بمد انا میخوانند ٥ وورش را مد طویل باشد ٥
وقالون را توسط وقصر ٥ وابوجعفر را قصر ٥
وباقیان را اسقاط مد باشد مثل دیگر امثله ٥ ودر
هر کلمه که بعد از انا همزه مفتوح باشد یا مضموم حکم همین
باشد در جمیع قرآن ٥ واگر بعد از انا همزه مکسور باشد
قالون را خلاف باشد ٥ قصر وتوسط چنانچه گفته شد ٥
ودیگران اسقاط مد مثل باقیان ٥ وجمله در محل خوف گفته شود
حرف ٦٣ واو که ثابت الرسم است ٥ ومحذوف
اللفظ است در وصل ٥ ودر وقف ملفوظ میشود نحو مد

لقوا الّذين ○ فاتّقوا النار ○ وعملوا الصّالحات ○ ولا تلبسوا الحقّ ○
وتكتموا الحقّ ○ واقيموا الصّلوة ○ واتوا الزّكوة ○ وادخلوا الباب ○
قالوا ادع ○ قالوا الئن ○ اوتوا الكتاب ○ ماتتلوا الشياطين ○
وقولوا انظرنا ○ ذوا الفضل ○ وقالوا اتخذ الله ○ فاستبقوا
الخيرات ○ امنوا استعينوا ○ ولتكملوا العدّة ○
ولتكبّروا الله ○ اتمّوا الصيام ○ تاتوا البيوت ○
واتوا البيوت ○ واتّقوا الله ○ واتمّوا الحجّ ○ فاذكروا الله ○
واستغفروا الله ○ واذكروا الله ○ امنوا ادخلوا ○
كفروا الحيوة ○ تدخلوا الجنّة ○ ولا تنكحوا المشركات ○
ولا تنكحوا المشركين ○ فاعتزلوا النسآء ○ ولا تجعلوا الله ○
وان عزموا الطّلاق ○ او يعفوا الّذى ○ واين موضع در وصل
بفتح واو است ○ ملاقوا الله ○ ولا تيمّموا الخبيث ○ اولوا الالباب
ان تبدوا الصّدقات ○ واقاموا الصّلوة ○ امنوا اتّقوا الله ○
ولا تكتموا الشهادة حرف ٧ واو كه در وصل
مضموم است و در وقف ملفوظ ميشود ى ف لين

اشتروا

اشتروا الضّلالة ○ اشتروا الحيوة ○ فتمنّوا الموت
وراوا العذاب ○ ولا تنسوا الفضل ○ واتوا الزّكوة ○
حرف ٦٥ يا كه ثابت الرّسم است و محذوف
اللفظ در وصل و در وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ
فى الارض ○ الّذى استوقد ○ فى السّبت ○ ولا تسقى الحرث ○
يحى الله ○ وذى القربى ○ فى الحيوة ○ فى الاخرة ○ فى الدّنيا ○
فى الله ○ فى السّماء ○ فى الكتاب ○ فى البحر ○ ذوى القربى ○
وفى الرّقاب ○ فى الباسآء ○ فى القتلى ○ فى القصاص ○
يا ولى الالباب ○ فى المساجد ○ فى الحجّ ○ حاضرى المسجد ○
فى السّلم ○ فى المحيض ○ فى العلم ○ فى السّموات ○ فى الدّين ○
لا يهدى القوم ○ يحى الموتى ○ يؤتى الحكمة ○ ويربى الصّدقات ○
الّذى اوتمن ○ ودو موضع ديكر بخلاف است عهدى الظالمين
ربّى الّذى يحى ويميت ○ حمزه هردو موضع در وصل بحذف
يا ميخوانند و حفص موافق است در اوّل و باقيان بفتح يا
ميخوانند ياات ٢ ثابت كه در حالين ملفوظ ميشود

و بعد و با ملفوظ ○
و بعد با ملفوظ ○

وبعضی از نظائر آن محذوف الرسم است بطریق مقنع
و رائیه و دیگر کتب رسم چنانچه در اول این مختصر گفته شد
واخشونی ولاتم فان الله یاتی بالشمس
یاات ۲ محذوف فارهبون
فاتقون ولا تکفرون الداع اذا دعان
واتقون یا اولی الالباب سه موضع اول رؤس آی است
وسه موضع آخر وسط آی یعقوب جمله را در حالین باثبات
یا میخوانند وابوجعفر وابوعمرو سه موضع آخر را در وصل
باثبات یا میخوانند ودر وقف بحذف یا وورش
موافق ایشانست در موضعین اول وباقیان جمله را
در حالین بحذف یا میخوانند ویک موضع دیگر ومن
یؤت الحکمة است نزد یعقوب که در وصل بکسر تا
میخوانند ودر وقف باثبات یا
همزات ۱۶ وصل مضمومه که در وصل ساقط است
ودر ابتدا ثابت اعبدوا اسجدوا اسکن اذکروا
ادخلوا

ادخلوا ادع انظرنا اتبعوا اضطر ادعهن اوتمن
همزات ۴۵ وصل مکسوره که در وصل ساقط
است ودر ابتدا ثابت اشتروا استوقد استوی
اهبطوا اتخذتم استسقی اضرب اثنتا اعتدوا
اضربوه ابن مریم استکبرتم اشتریه اسمه اتخذ الله
اتبعت ابتلی اجعل اصطفیناه اصطفی
اهتدوا استعینوا اعتمر اتبعوا اختلفوا اعتدی
اتقی انتهوا استیسر ائتوا الله ابتغاء اتقوا
اختلف استطاعوا افترت ابعث اصطفه
اغترف اقتتل اقتتلوا استمسک انفصام
اتقوا الله اکتسبت ویک موضع دیگر قال اعلم است
نزد حمزه وکسائی که بهمزه وصل میخوانند وجزم میم
وابتدا بکسر همزه بصیغه امر وباقیان بهمزه قطع میخوانند
در حالین ورفع میم بصیغه واحد متکلم **همزات ۹**
متطرفه متحرکه یستهزئ بین المرء اذ تبرأ

فتبرّأ ○ الی الملأ ○ این جمله در وقف باسکان همزه باشد
بوجه اصل چنانچه شیخ شاطبی فرموده است که
وَاِسْکَانُ اَصْلُ الْوَقْفِ و در مضموم روم و اشمام
نیز هر دو باشد و در مکسور روم فقط و در مفتوح
روم و اشمام نباشد نزد قرّا و جمیع کلمات موقوف
علیه که حرکت آخر او اصلی باشد نه عارضی که در وصل
حرکت یا فتح باشد مثل قُلِ ادعوا بضم و کسر لام بسبب خلف قرّاء
و همچنین اَوِ ادعوا بضم و کسر واو و بِهِمُ الاسباب بضم و کسر میم
همین حکم دارد غیر از هاء ضمیر که قومی روم و اشمام
در آن جائز نداشته اند مثل فیه و اجتبٰه و هدٰه
و هر همزه که بصورت الف و واو و یا مکتوب باشد نزد
حمزه و هشام ابدال باشد بیک وجه بمناسبت حرکت ما قبل
مثل یستهزئ که ابدال بیا باشد تبرّأ فتبرّأ الملأ ابدال
بالف و مثل امرؤٌ ابدال بواو و در بین المرء همزه را
حذف کنند و نقل حرکت همزه کنند بما قبل و یک وجه باسکان را وقف کنند

دیگر وجه

و یک وجه دیگر بروم و این نکته از برای آن تنبیه کرده شد تا
اگر کسی غیر قراءة حمزه و هشام خواند این نوع همزات را
ابدال نکند بیا و الف و واو و تمام وجوه باب وقف حمزه و هشام
از مفردات مولانا طاهر معلوم میشود سلّمه الله تعالی
و مدّ ظلال ارشاده علی مفارق المسلمین ○

۱۹ وصل کلمتین یعنی دو کلمه که با یکدیگر وصل کنند
و اوّل کلمه ثانی همزه باشد حرکت آخر کلمه اوّل ملفوظ شود
بهر نوع که باشد و همزه اوّل کلمه ثانی محذوف گردد
للمتّقین الذین ○ مستهزءون الله ○ تتّقون الذی ○
الفاسقین الذین ○ الخاشعین الذین ○ و لا نصیر الذین
لمن الظالمین الذین ○ و هم یعلمون الحق ○ الظالمین الشهر ○
العقاب الحج ○ حکیمٌ الطلاق ○ هم الظالمون الله ○ علیمٌ الله ○
علیمٌ الذین ○ حمیدٌ الشیطان ○ نور الذین ○
آنچه منوّن است بکسر نون تنوین ملفوظ شود و همچنین خیرٌ
اهبطوا خیراً الوصیة که کلمه اوّل وقف است نه آیت و باقی همچنین آخر کلمه اوّل ○

عذابٌ عظيمٌ ○ فى ظلماتٍ ○
فيه ظلماتٌ ○ واذا اظلم ○ من الظّالمين ○ الّذين يظنّون ○
من ربّكم عظيمٌ ○ وانتم تنظرون ○ وانتم ظالمون ○ انّكم ظلمتم ○
وانتم تنظرون ○ وظلّلنا ○ وما ظلمونا ○ انفسهم يظلمون ○
الّذين ظلموا ○ الّذين ظلموا ○ وموعظةً ○ النّاظرين ○
الّا يظنّون ○ تظاهرون ○ وانتم ظالمون ○ عليمٌ بالظالمين ○
وراءَ ظهورهم ○ وقولوا انظرنا ○ ذو الفضل العظيم ○
ومن اظلم ○ عذابٌ عظيمٌ ○ عهدى الظالمين ○ ومن اظلم ○ لمن الظالمين ○
الّا الّذين ظلموا ○ ولا هم ينظرون ○ ولو يرى الّذين ظلموا ○ من ظهورها ○
على الظالمين ○ هل ينظرون ○ فى ظلل ○ هم الظالمون ○ ان ظنّا ○
فقد ظلم ○ يعظكم به ○ يوعظ به ○ حافظوا ○ عليمٌ بالظالمين ○
الّذين يظنّون ○ هم الظالمون ○ العلىّ العظيم ○ من الظّلمات ○
الى الظلمات ○ لا يهدى القوم الظالمين ○ فانظر الى ○ وانظر الى ○
وانظر الى العظام ○ وما للظالمين ○ وانتم لا تظلمون ○ موعظةٌ من ربّه ○
لا تظلمون ○ ولا تظلمون ○ فنظرةٌ ○ وهم لا يظلمون ○

۱۱

سورة ال عمران الٓمٓ ذو انتقامٍ بحذف الف بعد از واو
مكتوب است فئتين، فئةٌ، اؤنبّئكم، والامّيّن النّبيّن
بيك دندانه يا باشد، ءاسلمتم، الّيل، منهم تقيةً،
امرات عمران بتا مكتوب است ثلثةٌ، اصطفٰك
من انباءِ، كهيئةِ بى ياء صورت همزه باشد، فنجعل
لعنت الله بتا مكتوب است، هاانتم بطريق رسم
وقياس هر دو گفته شد در البقره، ذو الفضل بحذف الف
بعد از واو باشد، فى الامّيّن، ربّانيّن بيك دندانه يا باشد
يلوٗن بيك واو است، ءاقررتم، ملءُ الارض بى لام مجرّد
نويسند، حقّ تقاته در مصاحف عراق بالف مكتوب است
و در بواقى بحذف الف، واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم
بتا مكتوب است اين ما ثقفوا مقطوع است، وباءو
بحذف الف بعد از واو باشد اولاءِ، سيّئةً، بثلثة
الرّبوا، افائن، وكأيّن، فاٰتٰهم الله مولٰكم، وماوٰهم
ما اوٰكم، عفا بالف باشد، ذو فضلٍ بحذف الف بعد از واو باشد

البلغ

ولا تلوٗن بیک واو است اخریکم لکیلا تحزنوا موصول آمّه
ههنا لاالی الله لالی الله دو وجه است بهر دو وجه لاالی
یک کلمه است لا نفضوا یک کلمه است فمن ذا الذی بالف باشد
وما وانه لا تبعنا لم یک کلمه است قل فادرءوا جاءو
بحذف الف بعد از واو مکتوب است وجمله نه موضع است
فبئس ما یشترون مقطوع است سیاتنا سیاتهم
یا ءندا ۱۸ که محذوف الالف است در رسم ومتصل است
بمنادی یمریم ع یعیسی ۱ یاهل الکتاب ۶
یایها ۷ واگر بقیاس نویسند الف بعد از یا باشد یا مریم
یا عیسی ودر یا ءهل یاءیها همزه اولی باشد وحکم انکه
یک کلمه باشد گفته شد ومجنب هاءنتم وهؤلاء
حرف الف ۶۴ که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ
هنالک فاما الذین الا الله من تحتها الانهار وما اختلف
لن تمسنا النار والی الله علی العالمین عیسی ابن مریم
واتبعوا الرسول واما الذین علی الکاذبین اولی الناس

وهذا النبی

وهذا النبی علی الذین هدی الله علی الله وانا معکم الا الذین
علی الناس وما الله یایها الذین اذی وما النصر
عرضها السموات وما استکانوا ربنا اغفر لنا علی القوم
مثوی الظالمین علی المؤمنین التقی الجمعان غزی
انما استزلهم عفا الله لاالی الله ودر رسم لام الف کلمه نباشد
لا الی یک کلمه است الله یکی واین نکته از برای آن گفته شد که
بعد از لام الف الف زیاده مکتوب است یک وجه ودر وجهی دیگر نیست
فمن ذا الذی حسبنا الله علی الغیب وما الحیوة الدنیا
حرف واو ۳۰ که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ
میشود بحرف مد ذو انتقام اولوا الالباب واولوا العلم
اوتوا الکتاب اطیعوا الله فاتقوا الله وعملوا الصالحات
فقولوا اشهدوا ذو الفضل ان تتخذوا الملئکة لن تنالوا البر
امنوا اتقوا الله لا تاکلوا الربوا واتقوا الله واتقوا النار
ذکروا الله ان تدخلوا الجنة ان تطیعوا الذین کفروا الرعب
لن یضروا الله امنوا اصبروا حرف واو ۱ که در وصل

[illegible] یستبشرون

مضموم است و در وقف ملفوظ میشود و لیس
اِشتروُا الکفر ه همین یک موضع است

حرف یا ٣٦

که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود ممدود
فی الارض ه فی السماءِ ه فی الارحام ه فی العلم ه لاولی الابصارِ ه
فی الدّنیا ه تؤتی الملک ه فی النّهار ه فی الیل ه فی السموات ه
فی المحراب ه فی المهد ه واحی الموتی ه فی الامیین ه فی الاخرة ه
کیف یهدی الله ه لا یهدی القوم ه فی الخیرات ه فی السرّاءِ ه
وسیجزی الله ه وسنجزی الشاکرین ه فی الامر ه فی الکفر ه
لاولی الالباب ه فی البلاد

یاء ثابت

فاتبعونی یحببکم الله

یاات محذوف ٣

ومن اتّبعنِ ه واطیعونِ ه وخافونِ ه اوّل و آخر وسط
آی است و ثانی آیه یعقوب جمله را در حالین باثبات یا
میخوانند و ابوجعفر و ابوعمرو اوّل و آخر را در وصل باثبات
یا میخوانند و نافع موافق ایشانست در اوّل و باقیان
جمله را در حالین بحذف یا میخوانند.

یکی را مکتوب است و بدو یا ملفوظ شود ه

محذوف صحیح

همزهٔ وصل مضمومه اُقْنُتی ه همین یک موضع است

همزات وصل مکسوره ٣٠٤

اِنتقام ه اِبتغاء ه اِلتقتا ه
اِتّقوا ه اِختلف ه اِتّبعن ه اِهتدوا ه اِصطفی ه اِمرات ه
اجعلها ه اصطفنک ه اسمه ه ابن مریم ه اتّبعوک ه
اِشهدوا ه اِتّبعوه ه اِزدادوا ه اِفتریٰه ه اِفتری ه
اِستطاع ه اِتّقوا الله ه اِسودّت ه اِبیضّت ه اِنقلبتم ه
اِستکانوا ه اِغفر لنا ه اِلتقی ه اِستهزئهم ه اِتّبع ه
اِدفعوا ه اِشتروا ه اِصبروا

همزات متطرفه متحرکه ٣

وابرئ ه ملئ ه تبوّئ ه اوّل و آخر حمزه و هشام را
در وقف ابدال با شد بیا بیک وجه و در ثانی حذف همزه و
نقل حرکت همزه بما قبل و باقیانرا در همه اسکان باشد
بر وجه اصل و روم و اشمام نیز باشد زیرا که همه

وصل کلمتین ٩

بالعباد الذین ه النار الصابرین ه
کن فیکون الحق ه للمتّقین الذین ه بما یکتمون الذین ه
اجر المؤمنین الذین ه اجر عظیم الذین ه للعبید الذین ه

ياولي الالباب الذين ٥ اين جمله در وصل بحركة آخر كلمه اول ملفوظ
شوف و موضع منون بكسر نون و جمله آيه است

ظات ٣٦ وهم لا يظلمون ٥ لا يحب الظالمين ٥
ذو الفضل العظيم ٥ ولا ينظر ٥ القوم الظالمين ٥ ولا هم ينظرون ٥
هم الظالمون ٥ عذاب عظيم ظلماً للعالمين ٥ قوم ظلموا ٥ وما ظلمهم الله ٥
يظلمون ٥ من الغيظ ٥ بغيظكم ٥ فانهم ظالمون ٥ والكاظمين ٥ الغيظ ٥
او ظلموا ٥ فانظروا ٥ وموعظة ٥ لا يحب الظالمين ٥
وانتم تنظرون ٥ مثوى الظالمين ٥ يظنون بالله ٥ ظن الجاهلية ٥
فظاً ٥ غليظ القلب ٥ وهم لا يظلمون ٥ اجر عظيم ٥
ذو فضل عظيم ٥ حظاً في الآخرة ٥ عذاب عظيم ٥
اجر عظيم ٥ بظلام للعبيد ٥ وراء ظهورهم ٥ وما للظالمين ٥

سورة النساء ثلث و ربع هنيئاً مريئاً
ابواه و بطريق رسم الف محذوف باشد والتي هر جا بيك لام با
يتوفهن واللذان السيئات ثبت الئن
ولا الذين در مواضع احديهن فمن ما ملكت مقطوع است

لولا ينهاهم رسالته و بطريق رسم محذوف الالف است
والصابئون ٥ وما وليه ثلثة و ذلك جزاء المحسنين
ابراهيم در واو است عفا الله بالف است ذو انتقام بحذف
الف بعد از واو است الاولين چنين بايد نوشت تا تأمل
هر دو قراءة باشد مثل رسالته كه نموده شد
كهيئة در صورت ممن باشد ءانت ٣٢ يا و ندا
كه محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادى
يا ايها ٥ يا اهل الكتاب ٥ يقوم ٥ يموسى ٥ يويلتى ٥
يبني ٥ يا اولى الالباب ٥ يعيسى ابن مريم و طريق قياس
وحكم يك كلمه گفته شد ٧٥ حرف الف
كه در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ ميشود مثل
يا ايها الذين ٥ ولا الشهر ٥ ولا الهدى ٥ ولا القلائد ٥
على البر ٥ على الاثم ٥ على النصب ٥ الى الصلوة ٥ الى المرافق ٥
الى الكعبين ٥ وعلى الله ٥ من تحتها الانهار ٥ الى النور ٥
عليها ادخلوا ٥ على القوم ٥ احيا الناس ٥ الا الذين ٥

يا ايها الرسول ٥ انزلنا التورىة ٥ هدًى ٥ بها النبيون ٥
بما استحفظوا ٥ بعيسى ابن مريم ٥ الى الله فترى الذين ٥
فعسى الله ٥ على المؤمنين ٥ على الكافرين ٥ اطفاها الله ٥
ما المسيح ابن مريم ٥ وعيسى ابن مريم ٥ ما اتخذوهم ٥ الى الرسول ٥
انما الخمر ٥ رسولنا البلاغ ٥ على الذين ٥ ما اتقوا ٥ عفا الله ٥
على الرسول ٥ الا البلاغ ٥ على الله ٥ اذا اهتديتم ٥ انهما
استحقا ٥ وما اعتدينا ٥ يعيسى ابن مريم ٥ الى الحواريين
حرف ٣٥ واو كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف
ملفوظ مبنوع بحرف مد ، واتقوا الله ٥ واذكروا اسم الله ٥
اوتوا الكتاب ٥ الا تعدلوا اعدلوا ٥ وعملوا الصالحات ٥
امنوا اذكروا نعمت الله ٥ يقوم ادخلوا الارض ٥ امنوا اتقوا الله ٥
فاستبقوا الخيرات ٥ لا تتخذوا اليهود ٥ امنوا الذين ٥
لا تتخذوا الذين ٥ اقاموا التورىة ٥ تقيموا التورىة ٥
اعبدوا الله ٥ امنوا اليهود ٥ واطيعوا الله ٥ واطيعوا الرسول ٥
لا تقتلوا الصيد ٥ ذوا انتقام ٥ فاتقوا الله ٥

واو

حرف ٣٥ واو كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ مبنوع
واتقوا الله ٥ واتوا اليتامى ٥ ولا تتبدلوا الخبيث ٥ واتوا النساء ٥
ولا تؤتوا السفهاء ٥ وابتلوا اليتامى ٥ بلغوا النكاح ٥
اولوا القربى ٥ فليتقوا الله ٥ ان ترثوا النساء ٥ وسئلوا الله ٥
واعبدوا الله ٥ لا تقربوا الصلوة ٥ ان تضلوا السبيل ٥
اوتوا الكتاب ٥ ليذوقوا العذاب ٥ وعملوا الصالحات ٥
ان تؤدوا الامانات ٥ اطيعوا الله ٥ واطيعوا الرسول ٥
فاستغفروا الله ٥ لوجدوا الله ٥ واقيموا الصلوة ٥ واتوا الزكوة ٥
ان يعفو عنهم ٥ اين موضع واو در وصل مفتوح است ٥
وبعد از واو الف نباشد در رسم چنانچه گفته شد ٥
فاذكروا الله ٥ فاقيموا الصلوة ٥ ان اتقوا الله ٥ فلا تتبعوا الهوى ٥
لا تتخذوا الكافرين ٥ ثم اتخذوا العجل ٥ لهم ادخلوا الباب ٥
حرف ١ واو كه در وصل مضموم است ودر وقف ملفوظ
مبنوع بحرف لين ٥ وعصوا الرسول ٥ همين يك موضع است ٥
حرف ٣٥ يا كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ مبنوع بحرف مد

فی الیتامی ٥ فی الثلث ٥ فی البیوت ٥ فی المضاجع ٥ وبذی القربی ٥
والجار ذی القربی ٥ فی الدین ٥ اولی الامر ٥ فی المنافقین ٥ لا یستوی القاعدون
اولی الضرر ٥ فی الارض ٥ فی ابتغاء ٥ فی الحیوة ٥ فی السموات ٥
فی النساء ٥ فی الکتاب ٥ فی الدرک ٥ فی السبت ٥ فی العلم ٥
فی الکلالة ٥ و یاء ثابت که نظیری محذوفدر اسیدر بو سوره نیست
یاء محذوف وسوف یؤت الله المؤمنین ٥ حمزه یکی موضعده
و یعقوب ده وقفده باثبات یا ایله اوقوراندر اصل حقده و باقیلر بحذف
همزات وصل مضمومه انظر ٥ اقتلوا ٥ اخرجوا ٥ ادخلوا ٥
همزات وصل مکسوره اتقوا ٥ اثنتین ٥ امراة ٥ استبدال ٥
استمتعتم ٥ اکتسبوا ٥ اکتسبن ٥ افتری ٥ انفروا ٥ اتقی ٥
اختلافا ٥ اعتزلوکم ٥ اطمأننتم ٥ ابتغاء ٥ احتمل ٥ ازدادوا ٥
اتخذوا ٥ ابن مریم ٥ اختلفوا ٥ اتباع ٥ انتهوا ٥ استنکفوا ٥ امرؤا ٥
همزات متطرفه متحرکه ویستهزا ٥ ان امرؤ ٥
حمزه و هشام هر ایکیسی وقفده ابدال ایله اوقوراندر اولکی بالف و ثانی
بواو بیکی بع و باقیلر باسکان همزه ایله اوقوراندر اصلده و روم

واشمام

١٧

واشمام نیز در هر ایکیسی جائزدر برای همزه **وصل کلمتین** که اولی
شهیدا الرجال ٥ فخورا الذین ٥ فتیلا انظر ٥ نصیرا الذین ٥
حسیبا الله ٥ الیما الذین ٥ جمیعا الذین ٥ این جمله ده وصل
بکسر نون تنوین ملفوظ اوقورلر ٥ و مجموعی ثلثه اندن اکر وقف
اسه نه ابد ٥ و در فتیلا انظر خلاف اسه ٥ عاصم و حمزه
و ابو عمرو و یعقوب بکسر نون تنوین اوقورلر و باقیلر بضم
و مثل این جمله در محل حقده کفته شود **ظاات ٤٥**
ظلما انما ٥ حظ الانثیین ٥ الفوز العظیم ٥ میثاقا غلیظا ٥
میلا عظیما ٥ وظلما فسوف ٥ حافظات ٥ بما حفظ الله ٥
فعظوهن ٥ لا یظلم ٥ اجرا عظیما ٥ وانظرنا لکان ٥
اثما عظیما ٥ ولا یظلمون فتیلا ٥ انظر کیف ٥ ملکا عظیما ٥ ظلا ظلیلا ٥
یعظکم به ٥ وعظهم وقل لهم ٥ اذ ظلموا ٥ ما یوعظون ٥ اجرا عظیما ٥
فوزا عظیما ٥ اجرا عظیما ٥ الظالم اهلها ٥ ولا تظلمون فتیلا ٥
علیهم حفیظا ٥ عذابا عظیما ٥ اجرا عظیما ٥ ظالمی انفسهم ٥ او یظلم ٥
علیک عظیما ٥ اجرا عظیما ٥ ولا یظلمون نقیرا ٥ اجرا عظیما ٥ الا من ظلم ٥

سيئاتكم وَسْئَلُوا الله بحذف الف وصل مكتوب است
قبل از سين و بعد از سين صورت همزه خود بنا شد
و هر صيغهٔ امر از سؤال كه واو يا فا بر سر سين در آمده باشد
الف وصل از و محذوف باشد ءاتيهم الله اوَلمستم
لام بميم متصل است و مجيز در مائده اين ما تكونوا
يدرككم الموت دو وجه است در اكثر مصاحف مقطوع
است و در بعضى موصول نيز آمده است اما قطع اولى است
سيئة فمال هؤلاء مقطوع اللام است لا تتبعتم با كلمه است
فئتين كلما ردوا دو وجه است در اكثر مصاحف
مقطوع است و در بعضى موصول السلم معرف و منكر
بهر نوع كه باشد حيث وقع بحذف الف مكتوب است بطريق
رسم و اگر بقياس نويسند الف باشد توفيهم ماويهم
ان يعفو عنهم بعد از واو منفرد در همين كلمه الف محذوف
است اريك الله ها انتم ام من يكون مقطوع است
سوءا نجويهم مرضات الله بتا مكتوب است

بظلمهم ثم ميثاقا غليظا بهتانا عظيما الا اتباع الظن
فبظلم اجرا عظيما كفروا وظلموا مثل حظ الانثيين
سورة المائدة اليوم يئس اولمستم لام بميم متصل است
امنوا اذكروا نعمت الله عليكم اذ هم قوم بتا مكتوب است
سبل السلم نحن ابناء واحباؤه واتيكم ههنا
ان تبوأ بعد از واو الف باشد و ذلك جزؤا الظالمين
بواو صورت همزه مكتوب است و بعد از واو الف باشد
والف قبل از واو که کشیده میشود بمد محذوف الرسم است
و یک موضع دیگر بعد ازین هست و مثل این هر جا باشد حمله
در محل خوف بیاید سوءة بهمزه نویسند ومن احیاها
فكانما احيا الناس هر دو بالف است انما جزؤا الذين
بواو مكتوب است والف بعد از واو چنانچه گفته شد في ما اتيكم
دو وجه است در اكثر مصاحف مقطوع است و در بعضى
موصول نخشى بالف است و بياءٍ نويسند بر قياس
اهؤلاء لومة لائم دو كلمه است لبئس ما مقطوع است در جهار موضع

و موضع آخر سكت که واو باشد صح

فيتوف باتي الله بين مكتوب است در محل خوف بيايد صح

هؤ واوه موضع صح

لولا ينهيهم

وإن تلوا يك واو است ويستهزأ بها بالف مكتوب است
الربوا لئلا القها ثلثة إن امرؤ بعد از واو الف
يا ء ندا ١٤ كه محذوف الالف است در رسم ومتصل است بمنادى
يا أيها ٥ يليتنى ٥ يا أهل الكتاب ٥ وطريق قياس حكم يك
كلمه گفته شد

حرف الف ٦٧

كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ ميشود بعوض مد
يا أيها الناس ٥ فلها النصف ٥ منهما السدس ٥ من تحتها الانهار ٥
إنما التوبة ٥ على الله ٥ ولا الذين ٥ يا أيها الذين ٥ فما استمتعتم ٥
مما اكتسبوا ٥ مما اكتسبن ٥ الى الذين ٥ الى الله ٥ الى الطاغوت ٥
والى الرسول ٥ علينا القتال ٥ عسى الله ٥ الا الذين ٥ الى الفتنة ٥
على القاعدين ٥ الا المستضعفين ٥ أذى ٥ فاذا اطمأننتم ٥
على المؤمنين ٥ في يتامى النساء ٥ ووصينا الذين ٥ أيها الناس ٥
أرنا الله ٥ قتلنا المسيح ٥ عيسى ابن مريم ٥ الا اتباع ٥
الا الحق ٥ انما المسيح ٥ انما الله ٥ ولا الملئكة ٥ فاما الذين ٥
واما الذين ٥ فان كانتا اثنتين ٥ فلهما الثلثان ٥

حرف واو

حرف واو ١

كه در وصل مضموم است ودر وقف ملفوظ ميشود بحرف لين
فلا تخشوا الناس ٥ همين يك موضع است

حرف يا ٢٦

كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ ميشود بعوض مد
محلى الصيد ٥ في الآخرة ٥ في الارض ٥ في الدنيا ٥ في الكفر ٥
لا يهدى القوم ٥ فسوف يأتي الله ٥ في الاثم ٥ وفي العذاب ٥
في الخمر ٥ ما في السموات ٥ قل لا يستوى الخبيث ٥ يا أولى الالباب ٥
في المهد ٥ ودر ربع ياء ثابت كه نظير محذوف است نيست

ياءات محذوف ٢

واخشون اليوم ٥ واخشون ولا ٥
يعقوب موضع اول را در وقف باثبات يا ميخوانند وباقيان
بحذف ٥ وموضع ثانى در حالين باثبات ميخوانند و ابوجعفر
وابوعمرو در وصل ٥ وباقيان در حالين بحذف يا ميخوانند

همزات وصل مضمومه ١٣

اضطر ٥ اذكروا ٥ ادخلوا ٥
استحفظوا ٥ احكم ٥ اعبدوا ٥ انظر ٥ استحق در غير روايت
حفص ٥ اذكر نعمتى

همزات وصل مكسوره ٣٢

اسم الله ٥ اعدلوا ٥ اثنى عشر ٥ اتبع رضوانه ٥ ابن مريم ٥
١٥

ابنی آدم ٥ اتقوا الله ٥ اتخذوها ٥ اتخذوهم ٥ اتقوا ٥
اعتدی ٥ انتقام ٥ اعلموا ٥ اهتدیتم اثنان ٥ ارتبتم
استحقا ٥ استحق در روایة حفص ٥ اعتدینا ٥ اتخذونی ٥
همزات متطرفه متحرکه ۲ علیهم نبأ وتبرءک حمزه
وهشام را در وقف ابدال باشد بیک وجه اوّل بالف وثانی بیا
وباقیانرا اسکان باشد برمع اصل ودر ثانی روم واشمام
نیز باشد از برای حمزه وصل کلمتین ۵ فسوق الیوم ٥
واخشون الیوم ٥ الحساب الیوم ٥ الطعام انظر ٥
علیم اعلموا ٥ اوّل وآخر که منوّن است در وصل بکسر نون
تنوین ملفوظ شوند وباقی بحرکه آخر کلمه اوّل وموضع ثالث
وخامس آیه است وباقی وقع ظاات ۱۸
واجر عظیم ٥ ونسوا حظا ٥ فنسوا حظا ٥ من الظلمات ٥ جزاؤا الظالمین ٥
عذاب عظیم ٥ من بعد ظلمه ٥ عذاب عظیم ٥ بما استحفظوا ٥ هم الظالمون ٥
وموعظة ٥ القوم الظالمین ٥ وما للظالمین ٥ انظر کیف ٥
ثم انظر ٥ واحفظوا ایمانکم ٥ لمن الظالمین ٥ الفوز العظیم ٥

سورة الانعام

119

سورة الانعام

انبؤا بواو مکتوب است والف بعد از واو باشد ائنکم لتشهدون بیاء صورت همزه مکتوب
است وهرجه چنین باشد یا غیر از همزه در محل خود بیاید
الآحیا ائتنا بالف است اتیهم من نبای المرسلین
صورت همزه بیا مکتوب است ارایتکم وارایتم وارایت
افرایتم افرایت در همه قرآن اکرخواهند الف بعد از را
بنویسند واکرخواهند همزه ان اتیکم بالغدوة
بواو مکتوب است ومجنی در کهف یتوفیکم مولیهم الحق
لئن انجینا هدینا الله الی الهدی ائتنا بیاء فاء الفعل که
صورت همزه نویسند وهمچنین هرجا که ابتدا بهمزه وصل توان کرد
مثل یصالح ائتنا لقاءنا ائت وقال فرعون ائتونی
وقال الملک ائتونی قال ائتونی باخ ثم ائتوا صفا
بخلاف فأتوا بسورة واتونی باهلکم واتمروا بینکم
اما ردما اتونی قال اتونی در کهف بقراءة عامه بالف
نوشت یعنی فاء الفعل همزه را صورت نباشد که آن یا است

در قراءة شعبه و حمزه چنین که نموده شد و مذکور شد و اگر مخصوص بقراءة شعبه و حمزه نویسند بمحال خوف باید نوشت

و در قال اُتونی خلاف است از شعبه بطریق شاطبیه و تیسیر

و در ردما اتونی بطریق طیبه و نشر إنّی أرىٰك

رأ كوكبا رأ القمر رأ الشمس و كلمات رأ همه برین صورت

باید نوشت یعنی بی یاء لام الفعل باشد الّا دو حرف

سورهٔ والنجم ما رأى لقد رأى که بیاء لام الفعل نویسند

بر قیاس و در محل حرف نموده شود و قد هدىٰن فبهدىٰهم اقتده

صلاتهم یحافظون بالف مکتوب است فیكم شركؤا

بواو مکتوب است و الف بعد از واو و موضع آخر بی واو است

و در محل خوف باید سبحٰنه افئدتهم أفئدة همه جا حذف یاء

صورت همزه باید نوشت و همچنین الافئدة الا أفئدة من الناس

اوّل سورهٔ ابرهیم که بیا نویسند و در محل خوف بیاید كلمت

ربك صدقا و عدلا بتا مکتوب است بجمع و افراد و خلاف قراءة

در فصل هاء تانیث گفته شد مقوىٰكم ذو الرحمة بی واو الف بعد از واو باشد

نوشته در عبارت ... شرکاؤا واو است بکر موضع یک در آخر عمیم و در محل خوف باید صح

إنّ ما توعدون مقطوع است فهم فيه شركاء بی واو است

چنانچه قبل از این گفته شد قل آلذكرين هر دو موضع و جمیع قراء

درین دو وجه میخوانند اوّل بمدّ تمام و دیگر بقصر بتحقیق

همزهٔ اوّل و تسهیل همزهٔ ثانی کالالف و همچنین آلٰئن موضع

یونس قل آلله هم در یونس آلله خیر در نمل و لیکن وجه مدّ اولی

باشد از قصر بهر روایت که خواهد نبئوني بی یاء صورت همزه باشد

وصّىٰكم همه فيما أوحي دو وجه است در اکثر مصاحف مقطوع

است و در بعضی موصول أو الحوايا بالف است ذو رحمة

بحذف الف بعد از واو باشد لهديٰكم بالسيئة قل انني هدىٰني

قل ان صلاتي بالف باشد و محياي فيما اتىٰكم

دو وجه است در اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی موصول

یاء نداء ٥ که محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی

يٰليتنا يحسرتنا يٰمعشر ٥ قل يٰقوم ٥ و اگر بقیاس

نویسند الف بعد از یا در همه باشد و حکم آنکه کلمه باشد معلوم شد

حرف الف ٥١ که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود

مسمًّى ٥ وارسلنا السّمآء ٥ وجعلنا الانهار ٥ هذا القران ٥
على النّار ٥ الّا حياتنا الدّنيا ٥ وما الحيوة ٥ على الهدى ٥ الّا القوم ٥
وما انا من المهتدين ٥ الى الله ٥ على الّذين ٥ هدىٰنا الله ٥ الى الهدى ائتنا ٥
هُدى الله ٥ را القمر ٥ را الشمس ٥ وما انا من المشركين ٥
على العالمين ٥ هدى الله ٥ وهُدًى ٥ على الله ٥ فصّلنا الايات ٥
وما انا عليكم ٥ انّما الايات ٥ الّا الظّنّ ٥ ما اضطررتم ٥
ربّنا استمتع ٥ اجلنا الّذى ٥ عليها افترآء ٥ امّا اشتملت ٥
او ما اختلط ٥ موسى الكتاب ٥ على الّذى ٥ علينا الكتاب ٥
وانا اوّل المسلمين ٥ و در ين كلمه خلاف است، نافع و ابو جعفر
وَاَنَا در وصل بمدّ ميخوانند، و ورش را مدّ طويل باشد،
و قالون را قصر و توسّط، و ابو جعفر را قصر، و باقيان را
اسقاط مدّ، و در وقف را القمر، را الشمس خلاف است
بفتح و اماله، ابو بكر و حمزه و كسائى و خلف اختيار باماله را
و حمزه ميخوانند، و ورش هردو را باماله بين بين ميخوانند
و در همزه سه وجه باشد طول، و توسّط و قصر، و ابو عمرو باماله

ممن

ممن ميخوانند فقط، و باقيان بفتح حرفين ميخوانند، و در وصل
ابو بكر و حمزه و خلف اختيار باماله را و فتح همزه ميخوانند، و باقيان
بفتح حرفين، و اين قول اصحّ است حرف واو ۱۰
كه در وصل محذوف اللفظ است، و در وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ
فذوقوا العذاب ٥ وان اقيموا الصّلوة ٥ وما قدروا الله ٥
ولا تسبّوا الّذين ٥ فيسبّوا الله ٥ ذو الرّحمة ٥ ولا تقربوا الفواحش ٥
ولا تقتلوا النّفس ٥ واوفوا الكيل ٥ ولا تتّبعوا السّبل ٥
و در اين سه واو كه در وقف ملفوظ شود بحرف لين نيست،
حرف يا ۲۰ كه در وصل محذوف اللفظ است، و در وقف
ملفوظ ميشود بحرف مدّه فى السّموات ٥ وفى الارض ٥ فى الّيل ٥
فى الكتاب ٥ فى الظّلمات ٥ يستوى الاعمى ٥ فى البرّ ٥
كالّذى استهوته ٥ فى الله ٥ نجزى المحسنين ٥ فى النّاس ٥
فى السّمآء ٥ لا يهدى القوم ٥ سنجزى الّذين ٥ يا آت عو
ثابت لئن لم يهدنى ٥ اتحاجّونّى ٥ يوم ياتى ٥ هدىٰنى ربّى ٥
يا آت محذوف يقض الحقّ ٥ در قرائة ابو عمرو

ویعقوب وابن عامر وحمزه وکسائی وخلف اختیار؛ وباقیان
یقصّ میخوانند ونه از قسم محذوفات است؛ وقد هدین
یعقوب موضع اوّل را در وقف باثبات یا میخوانند؛ وثانی
درحالین؛ وابوعمرو وابوجعفر در ثانی موافق اند درحال وصل
وباقیان هردو بحذف یا میخوانند **همزات وصل مضمومه ٨**
اُستهزئ ٥ اُنظروا ٥ اُنظر ٥ اُضطر ثم ٥ اُضطر ٥
همزات وصل مکسوره ٢٦ اِفترى ٥ اِستطعت ٥
اِتخذوا ٥ اِستهوته ٥ اِیتنا ٥ اِقتده ٥ اِتّبع ٥ اِسم الله ٥
اِستکبرتم ٥ اِستمتع ٥ اِعملوا ٥ اِفتراء ٥ اِثنین ٥ اِشتملت ٥
اِختلط ٥ اِنتظروا **همزات متطرفه متحرکه ٦**
اُستهزئ ٥ من نبائ ٥ لکل نبإ ٥ مما ذرأ ٥ انشأ ٥
این جمله در وقف باسکان همزه باشد برمه اصل؛ ودر موضع
مکسوره روم نیز باشد از برای همه؛ وحمزه وهشام را ابدال
باشد؛ موضع اوّل بیا؛ وثانی بالف ویاء ساکن هردو
وموضع آخر بالف وموضع مکسوره روم باتسهیل ودر ثانی روم بیا نیز

من یشاء الی (margin)
ودر موضع سوم که ذکر همزه عارضیست روم نباشد صح (margin)

وصل کلمتین (margin)

اِتّبعوه ٥ اِتّقوا ٥ اِنصرفوا **همزات متطرفه متحرکه ٤**
نبأ ٥ تبرّأ ٥ ملجأ ٥ ظمأ ٥ این جمله در وقف باسکان همزه باشد
ودر اوّل وآخر روم واشمام نیز باشد از برای همه؛ وحمزه
وهشام را وجوه مخصوص خود باشد چنانچه گفته شد
وبعد از این بترجمه احتیاج نیست **وصل کلمتین ١٤**
فاسقون اشتروا ٥ واموال اقترفتموها ٥ عزیر ابن ٥
یؤفکون اتخذوا ٥ حکیم انفروا ٥ مجرمین المنافقون ٥
الغیوب الذین ٥ الیم استغفر ٥ الفاسقین الاعراب ٥
العظیم التائبون ٥ الی قوله الساجدون الامرون ٥
آنچه منوّن است بکسر نون تنوین ملفوظ میشود؛ ودر عزیر
خلاف است؛ عاصم وکسائی ویعقوب بتنوین میخوانند؛ وباقیان
بحذف تنوین؛ واموال وعزیر وپنج موضع که بعد از العظیم
آیه و وقف نیست؛ وباقی کلمه اوّل آیه است **ظاآت ٢٩**
ولم یظاهروا ٥ وان یظهروا ٥ ویذهب غیظ ٥ القوم الظالمین ٥
اعظم درجة ٥ اجر عظیم ٥ هم الظالمون ٥ لیظهره ٥ وظهورهم ٥

فلا تظلموا ۝ عليمٌ بالظالمين ۝ وظهر امر الله ۝ الخزىُ العظيم ۝
ليظلمهم ۝ يظلمون ۝ هو الفوز العظيم ۝ واغلظ عليهم ۝
الفوز العظيم ۝ الفوز العظيم ۝ عذابٌ عظيم ۝ القوم الظالمين ۝
هو الفوز العظيم ۝ والحافظون ۝ وظنوا ان لا ۝ ظمأٌ ولا ۝
يغيظ الكفار ۝ فيكم غلظة ۝ سورة نظر ۝ العرش العظيم ۝

سورة يونس عليه السلام

يبدؤ الخلق همجا صورت
همز بواو مكتوب است و بعد از واو الف باشد و در وقف باسكان
همز باشد و در محل خوف گفته میشود واطمأنوا بالف اولی است
و بی الف نیز شاید والذين هم مقطوع است ماويهم دعويهم
من تلقاى نفسى صورت همز بيا مكتوب است و در وقف باسكان همزه
باشد و روم نيز باشد قل اتنبئون الله انجيهم وازينت
اتيها السيئات جزاء سيئة بى واو است مولهم الحق
كلمت ربك على الذين فسقوا بتا مكتوب است بجمع و افراد
افتريه انتم بريئون اتيكم الئن هر دو موضع چنين نويسند
ويستنبؤنك لافتدت يكی است قل الله لذو فضل

واطمانوا
قل آلله صح
همز مكتوب است صورت الله
بلقاى نا
بحذف

اهل قرآنست چنين تحقيق كرده است بنقل وسماع وجمهور
ائمه شراح شاطبيه متعرض اين معنی شده اند كه هر گاه
كه بعد از ضمير جمع ضميری ديگر لاحق آن كلمه شود جمع يا مفرد
ضمير اول بواو مكتوب باشد مثل اورثتموها وانلزمكموها
واتخذتموه فاتخذتموهم و در تلكم ضميری ديگر نيست
وطريق صواب اينست كه گفته شد تا معلوم باشد
بسيماهم نفسهم ان رحمت الله بتا مكتوب است
لنريك رسلت كه صيغه جمع است بحذف الف مكتوب
است بطريق رسم و اگر بقياس نويسند الف باشد بصطه بصاد
ءانكم بی يا صورت همز مكتوب است و همچنين در يوسف
و اول عنكبوت و در محل خوف گفته شود لخسنا الله السيئة اد ذوه
حقيق على ان لا اقول بنون مكتوب است ءان لنا
در ين سوره بی يا صورت همز مكتوب است و در شعرا بيا
صورت همز باشد وجاءو بحذف الف بعد از واو باشد
ءامنتم و همچنين در طه و شعرا لاصلبنكم بی واو است

اد ذوه
نا بواو است
و همچنين در
دزوه
وداتوه

و در طه و شعرا دو جا است و هر یک در محل خود نموده شود
کلمت ربک الحسنی بتا مکتوب است ثلثین، ترینی
تساودیکم همه جا بواو مکتوب است بئسما خلفتمونی موصول است
قال ابن ام مقطوع است و در طه موصول السیئات
للذین هم، والذین هم مقطوع است و در همه قران چنین است
ونبئهم استسقئه خطیئتکم چنین مکتوب است بطریو رکم
وسئلهم چنین نویسند بئیس بئیس هر دو جا یک
دندانه یا باشد عن ما نهوا مقطوع است ان لا یقولوا
علی الله بنون مکتوب است هوئه من یهد الله بحذف
یا مکتوب است و همچنین در اسرا و کهف و زمر و هر در محل خود گفته شود
فهو المهتدی در همین کلمه بعد از دال یا مرسوم است و در یا آت
ثابت این سوره نموده میشود و در اسرا و کهف محذوف الرسم است
و در محذوفات هر دو کرده نموده شود مرسها تغشیها
دعوا الله الف تثنیه است و در جمع الف که بعد از واو در وقف ملفوظ
میشود بعد بیاید انهما ان ولی الله بیک با مکتوب است

... لا یستکبرون ... کلمه است

بطریو

بطریو رکم وترهم ٢٥ یاء ندا که محذوف الالف است
در رکم و متصل است بمنادی و یا آدم یبنی یقوم
یصالح و الف بعد از صاد نیز محذوف الرسم است و بقیاس نوشته
یشعیب یفرعون یموسی یایها الناس
و اکثر بقیاس نویسند الف بعد از یا در همه باشد و حکم یک کلمه معلوم شد
حروف الف که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود بحرف مد
انا خیر منه لهما الشیطان ذاقا الشجرة عن تلکما الشجرة
جعلنا الشیاطین علی الله اذا اداركوا هدنا الله
علی الظالمین و علی الاعراف علی الکافرین هدی علی العرش
واغرقنا الذین وایاکم الا امراته نجینا الله ربنا افتح
فیها الذین اباءنا الضراء ضحی الا القوم الا الحق
یموسی ادع عنا الرجز واورثنا القوم ومغاربها التی
یموسی اجعل علی العالمین الی الجبل وانا اول المؤمنین
علی الناس والقی الالواح موسی الغضب یایها الناس
انجینا الذین واخذنا الذین هذا الادنی واذ نتقنا الجبل

الى الارض ۝ ان انا الّا ۝ دَعَوَا اللّٰهَ ۝ فتعالى اللّٰه ۝ الى الهدىٰ ۝
يتوَلّى الصّالحين ۝ لولا اجتبيتَها ۝ و در دو کلمه خلاف است
وانا اوّل المؤمنين ۝ ان انا الّا نذير ۝ نافع و ابو جعفر
و انا اوّلُ در وصل مدّ اَنَا میخوانند ۝ و ورش را مدّ طویل
باشد ۝ و قالون را توسّط و قصر ۝ و ابو جعفر را قصر ۝
و ان انا الّا قالون را توسّط و قصر باشد ۝ و دیگر اسقاط مدّ
بخلاف ۝ و باقیان را اسقاط باشد در هر دو موضع مثل دیگر امثله

وَاَنَا اَوَّلُ صح

حرف واو ۱۸ که در وصل محذوف اللفظ است ۝ و در وقف ملفوظ
میشود و مدّ ۝ اتّخذوا الشياطين ۝ ادخلوا الجنّة ۝
فذوقوا العذاب ۝ وقالوا الحمد للّٰه ۝ يقوم اعبدوا اللّٰه ۝
فعقروا النّاقة ۝ فاوفوا الكيل ۝ ولا تبخسوا النّاس ۝
اتّخذوا العجل ۝ عملوا السّيّات ۝ واتّبعوا النّور ۝
وادخلوا الباب ۝ وَرِثوا الكتاب ۝ واقاموا الصّلوة ۝ وَذَرُوا الّذين ۝
و واوی که در وقف ملفوظ میشود بحرف لین در این سوره نیست ۝
حرف یا ۲۱ که در وصل محذوف اللفظ است ۝ و در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ

في الارض

٢٥

فى الارض ۝ فى الحيوة ۝ ذَتِى الفواحش ۝ در قراءة حمزه و از باقیان
بفتح یا باشد ۝ فى النّار ۝ نجزى المجرمين ۝ نجزى الظّالمين ۝ يغشى اليل
فى الفلك ۝ فى الخلق ۝ فى المدائن ۝ فى المدينة ۝ فى اليمّ ۝
انّى اصطفيتك ۝ در غير قراءة ابن كثير و ابو عمرو ۝ و از ایشان بفتح
یا باشد ۝ فى الالواح ۝ عن آياتى الّذين در قراءة حمزه و ابن عامر
و از باقیان بفتح یا باشد ۝ نجزى المفترين ۝ و فى الاخرى ۝
فى التورية ۝ فى السّبت ۝ فى السّموات ۝ فى الغىّ ياات ۶
ثابت يوم ياتى تاويله ۝ قال لن ترانى ۝ فسوف ترانى ۝
استضعفونى ۝ وكادوا يقتلوننى ۝ فهو المهتدى ۝
و در غیر این کلمه المهتدی بحذف یا باشد چنانچه گفته شد و در محل خود بیاید
یاات محذوف ۲ ثمّ كيدون ۝ فلا تنظرون ۝
یعقوب هر دو موضع را در حالین باثبات یا میخواند
و هشام موضع اوّل را در حالین بخلاف میخواند ۝ و ابو عمرو
در وصل باثبات میخواند ۝ و باقیان هر دو بحذف یا میخوانند
همزات وصل مضموم ۱۶ اُسجدوا ۝ اُخرج ۝ اُشكر ۝

ابو جعفر و یعقوب بفتح [illegible] اختیار و باقیان بفتح الله [illegible] بتخفیف [illegible] و حمزه اسکان [illegible]

اُدخلوا ٥ اُدعوا ٥ اُعبدوا ٥ اُستُضعِفوا ٥ اُدع ٥ اُخلفنی ٥
اُنظر ٥ اُسکنوا **همزات ۴ وصل مکسوره ۳۲** اِتّبعوا ٥
اِهبطوا ٥ اِتّخَذوا ٥ اِتّقی ٥ اِفتری ٥ اِدّارکوا ٥ اِستوی ٥
اِستکبروا ٥ اِیتنا ٥ اِمراته ٥ اِفترینا ٥ اِفتح ٥ اِتّبعتم ٥ اِستجیبوا ٥
اِجعل ٥ اِستقرّ ٥ اِصطفینک ٥ اِتّخذوه ٥ اِبنَ اُمّ ٥
اِستَضعَفونی ٥ اِغفرلی ٥ اِئتنی ٥ اِستسقیه ٥ اِضرب ٥
اِئتنا ٥ اِقترب ٥ اِتّقوا ٥ اجتبیٰها **همزات ۳**
متطرفه متحرکه الملأ ٥ نبأ ٥ واذا قری ٥ حمزه وهشام را
در وقف ابدال باشد بیکرویم و لین بالف و آخر بیا و باقیان را اسکان
باشد در همه و در اوّل روم و اشمام نیز باشد از برای همه
و از حمزه وهشام روم با تسهیل کالواو **وصل کلمتین ۱۲**
للمؤمنین اتّبعوا ٥ برحمة ادخلوا ٥ علی الکافرین الذین اتّخذوا ٥
ربّ العالمین ادعوا ٥ یا صالح ائتنا ٥ جانب الذین ٥ سبیلا اتّخذوه ٥
جمیعا الذین ٥ قوما الله ٥ یلهث ذلک ٥ مثلا القوم ٥
آنچه منوّن است در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود و در

برحمة ادخلوا خلاف است عاصم و ابو عمرو و حمزه و یعقوب
بکسر نون تنوین میخوانند و باقیان بضمّ و از ابن ذکوان
خلاف است بضمّ و کسر هر دو میخوانند و یلهث ذلک
ورش و ابو جعفر و ابن کثیر و هشام باظهار میخوانند و قالون
بخلاف و باقیان با دغام و آنچه منوّن نیست رؤس آیات
غیر از یا صالح و یلهث و بحرکهٔ آخر کلمهٔ اوّل ملفوظ شود
و یا صالح بضمّ حا و یلهث باسکان ذال باظهار یا ادغام چنانکه گفته شد
ظاءات ۳۰۴ ظالمین ٥ یظلمون ٥ قال انظرنی ٥
من المنظرین ٥ من الظالمین ٥ ظلمنا انفسنا ٥ ما ظهر منها ٥
فمن اظلم ٥ نجزی الظالمین ٥ علی الظالمین ٥ مع القوم الظالمین ٥
هل ینظرون ٥ یوم عظیم ٥ و انا لنظنّک ٥ فانتظروا ٥
من المنتظرین ٥ فانظر کیف ٥ و انظروا کیف ٥ فظلموا بها ٥
فانظر کیف ٥ للناظرین ٥ بسحر عظیم ٥ فینظر کیف ٥ من ربکم عظیم ٥
انظر الیک ٥ ولکن انظر ٥ موعظة و تفصیلا ٥ و کانوا ظالمین ٥
مع القوم الظالمین ٥ وظلّلنا ٥ و ما ظلمونا ٥ یظلمون ٥ ظلموا منهم ٥

عكانوا يظلمون ۝ لم تعظون ۝ ظلموا بعذابٍ ۝ ظُلّة ۝ وظنّوا
من ظهورهم ۝ كانوا يظلمون ۝ اولم ينظروا ۝ فلا تنظرون ۝ ينظرون اليك

سورة الانفال

يسئلونك فِئة وماوىٰه فئتكم
فاوىٰكم سيّاتكم ذوالفضل بحذف الف بعد از واو است
انْ اَوْلياۤؤه وماكان صلاتهم بالف است سُنّتُ الاوّلين
بتا مكتوب است مَوْلىٰكم اَنّما غنمتم بخلاف است در اكثر مصاحف
موصول است ودر بعضی مقطوع اَرٰىكهم الفئتانِ
ودر رسم الف تثنيه نباشد مائتين مائة الْئٰنَ اووا
ونصروا الف مكتوب باشد البته

ياء ندا ٩

يآايّها ٩ موضع است وحكم يك كلمه معلوم شده است

حرف الف ٢٠

كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ
انّما المؤمنون ۝ الى الموت ۝ احدى الطائفتين ۝ وما النصر
الى الملٰئكة ۝ يآايّها الذين ۝ الّا المتّقون ۝ يوم التقى الجمعان ۝ والى الله
اذ يتوفّى الذين ۝ ما استطعتم ۝ يآايّها النبىّ ۝ على القتال

حرف واو ١٨

كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ

فاتقوا

لو نشاۤء واو است

در مصاحف مدنيه مقطوع است ٩

[illegible]

٢٧

فاتّقوا الله ۝ واطيعوا الله ۝ فثبّتوا الذين ۝ كفروا الرّعب
شاۤقّوا الله ۝ آمنوا استجيبوا ۝ لا تخونوا الله ۝ ان تتّقوا الله ۝
ذوالفضل ۝ واذ قالوا اللّهم ۝ فذوقوا العذاب ۝ واذكروا الله ۝
كفروا الملٰئكة ۝ واتّقوا الله ۝ خانوا الله ۝ واولوا الارحام ۝ ودرين
سوره واوى كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف لين نيست

حرف يا ١٠

كه در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ
فى الحقّ ۝ فى الارض ۝ ولذى القربى ۝ فى الميعاد ۝ فى الامر ۝ فى الحرب ۝ فى الذين
وياۤات ثابت ومحذوف كه نظير يكديگرند وهمزات وصل مضموم
درين سوره نيست

همزات وصل مكسوره ٨

استجيبوا الله ۝
ايتنا بعذابٍ ۝ انتهوا فانّ الله ۝ التقى الجمعان ۝ التقيتم ۝ استطعتم ۝
اتّبعك ۝ استنصروكم ۝ وهمزات منتظره متحركه درين سوره نيست

وصل كلمتين ٤

يتوكّلون الذين ۝ لا يؤمنون الذين ۝ لا تعلمونهم الله ۝
لا يفقهون الْئٰنَ ۝ موضع دوم رقع است وباقى آيه ودر وصل
بحركت آخر كلمهٔ اوّل ملفوظ ميشود

ظاات ٨

وهم ينظرون ۝
ظلموا منكم ۝ اجر عظيم ۝ ذوالفضل العظيم ۝ بظلّامٍ ۝ كانوا ظالمين ۝ لا تظلمون ۝ عذاب عظيم

بعيد

سورة التوبة لایستوٗن بیک واو است جزآء الکافرین
یضاهؤن یطفؤا لیواطؤا العلیا بالف است ولا اوضعوا
بالف زیاده مکتوب است بعد از لام الف وجمله یک کلمه است
مولىٰنا اتىٰهم سالتهم نبؤا الذین درین سوره واو مکتوب است
وموضع ابرهیم وموضع ص وموضع تغابن صورت همزه بواو
مکتوب است والف بعد از واو باشد وهمزه در محل خود بیاید وماوىٰهم
اغنىٰهم اتىٰنا ونجوىٰهم سیّئًا بیاء صورت همزه نویسند
ان صلوٰتک بواو مکتوب است بجمع وافراد ودر قراءة جمع
الف بعد از واو محذوف باشد بطریق رسم وفتحه مشبع بنویسند
تا دلالت بر الف محذوف کند ودر قراءة افراد فتح مشبع بر
بالای واو بنویسند ان صلوٰتک وموضع هود وثانی مؤمنون
همزه کلمه دالّه ام من اسّس مقطوع است بنؤا ریبة
اذ هدىٰهم الثلثة ان لا ملجأ بنون مکتوب است
ولا یطؤن موطئا یرىٰک یاء ندا ٧
یایها ٧ موضع است وحکم جمله معلوم است

حرف الف ٤٥ که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ میشود بحرف
الی الذین ٥ الی الناس ٥ الا الذین ٥ فاذا انسلخ ٥ فما استقاموا ٥
ولا المؤمنین ٥ واتی الزکوة ٥ الا الله ٥ یایها الذین ٥ علی الایمان ٥
وعلی المؤمنین ٥ انما المشرکون ٥ النصاری المسیح ٥ ویابی الله ٥
علی الذین ٥ انما النسیٓء ٥ الی الارض ٥ عفا الله ٥ وعلی الله ٥
احدی الحسنیین ٥ حسبنا الله ٥ سیؤتینا الله ٥ الی الله ٥ انما الصدقات ٥
کما استمتع ٥ من تحتها الانهار ٥ یایها النبی ٥ علی الضعفاء ٥ ولا
علی المرضی ٥ ولا علی الذین ٥ ما علی المحسنین ٥ انما السبیل ٥
قد نبانا الله ٥ وسیری الله ٥ اذا انقلبتم ٥ تحتها الانهار ٥
علی النفاق ٥ عسی الله ٥ فسیری الله ٥ الا الحسنی ٥
علی التقوی ٥ علی النبی ٥ وعلی الثلثة ٥ فاما الذین ٥ واما الذین ٥
حرف واو ١٨ که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف
ملفوظ میشود بحرف ٥ فاقتلوا المشرکین ٥ واقاموا الصلوة ٥
ان استحبوا الکفر ٥ فلا یقربوا المسجد ٥ قاتلوا الذین ٥
اوتوا الکتاب ٥ یعطوا الجزیة ٥ وقاتلوا المشرکین ٥ کفروا السفلی ٥

ارادوا الخروج ○ نسوا الله ○ عما خلقوا الله ○ اولوا الطول ○
کذبوا الله ○ امنوا اتقوا الله ○ حرف واو ۳ که در وصل
مضموم است و در وقف ملفوظ میشود بجز ولیس ○ واتوا الزکوة ○
ابتغوا الفتنة ○ حرف یا ۲۶ که در وصل محذوف اللفظ
است و در وقف ملفوظ میشود بجز محمی ○ فی الارض ○ مجری الله ○
مخزی الکافرین ○ فی الدین ○ وفی النار ○ لا یهدی القوم ○ فی الکفر ○
فی الاخرة ○ فی الغار ○ فی الفتنة ○ فی الحیوة ○ فی الصدقات ○
وفی الرقاب ○ فی الدنیا ○ فی الحرم ○ فی التورىة ○ و درین کس
یاات ثابت و محذوف چنانچه در دیگر سوره مذکور شد نیست ○
همزه وصل مضمومه اقعدوا و اضمیر یک موضع است
همزات وصل مکسوره ۳۲ استجارک ○ استقاموا ○ استووا ○
استحبوا ○ اقترفتموها ○ ابن ○ اتخذوا ○ ابن ○ اثنا عشر ○
انفروا ○ اثاقلتم ○ اثنین ○ استطعنا ○ ابتغاء ○ هم ابتغوا ○
ایذن لی ○ استهزوا ○ استمتع ○ استغفر ○ استاذنک ○
انقلبتم ○ اتبعوهم ○ اعترفوا ○ اعملوا ○ اشتری ○ استغفار ○

اتبعو

وصل کلمتین ۸ فیه الذین ○ مما تشرکون الذین ○ مشرکین انظر ○
به انظر ○ بعض انظر ○ متشابه انظروا ○ یعلمون اتبع ○
رسل الله الله ○ آنچه منون است بخلاف است عاصم و حمزه
و ابو عمرو و یعقوب در وصل بکسر نون تنوین میخوانند و باقیان
بضم و آنچه غیر منون است بحرکة آخر کلمه اول ملفوظ میشود
و موضع آخر بتغلیظ لام اسم اول باشد و ترقیق ثانی
و سه موضع رؤس آی است ثانی و ثالث و سابع و باقی محل وقف است
ظاات ۸۴۹ وجعل الظلمات ○ ثم لا ینظرون ○
ثم انظروا ○ یوم عظیم ○ و من اظلم ○ لا یفلح الظالمون ○ انظر کیف ○
علی ظهورهم ○ ولکن الظالمین ○ فی الظلمات ○ الذین ظلموا ○
به انظر کیف ○ الا القوم الظالمون ○ فتکونا من الظالمین ○ بالظالمین ○
فی ظلمات ○ حفظة ○ من ظلمات ○ انظر کیف ○ مع القوم الظالمین ○
بظلم او لکن ○ یحافظون ○ و من اظلم ○ اذ الظالمون ○ وراء ظهورکم ○
فی ظلمات ○ انظروا ○ بحفیظ ○ حفیظا ○ الا الظن ○ ظاهر الاثم ○
فی الظلمات ○ بعض الظالمین ○ بظلم و اهلها ○ لا یفلح الظالمون ○

دومت ظهورها ٥ فمن اظلم ٥ لا یهدی القوم الظالمین ٥ ذی ظفر ٥
ظهورهما او ٥ بعظم ٥ الا الظن ٥ ما ظهر منها ٥ فمن اظلم ٥
هل ینظرون ٥ قل انتظروا ٥ انا منتظرون ٥ وهم لا یظلمون

سورة الاعراف

المص دعوٰهم فلنسئلن
معایش بعد از الف همزه نباشد لاملئن بدین صورت هم
واکر خواهند لاملان بالف ما وری هم بیک واو است
سوءاتهما وسوءاتکم همه باثبات الف اولی است
مانهٰکما فدلٰهما وناداهما یرٰیکم این ما کنتم
مقطوع است کلما دخلت دو وجه است در بعضی
مصاحف موصول است ودر بعضی مقطوع اخرٰهم
لاولٰهم اولٰهم لاخرٰهم هٰؤلاء ان تلکم الجنة
البته بی واو باید نوشت ودر هیچ مصاحف عثمانی بواو
مکتوب نیست واین تاکید از برای آن کرده شد که بعضی
از اهل رسم این کلمه را بواو می نویسند واین خطا است
واین فقیر از استاد خود مولانا طاهر ادام الله برکته که استاد

اهل

بحذف الف بعد از واو است سألتکم بالف است مبوّا صدق
فسئل الذین یقرءون ربک لا یؤمنون بتا مکتوب
است بجمع وافراد تکرره الناس مفرد است یتوفّکم
یاء نداء که محذوف الالف است در رسم ومتصل است بمنادی
یاایها یقوم ٣ وطریق قیاس وحکم یک کلمه گفته شد
حرف الف که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ
میشود بعد علی العرش ٥ اهلکنا القرون ٥ لقاءنا ائت
انا الغیب ٥ اذقنا الناس ٥ یاایها الناس ٥ الا الضلال
علی الذین ٥ الی الحق ٥ هذا القرآن ٥ وانا بریء ٥ هذا الوعد
وهدی ٥ علی الله ٥ علی الناس ٥ الا الظن ٥ فعلی الله ٥
واغرقنا الذین ٥ لکما الکبریاء ٥ ربنا اطمس ٥ الا الذی ٥
وانا من المسلمین ٥ فما اختلفوا ٥ وما انا علیکم حرف ٧
واو که در وصل محذوف اللفظ است ودر وقف ملفوظ میشود بعد ٥
وعملوا الصالحات ٥ احسنوا الحسنی ٥ کسبوا السیئات ٥
واسروا الندامة ٥ قالوا اتخذ الله ٥ واقیموا الصلوة ٥

حرف ٤٩ واو که در وصل مضموم است و در وقف ملفوظ
میشود نحو الیس ٥ دعوا الله ٥ راوا العذاب ٥ یروا العذاب ٥
حرف ٣٠ یا که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف
ملفوظ میشود نحو مدّه ٥ فی اختلاف ٥ فی السموات ٥ بحری القوم ٥
فی الارض ٥ فی البرّ ٥ فی الفلک ٥ تهدی العمی ٥ فی الصدور ٥
فی السماء ٥ فی الحیوة ٥ وفی الاخرة ٥ فی الدنیا ٥ وما تغنی الایات ٥
یاء ثابت ١ ثم ننجی رسلنا یاءات ٢
محذوف فلا تنظرون ٥ ننج المؤمنین ٥ یعقوب
موضع اول را در حالین باثبات یا میخواند و ثانی در حال وقف
و باقیان بحذف یا میخوانند موضعین و حفص و کسائی
و یعقوب ننج بتخفیف میخوانند و باقیان بتثقیل
همزه وصل مضمومه انظروا ٥ همین یک موضع است
همزات وصل مکسوره ١٣ استوی ٥ اختلاف ٥
استعجالهم ٥ ایت بقران ٥ افتری ٥ افتریه ٥ استطعتم ٥
اتخذ الله ٥ اقضوا ٥ ایتونی بکل ٥ اطمس ٥ اختلفوا ٥ اهتدی ٥

همزات متطرفه

همزات متطرفه ٥ متحرکه یبدؤا ٥ علیهم نبأ ٥ مبوأ ٥
این جمله در وقف باسکان همزه باشد و در سه موضع اول
روم و اشمام نیز باشد ازبرای همزه و حمزه و هشام را وجوه
مخصوص خوف باشد وصل کلمتین ١ بحزنون الذین ٥
ظاءات ٣٢ لما ظلموا ٥ لننظر ٥ یوم عظیم
فمن اظلم ٥ فانتظروا ٥ من المنتظرین ٥ وظنوا انهم ٥
وظن اهلها ٥ مظلما ٥ الا ظنا ٥ ان الظن ٥ فانظر کیف
عاقبة الظالمین ٥ من یظلم ٥ لا یظلم ٥ یظلمون ٥ وهم لا
یظلمون ٥ للذین ظلموا ٥ نفس ظلمت ٥ وهم لا یظلمون ٥ وموعظة ٥
وما ظن الذین ٥ هو الفوز العظیم ٥ الا الظن ٥ فلا تنظرون ٥
فانظر کیف ٥ للقوم الظالمین ٥ قل انظروا ٥ ینتظرون ٥
فانتظروا ٥ من المنتظرین ٥ من الظالمین ٥
سورة هود علیه السلام افتریه ٥ فالم یستجیبوا
بحذف نون مکتوب است وان لا اله الا هو بنون مکتوب است بحذف
نذیر مبین ان لا تعبدوا الا الله بنون مکتوب است و موضع اول بعد ...

ماتريك واتيني لا اسئلكم ادريكم فلا تبتئس مجريها
ومرسيها ان اسئلك من انباء الا اعتريك
اشهد الله مفرد است اتنهينا ان ثمود اسلما قال
ءالد رحمت الله وبركاته بتا مكتوب است سيئ بهم
بقيت الله خير لكم بتا مكتوب است وغير از اين يك موضع نيست
اصلواتك بواو مكتوب است بجمع وافراد و در سوره
توبه گفته شد ما نشؤا بواو مكتوب است والف بعد از
واو باشد ما انهيكم لنريك لاملئن لاملان هر دو
بيا بشايد **ياء ندا** ۲۸ كه محذوف الالف است در رسم
ومتصل است بمنادى يقوم ٤٥ اينوح ٣ يبنى ١٣ اركب ١
يارض ١ ويسماء ١ يهود ١ يصالح ١ يويلتى ١
يابرهيم ١ يلوط ١ يشعيب ٢ وطريق قياس وحكم يك كلمه معلوم شد
حرف الف ۲۷ كه در وصل محذوف اللفظ است ودر
وقف ملفوظ ميشود محمد الا الله مسمى الى الله على الله
على الماء اذقنا الانسان الا الذين الا النار على الظالمين

وما انا

وما انا بطارد وانا برئ قلنا احمل بينهما الموج على الذى
الا اعتريك وانا عجوز الا امراتك وما انا عليكم الا الاصلاح
ما استطعت فاما الذين واما الذين موسى الكتاب
الى الذين **حرف واو** ۱۱ كه در وصل محذوف اللفظ است
و در وقف ملفوظ ميشود نحو ويدع وعملوا الصالحات اعبدوا الله
ظلموا الصيحة فاتقوا الله ولا تنقصوا المكيال اوفوا المكيال
ولا تبخسوا الناس و در بن سوره واوى كه در وقف ملفوظ
ميشود نحو لبن نيست **حرف يا** ۹ كه در وصل محذوف
اللفظ است و در وقف ملفوظ ميشود نحو ومه فى الارض
فى الاخرة فى الدين ففى النار ففى الجنة **ياء ثابت** ۱۰۱
فكيدونى جميعا **يا آت محذوف** ٤٤
فلا تسئلن ثم لا تنظرون ولا تخزون يوم يات
يعقوب جمله را در حالين باثبات يا ميخوانند وابن كثير موافق
در موضع آخر وابو جعفر وابو عمرو غير از موضع ثانى
در وصل با ثبات يا ميخوانند و ورش موافق ايشان است در موضع اول

و نافع و کسائی موافق‌اند در موضع آخر و باقیان بحذف یا
میخوانند و نافع و ابوجعفر و ابن عامر فلا تسـَٔلَنّ
بفتح لام و کسر نون مشدّد میخوانند و ابن کثیر بفتح لام
و فتح نون مشدّد میخوانند و باقیان باسکان لام و کسر نون
مخفّف میخوانند همزات وصل مضمومه ۳
اُعبدوا الله همزات وصل مکسوره ۲۱
اِستغفروا ٥ اِفتریٰه ٥ اِستطعتم ٥ اِفتریٰ ٥ اِتّبعك ٥
اِفتریٰه ٥ اِحمل ٥ اِثنین ٥ اِرکبوا ٥ اِبنه ٥ اِرکب ٥
اِبلعی ٥ اِبنی ٥ اِهبط ٥ اِعتریٰك ٥ اِمرأتك ٥ اِستطعت ٥
اِعملوا همزات متطرفهٔ متحرکه ۲ الملأ ٥ ملأ ٥
هر دو در وقف باسکان ممکن باشد و روم و اشمام
نیز در هر دو باشد از برای همه و حمزه و هشام را
وجوه مخصوص خود باشد وصل کلمتین ۲
خیرًا الله اعلم در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود و همچنین
نوحٌ ابنه ظاآت ۲۴ و من اظلم ٥ علی الظالمین ٥

بل نظنّکم ٥ لمن الظالمین ٥ فی الذین ظلموا ٥ للقوم الظالمین ٥
انّی اعظك ٥ ثم لا تنظرون ٥ شیءٍ حفیظ ٥ من عذاب غلیظ ٥
ظلموا الصیحة ٥ من الظالمین ببعید ٥ علیکم بحفیظ ٥ ظهریّا ٥
ظلموا الصیحة ٥ و ما ظلمناهم ٥ و لکن ظلموا ٥ و هی ظالمة ٥
الی الذین ظلموا ٥ و اتّبع الذین ظلموا ٥ بظلم و اهلها ٥ و موعظة ٥
و انتظروا ٥ انّا منتظرون سورة یوسف علیه السلام
یا ابت هر دو موضع بتا مکتوب است رایتهم متّصل
الرسم است رؤیاك بواو مکتوب است و همچنین
رؤیای للرؤیا که بعد از ین باشد الرؤیا در سوره فتح
و در محل خود بیاید آیٰت للسائلین بتا مکتوب است
بجمع و افراد و محذوف الالف است در رسم غیابت الجب
هر دو موضع بتا مکتوب است بجمع و افراد و در حذف و اثبات
الف خلاف است لا تأمنّا بیک نون مکتوب است و در اصل
دو نون است نون اوّل مضموم بود ساکن کردانیدند و در
نون دوم ادغام کردند و بهر روایت که خوانند دو وجه باشد

ابن عامر و ابوجعفر در وصل [illegible] و باقیان [illegible] ... [illegible]

یکی اخفاء حرکت نون اول بی ادغام یعنی تمام حرکت ظاهر نشود
و این را روم خوانند و اکثر قرّا برین اند و یکی دیگر ادغام
با اشمام که این زمان همه کس چنین میخوانند و لیکن ادغام
با اشمام مشکل است بیک ادا باید کرد و ابو جعفر با ادغام
محض میخواند و ورش و ابو جعفر و سوسی را ابدال همزه باشد
و باقیان را اسکان همزه وَجَاءُو بحذف الف بعد از واو باشد
هر دو موضع یَا بُشْرَى بعد از را الف نباشد و الف یاء
ندا محذوف باشد در رسم و در محل خوف بیاید اِشْتَرٰیهُ
مَثْوٰیهُ مَثْوَایَ رَا هر دو موضع بحذف یا و لام الفعل
مکتوب است لَدَا الْبَاب بالف مکتوب است و در غافر
لَدَی الْحَنَاجِر اگر خواهند بالف نویسند و اگر خواهند بیا
و در محل خوف بیاید امْرَأَتُ الْعَزِیز بتا مکتوب است هر دو
موضع فَتٰیهَا لَتَرٰیهَا حَاشَ لِلّٰه بحذف الف بعد از شین
مکتوب است هر دو موضع و ابو عمرو در وصل بالف میخوانند
و در وقف بحذف الف موافق جائز باقیان وَلَیَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِین

لَنَسْفَعًا فَاسْتَعْصَمَ فا بالف نویسند

لَنَسْفَعًا در اقرا برین نهج نویسند تا فرق باشد میان نون خفیفه
و تنوین و همچنین الفاظ اِذًا ناصبه مثل وَاِذًا لَاٰتَیْنَاهُم
اِذًا لَاَذَقْنَاكَ اِذًا لَخَاسِرُون و از برای آن بالف نوشته اند
که نون خفیفه مشابه تنوین است لَنَسْفَعًا در محل خوف بیاید
اَرُونِی تَرٰیكَ اٰبَاءِی برین صورت نویسند و مانند این
یعنی بیک یا باشد ءَاَرْبَابٌ فَاَنْسٰیهُ نَجَا مِنْهُمَا بالف نویسند
و از ذوات الیا نیست وَادَّكَرَ فَسْئَلْهُ الّٰتِی اَلْئٰنَ
یَتَبَوَّاُ اَوْفِ الْكَیْلَ بیا مکتوب است و در محل خوف بیاید
قَضٰیهَا لَذُو عِلْمٍ بحذف الف بعد از واو باشد جَزَاؤُهُ
فَلَمَّا اسْتَیْئَسُوا محذوف الالف است و موضع آخر سوره نیز
چنین نویسند وَسْئَلِ الْقَرْیَة تَفْتَؤُا وَلَا تَایْئَسُوا اِنَّهُ
لَا یَایْئَسُ این دو موضع بالف مکتوب است و همچنین موضع
رعد و در محل خوف بیاید مُزْجٰیةٍ قَالُوا ءَاِنَّكَ لَاَنْتَ
وَمَا تَسْئَلُهُم مِن اَنْبَاءِ اِذَا اسْتَیْئَسَ ۱۶ یاء ندا
که محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی یَا اَبَتِ ۲

يٰبُنَىَّ ٥ يٰٓاَبَانَا ٥ يٰبُشْرٰى ٥ يٰصَاحِبَىِ ٥ يٰٓاَيُّهَا ٥ يٰبُنَىَّ
يٰٓاَسَفٰى ٥ حكم اين جمله چنانست كه قبل ازين گفته شد

حرف الف ۳۴ع

كه در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ ميشود مگر
هذا القران ٥ من عبادنا المخلصين ٥ واستبقا الباب ٥ لا الباب ٥
وعلى الناس ٥ واما الاخر ٥ منهما اذكرنى ٥ يٰٓاَيُّها الملا ٥
انا انبئكم ٥ ايها الصديق ٥ الى الناس ٥ انا راودته ٥ وانا خير ٥
اذا انقلبوا ٥ منا الكيل ٥ انا اخوك ٥ ايتها العير ٥
وانا به زعيم ٥ يٰٓاَيُّها العزيز ٥ فلما استيئسوا ٥ عسى الله ٥
الى الله ٥ الا القوم ٥ واهلنا الضر ٥ لنا الكيل ٥ انا يوسف
يٰٓاَبانا استغفر لنا ٥ على العرش ٥ انا ومن اتبعنى ٥
وما انا من المشركين ٥ اذا استيئس ٥ وهدى ٥ و در دو
كلمه خلاف است، نافع وابوجعفر اَنَا اُنَبِّئُكُم اَنَا اَخُوكَ
در وصل بمد انا ميخوانند، و ورش را مد طويل باشد،
و قالون را قصر و توسط، و ابوجعفر را قصر، و باقيان را
اسقاط مد باشد مثل ديگر امثله

حرف واو

كه در وصل

كه در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ ميشود و مد
درين كلمه نيست، و آنچه در وقف ملفوظ ميشود بحرف لين
يك موضع است ٥ ما راوا الايات

حرف يا ۱۴ع

كه در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ ميشود مد
الذى اشترىه ٥ فى الارض ٥ نجزى المحسنين ٥ فى المدينة ٥
فى السجن ٥ او فى الكيل ٥ نجزى الظالمين ٥ نجزى المتصدقين ٥
فى الدنيا ٥ فى السموات ٥ لاولى الالباب

يااَت ثابت ۲ع

ما نبغى ٥ ومن اتبعنى ٥

يااَت محذوف ۴ع

فارسلونِ ٥ ولا تقربونِ ٥ حتى تؤتونِ ٥ ان تفندونِ ٥ يعقوب
اين چهار موضع را در حالين باثبات يا ميخوانند، و ابن كثير موافق است
در موضع ثالث، و ابوجعفر و ابوعمرو در حال وصل، و در سه موضع
ديگر بحذف يا ميخوانند، و باقيان در مواضع اربعه

همزات وصل مضمومه ۴ع

اُقتلوا ٥ اُخرج ٥ اُذكرنى ٥ اُدخلوا

همزات وصل مكسوره ۲۰ع

اِطرحوه ٥ اِشترىه ٥ اِمرات ٥ اِيتونى ٥
اِرجع ٥ اِجعلنى ٥ اِجعلوا ٥ اِنقلبوا ٥ اِستخرجها ٥ اِستيئسوا ٥

ارجعوا ۝ ابنك ۝ اذهبوا ۝ استغفر لنا ۝ اتبعنی ۝ استیئس ۝

همزات ۵ متطرفه متحرکه

الملأ ۝ ابرئ ۝ یتبوّا ۝ فبدأ ۝ تفتؤا ۝ ابن حمزه در وقف باسکان همزه باشد ۝ و در چهار موضع مضموم روم و اشمام نیز باشد از برای حمزه ۝ و حمزه و هشام را وجوه مخصوص خود باشد

وصل کلمتین ۳

مبین اقتلوا ۝ الحاکمین ارجعوا ۝ الراحمین اذهبوا ۝ موضع اول که منون است عاصم و حمزه و ابو عمرو و یعقوب در وصل بکسر نون تنوین میخوانند و باقیان بضم ۝ و دو موضع دیگر بحرکه آخر کلمه اول ملفوظ شود

ظاءات ۱۰۶

لحافظون ۝ لا یفلح الظالمون ۝ کیدکن عظیم ۝ للذکر ۝ انی حفیظ ۝ لحافظون ۝ حفظا ۝ ونحفظ ۝ نجزی الظالمین ۝ لظالمون ۝ للغیب حافظین ۝ فهو کظیم ۝ فینظروا کیف ۝ وظنوا انهم ۝

سورة الرعد

ءاذا ءانا هر دو چنین نویسند بالسیئة ۝ لذو مغفرة بحذف الف بعد از واو باشد و ما دعاء الکافرین بی واو است ۝ و موضع غافر بواو مکتوب است ۝ و در محل خود بیاید

بلقاء ربهم
یا صورت
ضمن مکتوب
است

قل

[illegible]
اودیته بحکم است
التشبیل

قل افاتخذتم فا با الف نویسند و همزه لا تفتروا یک کلمه است و ماویهم و تطمئن لتتلوا علیهم بعد از واو الف باشد و در وقف بواو و مدی ملفوظ شود ۝ افلم ییأس الذین وان ما نرینک مقطوع است ۝ و غیر ازین موضع نیست یا ندا که متصل باشد درین سوره نیست

حرف الف ۱۳

که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود بحسب مده ۝ علی العرش ۝ مسمی ۝ الی الماء ۝ فاما الزبد ۝ عقبی الدار ۝ وما الحیوة ۝ لهدی الناس ۝ من تحتها الانهار ۝ عقبی الذین اتقوا ۝ و عقبی الکافرین ۝ و علینا الحساب ۝

حرف واو ۵

که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ۝ اولوا الالباب ۝ صبروا ابتغاء ۝ واقاموا الصلوة ۝ وعملوا الصالحات ۝ یمحوا الله ۝ و در سوره حم عسق ویمح الله الباطل بی واو باشد ۝ و در محل خود بیاید ۝ و واوی که در وقف ملفوظ میشود بحرف لین درین سوره نیست

حرف یا ۱۵

که در وصل محذوف اللفظ است و در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ۝ یغشی اللیل ۝ وفی الارض ۝ فی الاکل ۝ فی الله ۝ من فی السموات ۝ هل یستوی الاعمی و البصیر ۝

ام هل يستوى الظلمات ۝ في النار ۝ في الاخرة ۝ في الحيوة ۝ انا نأتى الارض ۝
درين سوره يا ثابت كه نظير محذوف است **يآت**
محذوف ۴ المتعال ۝ واليه متاب ۝ فكيف كان عقاب ۝
واليه ماب ۝ يعقوب اين چهار موضع را در حالين باثبات يا
ميخوانند و ابن كثير موافق است در موضع اول و باقيان جمله را
بحذف يا ميخوانند و ابن كثير در سه موضع باقى و جمله آيه است
همزه وصل مضمومه استهزئ ۝ همين يك موضع است
همزات وصل مكسوره ۷ استوى ۝ اثنين ۝ ابتغاء ۝
استجابوا ۝ اتقوا ۝ اتبعت **همزات متطرفه متحركه ۲**
وينشئ استهزئ هر دو موضع در وقف باسكان حمزه
باشد و در اول روم و اشمام نيز باشد از براى حمزه
وهشام را ابدال بيا باشد در هر دو **وصل كلمتين ۶**
لا يؤمنون الله ۝ هاد الله ۝ الالباب الذين ۝ سوء الدار الله ۝
من اناب الذين ۝ القلوب الذين ۝ موضع ثانى كه منون است
در وصل بكسر نون تنوين ملفوظ ميشود و باقى بحركه آخر كلمه اول

ولام

ولام الله در موضع اول مفخم باشد و در دو موضع ديگر مرقق
و دو موضع هاد ۝ و وال ۝ و واق ۝ ابن كثير در وقف باثبات يا ميخوانند
ظاءات ۶ على ظلمهم ۝ يحفظونه ۝ وظلالهم ۝ الظلمات و النور ۝
ام بظاهر ۝ وظلها **سورة ابرهيم عليه السلام**
بايام الله باثبات الف اولى است **الم ياتكم نبؤا الذين**
درين سوره و در تغابن صورت همزه بواو مكتوب است و اثبات الف
بعد از واو چنانچه در سوره توبه گفته شد و همچنين نبؤا الخصم و نبؤا
عظيم در ص **هدينا** فقال **الضعفؤا** بواو مكتوب است
و الف بعد از واو و در سوره غافر نيز همچنين است بدلوا
نعمت الله بتا مكتوب است **واتيكم من كل ما** مقطوع است در كلام
سالتموه بالوا است و ان تعدوا نعمت الله بتا مكتوب است
ومن **عصانى** بالف نويسند **افـٔدة** من الناس اين موضع
بيا نويسند كه صورت همزه باشد و بواقى را بى يا بايد نوشت
چنانچه در انعام گفته شد **وافـٔدتهم** هواء **ذو انتقام**
بحذف الف بعد از واو باشد در سوره يا و ندا كه متصل هنادى باشد نيست

حرف الف ۱۷ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰ الی النّور ۰
علی الآخرة ۰ الّا الله ۰ مُسَمًّی ۰ و علی الله ۰ لو هدٰینا الله ۰
ما انا بمصرخکم ۰ من تحتها الانهار ۰ الی الّذین ۰ الی النار ۰ هٰذا البلد ۰
علی الکبر ۰ ربّنا اغفرلی ۰ وتری المجرمین حرف واو ۵
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰ وعملوا الصلحات ۰ یقیموا الصّلوٰة ۰
لیقیموا الصّلوٰة ۰ ذوا انتقام ۰ اولوا الالباب ۰ وواوی که در وقف
ملفوظ میشود بحرف لین دریں سخن نیست حرف یا ۷
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰ فی السّمٰوٰت ۰ فی الارض ۰
أفی الله شکّ ۰ فی السّماء ۰ فی الحیوٰة ۰ و فی الآخرة ۰ قل لعبادی الّذین ۰
نزد ابن عامر وحمزه وکسائی وروح از یعقوب که در وصل
بحذف یا میخوانند و باقیان بفتح یا و در رسم یا ثابت است خلاف
یا ثابت ۴ فلا تلوموني ۰ فمن تبعني یاآت محذوف ۳
وخاف وعید ۰ بما اشرکتمون ۰ وتقبّل دعاء ۰ یعقوب همه را
درحالین باثبات یا میخوانند و ورش موضع اول را درحال وصل
وموضع ثانی ابوعمرو وابوجعفر مجیز در وصل باثبات یا میخوانند

وموضع

وموضع آخر ورش وابوعمرو وحمزه وابوجعفر در وصل باثبات
میخوانند و بزّی درحالین و باقیان بحذف همزات ۲
وصل مضمومه اذکروا ۰ اجتثّت همزات وصل مکسوره ۶
اشتدّت ۰ استکبروا ۰ اجعل ۰ اجعلني ۰ اغفرلی ۰
انتقام همزه متطرفه متحرکه ۱ الم یاتکم نبؤا ۰ در وقف
باسکان همزه باشد و روم واشمام نیز باشد و حمزه
وهشام را وجوه مخصوص خود باشد وصل کلمتین ۶
الحمد لله ۰ و در اسم الله خلاف است بخفض و رفع ها
نافع وابوجعفر الله برفع ها میخوانند در وصل و ابتدا
و رویس از یعقوب در وصل بخفض ها میخوانند و ابتدا برفع
واین مخصوص رویس است و باقیان درحالین بخفض ها
میخوانند و نشاید که از ایشان در ابتدا برفع خوانند
که خلاف قراءة وطرق باشد واین نکته ازبرای آن گفته شد
تا اگر کسی قراءة ابن کثیر خواند یا ابوعمرو یا روح از یعقوب
یا عاصم وحمزه وکسائی وخلف اختیار که در وصل بخفض ها میخوانند

اگر وقف کنند بر الحمید ۝ که آیه است اَللّٰهِ در ابتدا بخفض
خوانند و این قول ائمهٔ قرّاست بتخفیف تا معلوم باشد
شدیدٍ الذین در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود
و ممچنین کرمادٍ اشتدت و در خبیثةٍ اجتثت ۝
ولا خلال الله خلاف است عاصم و حمزه و یعقوب
و ابوعمرو خبیثةٍ در وصل بکسر نون تنوین میخوانند
و باقیان بضم و از ابن ذکوان بخلاف ولا خلالَ اللهَ
ابن کثیر و ابوعمرو و یعقوب در وصل بنصب لام میخوانند
غیر تنوین و تغلیظ لام الله و باقیان برفع و تنوین میخوانند
و در وصل بکسر نون تنوین و ترقیق لام الله ولا فی السماءِ
الحمد لله بحرکت آخر کلمه اول ملفوظ میشود ظاات ۱۱
الناس من الظلمات ۝ قومک من الظلمات ۝ من ربکم عظیم ۝
لنهلکن الظالمین ۝ عذاب غلیظ ۝ ان الظالمین ۝
و یضل الله الظالمین ۝ لظلوم کفار ۝ یعمل الظالمون ۝
فیقول الذین ظلموا ۝ فی مساکن الذین ظلموا ۝

سورة الحجر

سورة الحجر بالملٰئکة معایش بعد از الف ممدود نباشد
اللعنة بدو لام است جزء مقسوم نیز او است الایکة
اینجا و در سوره ق به لام الف نویسند لنسئلنهم المستهزئین
یاء ندا ۲ که محذوف الالف است در رسم و متصل است عنادک
یا ایها الذی ۝ یا ابلیس ۝ حکم یک کلمه و طریق قیاس معلوم شد
حرف الف ۱۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد
یا ایها الذی ۝ نزلنا الذکر ۝ و ارسلنا الریاح ۝ علمنا المستقدمین ۝
علمنا المستاخرین ۝ خلقنا الانسان ۝ انا الغفور ۝ الا الضالون ۝
ایها المرسلون ۝ الا امراته ۝ وما خلقنا السموات ۝ انا النذیر ۝
علی المقتسمین حرف واو ۲ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد
واتقوا الله ۝ جعلوا القرآن ۝ و واو که در وقف ملفوظ میشود
بحرف لین در این سوره نیست حرف یا ۲ که در وقف ملفوظ
میشود بحرف مد ۝ فی السماءِ ۝ فی الارضِ یاات ۲ ثابت
قال ابشرتمونی ۝ سبعا من المثانی یاات ۲ محذوف ۱
فلا تفضحونِ ۝ ولا تخزونِ ۝ یعقوب هر دو موضع در حالین باثبات

یا میخواند، وباقیان بحذف یا، ودر قراءة نافع وابن کثیر فَبِمَ
تُبشّرونِ ۝ بکسر نون از قبیل محذوفات است، ونافع
بتخفیف نون میخواند، وابن کثیر بتثقیل نون، ونزد او مدّ
واو مدّ لازم باشد، ودر وقف بسکون، وجوه مدّ سکون
عارضی نباشد، بخلاف باقیان، ونافع وابن کثیر را وجه روم
باشد، نافع را بقصر وابن کثیر را بمدّ همز وصل مضمومه
اُدخلوها همزات وصل مکسوره ٣ اِستَرو ۝ اِتّبعَك ۝
اِمراته همزات متطرفه متحرکه مِن حَمَاٍ ٣ سه موضع
در وقف بسکون همز باشد وروم نیز باشد وحمزه وهشام را
وجوه مخصوص خود باشد وصل کلمتین ٣ وعیونٍ ادخلوها،
عاصم وحمزه وابو عمرو ویعقوب در وصل بکسر نون تنوین میخوانند
وباقیان بضم، وابن کثیر وابن ذکوان وابو بکر وحمزه وکسائی
بکسر عین میخوانند وباقیان بضم، المقتسمین الذین ۝
المستهزئین الذین ۝ این دو موضع بحرکه آخر کلمه اوّل ملفوظ میشود
ظاءات ٩ اِذاً منظرین ۝ لحافظون ۝ فظلوا فیه
للناظرین ۝

للنّاظرین ۝ وحفظناها ۝ فأنظرنی ۝ من المنظرین ۝
لظالمین ۝ والقرآن العظیم ۝ سورة النحل
شرکائی الذین فسئلوا السیّات یتفیؤا لتسئلن
فأحیا به بالف لکی لا یعلم بعد علم شیئاً مقطوع است
وبنعمت الله هم یکفرون بتا مکتوب است، هل یستون
بکر واو است ایْنما یوجّهه موصول است والافئدة
یعرفون نعمت الله بتا مکتوب است وایتاءِ ذی القربی
صورت همز بیا مکتوب است، ودر وقف بسکون همز باشد
وروم نیز باشد اَرْبیٰ مِنْ اُمّةٍ اِنّما عند الله بخلاف است
در اکثر مصاحف موصول است، ودر بعضی مقطوع والذین هم
مقطوع است هر دو موضع، واشکروا نعمت الله اِن کنتم
بتا مکتوب است اِجتبٰه وهدٰه یاء ندا که متصل
بمنادی باشد درین سوره نیست حروف الف ٢٩
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۝ انا فاتّقون ۝ وعلی الله ۝
وتری الفلک ۝ فانّ الله ۝ علی الکافرین ۝ مثوی المتکبّرین ۝

من تحتها الانهار ۝ الا البلغ ۝ هدى الله ۝ مسمى ۝ وهدى ۝
الى النحل ۝ فما الذين ۝ الى الطير ۝ الا الله ۝ الذين ۝ شركاؤنا
الذين ۝ الى الله ۝ على البر ۝ على الاخرة ۝ فاذاقها الله ۝
حرف واو ۹ که در وقف ملفوظ میشود نه در مد
اوتوا العلم ۝ ادخلوا الجنة ۝ ان اعبدوا الله ۝ واجتنبوا الطاغوت ۝
مكروا السيئات ۝ ولا تنقضوا الايمان ۝ وتذوقوا السوء ۝
استحبوا الحيوة ۝ عملوا السوء ۝ و واوی که در وقف ملفوظ
میشود نه در وصل یک موضع است ۝ فالقوا السلم ۝
حرف یا ۲۰ که در وقف ملفوظ میشود نه در مد ۝ فی الارض ۝
یجزی الله ۝ فی الله ۝ فی الدنیا ۝ فی السموات ۝ فی التراب ۝ الذی اختلفوا ۝
فی الانعام ۝ فی الرزق ۝ ذی القربی ۝ یفتری الکذب ۝
لا یهدی القوم الکافرین ۝ فی الاخرة ۝ یاء ثابت ۱
یوم تاتی کل نفس ۝ یاءات محذوف ۲ انا فاتقون ۝
فایای فارهبون ۝ یعقوب این هر دو را در حالین باثبات
یا میخواند ۝ و باقیان بحذف یا ۝ همزات وصل مضمومه ۴

وحکم فتح و اماله در کلمه انعام گفته شد

شرکائی الذین در موضع در وصل بفتح یا است

ادخلوا

٤١

ادخلوا ۝ اعبدوا ۝ اضطر ۝ ادع ۝ همزات وصل مکسوره ۹
اتقوا ۝ اثنین ۝ اختلفوا ۝ اتخذ ۝ استحبوا ۝ اجتبیه ۝ اتبع ملة ۝
همزات متطرفه متحرکه ۳ دفء ۝ ذرا ۝ یتفیؤا ۝
این جمله در وقف با سکان ممد باشد و در اول و آخر روم
و اشمام نیز باشد و حمزه و هشام را وجوه مخصوص خواهد باشد
وصل کلمتین ۷ الکافرین الذین ۝ المتقین الذین ۝
یعلمون الذین ۝ هل یستوون الحمد لله ۝ یفترون الذین ۝
لا نعمه اجتبیه ۝ یختلفون ادع ۝ این جمله در وصل بی که
آخر کلمه اول ملفوظ میشود ظاءات ۲۲
ظالمی انفسهم ۝ هل ینظرون ۝ وما ظلمهم الله ۝ انفسهم یظلمون ۝
فانظر کیف ۝ ما ظلموا ۝ ظلا له ۝ ظل وجهه ۝ وهو کظیم ۝
بظلمهم ۝ یوم ظعنکم ۝ ظلالا ۝ ظلموا العذاب ۝ ولا هم ینظرون ۝
یعظکم ۝ عذاب عظیم ۝ ولهم عذاب عظیم ۝ وهم لا یظلمون ۝
وهم ظالمون ۝ وما ظلمناهم ۝ انفسهم یظلمون ۝ والموعظة ۝
سورة الاسراء الاقصا الذی بالف مکتوب است و در وقف بالف باید ۝

ومجنب در قصص ویس وهریکی در محل خوف بیاید أُولَـٰهُمَا
لِيَسُوءُوا بهر دو وجه قراءت چنین نویسند وَيَدْعُ الإنسان
بحذف واو لام الفعل مکتوب ومجنب ویمح الله الباطل در
عسق ویدع الداع در قمر وسندع الزبانیة در اقرا
وهریکی در محل خوف بیاید يَلْقَىٰهُ يَصْلَىٰهَا أَوْ كِلَاهُمَا
واکرخواهند بحذف الف أَوْ كِلَـٰهُمَا امّا بصورت یا نشاید
وآتِ ذَا القُرْبَىٰ ودر وقف بالف بیاید الزِّنَىٰ مَسْئُولاً
سَيِّئُهُ افاصفیٰکم لَا تَبْتَغُوا یک کلمه است ءَإِذَا ءَإِنَّا
ومجنب آخر سوره يَقُولُوا الَّتِي ودر وقف واو مدّی بیاید
الرُّءْيَا الَّتِي نه واو است ءَأَسْجُدُ لِجَنَّتِكُمْ لَا تَخِذُوكَ یک کلمه است
خِلَـٰفَكَ الْيَبل وَنَا بِجَانِبِهِ نه یا مکتوب است ومجنب در فصلت
يَئُوسًا وَيَسْئَلُونَكَ قل سبحان ربّی این کلمه بالف نیز نویسند
ومن يَهْدِ الله بحذف یا مکتوب فهو المهتد ودر محذوفات بیاید
ماونهم ءَإِذَا ءَإِنَّا فَسْئَلْ أَيًّا مَا نزد حمزه وکسائی دو کلمه است
ونزد باقیان یک کلمه بطریق تیسیر وشاطبیه ودر طریق طیبه ونشر

ما ننشاء نه واو است م

انوای

باثبات یا مینوی اند وباقیان بحذف یا همزات وصل مضموم ۲
اُسْتُهْزِئَ اُحْكُم بالحق ودر این همزه قطع نیز آمده است ولیکن مشهور نیست
همزات وصل مکسور ۸ اِقْتَرَبَ اِسْتَمِعُوهُ اِفْتَرَاهُ
اِتَّخَذُوا اِتَّخَذَهُ اِرْتَضَى ودر نفخ باشند اِشْتَهَتْ همزه
متطرفه متحرکه ۲ اُسْتُهْزِئَ در وقف باسکان همزه باشد
وحمزه وهشام را ابدال باشد بیا وصل کلمتین ۴
لا یعلمون الحق وذکرا للمتقین الذین بحرکه آخر کلمه اول ملفوظ میشود
ظاءات ۱۷ الذین ظلموا کانت ظالمة ظالمین فما زالت
نجی الظالمین سقفا محفوظا عن ظهورهم ولا هم ینظرون
انا کنا ظالمین فلا تظلم لمن الظالمین انتم الظالمون
من الکرب العظیم لهم حافظین فظن ان لن فی الظلمات
من الظالمین بل کنا ظالمین سورة الحج من بعده بالف است
ما نشاء الی نه واو است لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ موصول است
ثُمَّ لْيَقْطَعْ باسکان لام یک کلمه دارد اگر بر ثمّ وقف کنند
بر سبیل اختبار یعنی آزمایش باز ثمّ را اعاده باید کرد وثمّ لیقضوا

بسم ... ثم ... وعاصم ... قالون ... وابو جعفر بعد ... الان لن نقص الله نقص ... بالف است

هم واو ... ودرش وابو عمرو ... وابن عامر ... بکسر لام میخوانند ... وقنبل هم ... ابتدا است در ... موضع اول ... وابتدا ... ابتدا ... باید لیقطع ... لیقضوا ... وباقی نیز ... نشانند هم ... وبنی ...

والصابئين ولولوا در همه الف باشد ان لا تشرك بنون
مكتوب است هدىٰكم فكاين وكاين وان ما تدعون
مقطوع است احياكم بالف ثم يحييكم اجتبىٰكم سمىٰكم
مولىٰكم ياء نداء ٩ كه محذوف الالف است در رسم
ومتصل است عند دى يا ايها ٨ وحكم اين معلوم است
حرف الف ٢٨ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مده
يا ايها الناس ٥ وترى الناس ٥ مسمى ٥ وترى الارض ٥
عليها الماء اهتزت ٥ هدى ٥ من تحتها الانهار ٥ الى السماء ٥
الى الطيب ٥ من تقوى القلوب ٥ الى البيت ٥ ربنا الله ٥
فيها اسم الله ٥ لا تعمى الابصار ٥ ولكن تعمى القلوب ٥ انا لكم ٥
القى الشيطان ٥ على الارض ٥ وعدها الله ٥ والى الله ٥ يا ايها الناس ٥
على الناس حرف واو ١٩ كه در وقف ملفوظ ميشود حرف مده
وعملوا الصالحات ٥ ويذكروا اسم الله ٥ واطعموا البائس ٥
فاجتنبوا الرجس ٥ ليذكروا اسم الله ٥ فاذكروا اسم الله ٥
واطعموا القانع ٥ لتكبروا الله ٥ اقاموا الصلوة ٥ اوتوا العلم ٥

كه در

سورة الكهف

لن ندعوا فاووا من لدنه
فهو المهتد ودر محذوفات بيايد ثلثة لشاىء ثلث
مائة بالغدوة هو انه متكئين كلتا الجنتين بالف
و در وقف بالف بيايد سوىٰك لكنا هو الله بالف است
و در وقف بالف بيايد الن نجعل بغير نون مكتوب است
مال هذا الكتاب مقطوع اللام است احصىٰها
شركاءى الذين و در وقف ياء مده بيايد وراء المجرمون
ذو الرحمة بحذف الف بعد از واو باشد موئلا لفتيته انسىٰنيه
فلا تسئلنى سالتك بالف است لتخذت ويسئلونك
سالتلوا بالف است حمئة تا شامل هر دو روايت باشد
جزاء الحسنى در مصاحف عراق بواو مكتوب است
و در ساير مصاحف جزاء بر قياس است اتونى هر دو موضع
ياء نداء ٤ كه محذوف الالف است در رسم ومتصل است عند دك
يويلتى ٥ يويلتنا ٥ يذا القرنين ٥ وطريق قياس وحكم يك كلمه معلوم شد
حرف الف ٣٢ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مده

هذا الحديث ٥ على الارض ٥ اوى الفتية ٥ الى الكهف ٥ هدًى ٥
قومنا اتخذوا ٥ على الله ٥ الا الله ٥ وترى الشمس ٥ الى المدينة ٥ على الارائك ٥
كلتا الجنتين ٥ انا اكثر ٥ لكنا هو الله ٥ انا اقل ٥ وترى الارض ٥
فترى المجرمين ٥ هذا الكتاب ٥ ورا المجرمون ٥ وحكم فتح واماله در
سورة انعام كفته شد ٥ هذا القران ٥ الى الهدى ٥ الى الصخرة ٥
الا الشيطان ٥ اما السفينة ٥ واما الغلام ٥ واما الجدار ٥
يذا القرنين ٥ فما اسطاعوا ٥ وما استطاعوا ٥ انا بشر
ودر سه كلمه خلاف است نافع وابو جعفر انا اكثر انا اقل
در وصل بمد انا ميخوانند وورش را مد طويل باشد وقالون را
قصر وتوسط وابو جعفر را قصر ولكنا هو الله ابن عامر وابو جعفر
ورويس لكنا در وصل باثبات الف ميخوانند وباقيان در سه موضع
بحذف الف ميخوانند در وصل **حرف واو ٥** كه در وقف ملفوظ ميشود بحذف ملفوظ
قالوا اتخذ الله ٥ فقالوا ابنوا ٥ وعملوا الصالحات ٥ ذو الرحمة ٥
دو واوى كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف لين در اين سوره نيست
حرف يا ١٣ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مده ٥ فى الكهف ٥

موافق بود تو م

يشوى

شيئا تبارك الذين
وابن عامر در وصل بفتح
يا ميخوانند

يشوى الوجوه ٥ فى البحر ٥ فى السفينة ٥ فى المدينة ٥ ذى القرنين ٥
فى الارض ٥ فى الصور ٥ فى الحيوة **يا ات ٢ ثابت**
فما اتبعتنى ٥ فلا تسئلنى ٥ ونافع وابو جعفر وابن عامر
فلا تسئلنّى بفتح لام وتشديد نون ميخوانند ٥ وابن ذكوان
درحاليكه بحذف واثبات يا ميخوانند ٥ وباقيان باسكان لام وتخفيف نون ميخوانند
يا ات ٦ محذوف فهو المهتد ٥ ان يهدين ٥ ان ترن ٥
ان يؤتين ٥ ان تعلمن ٥ ما كنا نبغ ٥ يعقوب اين شش موضع را
درحاليكه باثبات يا ميخوانند ٥ وابن كثير موافق است در غير اول
ونافع وابو عمرو وابو جعفر موضع اول وآخر را در وصل
باثبات ميخوانند وكسائى موافق ايشانست در موضع آخر
وقالون وابو جعفر وابو عمرو ان ترن در وصل باثبات
ميخوانند وباقيان بحذف **همزات ٢ وصل مضموم**
اسجدوا ٥ انظروا **همزات ١٤ وصل مكسور** لتخذ الله ٥
اتخذوا ٥ افترى ٥ اعتزلتموهم ٥ اطلعت ٥ ابنوا ٥ اتبعتنى ٥
استطعما ٥ ثم اتبع نزد نافع وابو جعفر وابن كثير وابو عمرو ويعقوب

بهمز وصل باشد وتاء مفتوح مشدد از باب اِفتعال
وباقیان را اَتْبَعَ باشد بهمز قطع واسکان تا از باب اِفعال
اِیتونی دو موضع همچنین بخلافست موضع اول نزد ابوبکر
وحمزه وثانی از ابوبکر بخلاف وباقیان را اُتونی باشد
بهمز قطع اِسطاعوا اِستطاعوا ودرین سوره همزه متطرفه
متحرکه نیست که در وقف بسکون همزه باشد **وصل کلمتین** 6
مُقتدرًا المالُ عرضًا الذین اعمالاً الذین این هر سه موضع
در وصل بکسر نون تنوین باشد بی خلاف وهمچنین قریة استطعما
جزآءً الحسنی نزد یعقوب وحفص وحمزه وکسائی
وخلف اختیار در وصل بکسر نون تنوین باشد که بنصب وتنوین
میخوانند وباقیان برفع همزه رَدمًا ائتونی نزد ابوبکر
ظاات 17 فمن اظلم اَیقاظًا فلینظر
اِن یَظهروه مرآءً ظاهِرًا للظالمین نارًا ولم تَظلم
وهو ظالمٌ ما اَظُنّ وما اظنّ ولا یظلم بئس للظالمین
فظنوا انهم ومن اظلم لما ظلموا اَمّا مَن ظلم اَن یظهروه

کهیعص

سورة مریم علیها السلام ذکر رحمت ربک بتا مکتوب است
مِن ورآئی ثلثَ سلم فناداها اٰتٰنی الکتاب
این ما کنتُ مقطوع است واَوْصٰنی النبیین
ءَاِذا بالذین هم مقطوع است ورِءْیًا اٰتی الرحمن ودر وقف
یاء مدی بیاید اَحْصٰهم **یاء ندا** 10 که محذوف الالف
در رسم ومتصل است بمنادی یٰزکریا یٰیحیی یٰلیتنی
یٰمریم یٰاُخت هرون یٰاَبت یٰابرهیم وحکم جمله معلوم شد
حرف الف 11 که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد
انا رسولُ فاجآءها المخاض عیسی ابن مریم فلما اعتزلهم
علی الرحمن اِمّا العذاب واِمّا الساعة هدًی
ارسلنا الشیاطین علی الکافرین اِلی الرحمن
حرف واو 4 که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد
اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات وقالوا اتّخذ
وعملوا الصالحات وواوی که در وقف ملفوظ میشود بحرف لین
درین سوره نیست **حرف یا** 11 که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد

فی الکتاب ۝ فی المهد ۝ اتینی الکتاب ۝ نزد حمزه و از باقیان
در وصل بفتح یا باشد ۝ ثم ننجی الذین ۝ و یعقوب و کسائی
ننجی باسکان نون و تخفیف جیم میخوانند ۝ فی الضلالة ۝ من فی السموات
الا اتی الرحمن ۝ **یاء ثابت ۱** فاتبعنی اهدک ۝ همزه یک موضع است
یاء محذوف و همزه وصل مضموم درین سوره نیست
همزات وصل مکسوره ۱۲ اسمه ۝ امراتی ۝ اجعل لی
انتبذت ۝ امراة ۝ ابن مریم ۝ اعتزلهم ۝ اتقوا ۝ اهتدوا ۝ اتخذ
همزه متطرفه متحرکه امراة در وقف باسکان همزه باشد
و حمزه و هشام را ابدال با ئد بالف **وصل کلمتین ۴**
کهیعص ۝ ذکر نافع ها و یا را بامالهٔ بین بین میخوانند
و اظهار دال نزد ذال ذکر و ابو جعفر و حفص و ابن کثیر بفتح هر دو حرف
میخوانند و اظهار و یعقوب بفتح و ادغام و ابو عمرو
بامالهٔ ها میخوانند و فتح یا بخلاف از سوسی در امالهٔ یا و ادغام نیز خلاف
و ابن عامر و حمزه و خلف اختیار بفتح ها و امالهٔ یا میخوانند
و ادغام و ابو بکر بامالهٔ هر دو حرف میخوانند و اظهار و کسائی بامالهٔ و ادغام

وجملهٔ

و جملهٔ قرا در عین دو وجه دارند مد و توسط و وجه مد افضل است
و عسق نیز همین حکم دارد ۝ بغلام اسمه ۝ عدن التی
بکسر نون تنوین ملفوظ میشود ۝ ابوک امرا بکسر کاف
ظاات ٤ و هن العظم ۝ یوم عظیم ۝ لکن الظالمون
و لا یظلمون شیئا ۝ و نذر الظالمین **سورة طه**
اتیک اذا اتیها هو ۝ **اتوکؤا** فالقیها هرون
اقذفیه **فاقذفیه** هر یک کلمه باشد **والسلم** ثم ائتوا
ءامنتم **ولا وصلبنکم** و اگر خواهند و او ننویسند **ولاصلبنکم**
و در شعرا نیز همچنین است **خطینا** و اگر بقیاس نویسند خطایانا
و ذلک **جزؤا** در مصاحف عراق بواو مکتوب است و در
سائر مصاحف جزاء بی قیاس است **اولاء** قال **یابنؤم**
موصول است بدین صورت و واو صورت همزه است **من انباء**
و یسئلونک و لا امتا **لا تظمؤا** ثم اجتبه **هدای**
و من اناء الیل بیاء صورت همزه مکتوب است و در وقف
بسکون همزه باشد **لا نسئلک** ۵

[illegible]

یاء ندا ۱۶ که محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی
یموسی ۰ یبنی اسرائیل ۰ یقوم ۰ یهرون ۰ یا بنؤم ۰
یسامری ۰ و حکم جمله معلوم است
یا ادم
حرف الف ۲۲
که در وقف ملفوظ میشود بی مد ۰ العلی الرحمن ۰ علی العرش ۰
واخو الله ۰ هدی ۰ انا ربك ۰ طوی ۰ اذهب ۰ ابن عامر
و عاصم و حمزه و کسائی و خلف اختیار بتنوین میخوانند و باقیان بغیر تنوین
و انا اخترتك ۰ حمزه و انا اخترناك میخوانند ۰ انا الله ۰
انا فاعبدنی ۰ سیرتها الاولی ۰ ایتنا الکبری ۰ اذهب ۰
ربنا الذی ۰ و لا ینسی الذی ۰ سوی ۰ یعقوب و ابن عامر
و عاصم و حمزه و خلف اختیار بضم سین میخوانند و باقیان بکسر
و ابوبکر و حمزه و کسائی و خلف در وقف باماله میخوانند و ورش
و ابوعمرو بین بین و باقیان بفتح ۰ ضحی ۰ علی الله ۰ من تحتها الانهار ۰
القی السامری ۰ فتعالی الله ۰ مسمی ۰
حرف واو ۱
که در وقف ملفوظ میشود بی مد ۰ و اسروا النجوی ۰ هم بر یک موضع است
و واوی که در وقف ملفوظ میشود بی مد لیس در این سوره نیست

حرف یا ۱۴ که در وقف ملفوظ میشود بی مد ۰ فی السموت ۰
فی الارض ۰ اخی اشدد ۰ و در این سوره وجه آمده است ۰ ابن کثیر
و ابوعمرو در وصل بفتح یا میخوانند ۰ و ابن عامر باسکان یا
میخوانند ۰ و اشدد بهمزه قطع در حالتین بصیغه واحد متکلم
مثل ارنی انظر ۰ و باقیان بحذف یا میخوانند ۰ فی التابوت ۰
فی الیم ۰ لنفسی اذهب ۰ ذکری اذهبا ۰ در این هر دو خلاف است
نافع و ابوجعفر و ابن کثیر و ابوعمرو در وصل بفتح یا میخوانند
و باقیان بحذف یا ۰ لاولی النهی ۰ فی البحر ۰ فی الحیوة ۰ فی الصور ۰
ما فی الصحف الاولی
یاءات ثابت ۲
ان اسر بعبادی ۰
الرحمن فاتبعونی
یاءات محذوف ۲
انك بالواد ۰ الا تتبعن ۰ یعقوب موضع اول در وقف
باثبات یا میخوانند ۰ و موضع ثانی ابن کثیر و یعقوب در حالتین
باثبات میخوانند ۰ و نافع و ابوعمرو در حال وصل
و ابوجعفر را در وصل فتح یا باشد ۰ و در وقف سکون یا ۰ و باقیان را حذف یا باشد
همزات وصل مضمومه ۳
اُمکثوا ۰ اُشدد ۰ بخلاف چنانچه گفته شد ۰
اُسجدوا ۰ صح

همزات ۱۶ وصل مکسور إِسْتَوَى ۞ إِخْتَرْتُكَ ۞ صیغهٔ
واحد متکلّم است در غیر قراءة حمزه ۞ اخترناک صیغهٔ متکلّم مع الغیر
در قراءة حمزه ۞ إِذْهَبْ ۞ اِشْرَحْ ۞ اِقْذِفِيهِ ۞ واین صیغهٔ
امر است از برای واحد مؤنّث حاضر ۞ فاقذفیه همچنین ۞ ولنشاید
که فیه کلمهٔ تصوّر کنند چنانچه در فصل مقطوعات ۞ واوّل سعه
گفته شد ۞ إِذْهَبَا ۞ اِتَّبِعْ ۞ اِفْتَرَى ۞ اِئْتُوا صَفًّا ۞ اِسْتَعْلَى ۞
اِشْدُدْ نزد نافع وابو جعفر وابن کثیر که صیغهٔ امر باشد ۞
وبا قیان را اَشْدُدْ باشد بهمزهٔ قطع مفتوح که صیغهٔ واحد متکلّم باشد
اِهْتَدَى ۞ اِجْتَبَاهُ ۞ اِهْبِطَا همزات ۲ متطرّفه مفتوح که
اَتَوَكَّؤُا ۞ لَا تَظْمَؤُا ۞ این هر دو در وقف با سکان همزه باشد
وروم واشمام نیز در هر دو باشد ۞ وحمزه وهشام را وجوه مخصوص
وقف باشد وصل کلمتین آخر سعه باوّل انبیا ۞
وَمَنِ اهْتَدَى اِقْتَرَبَ ۞ در وجه وصل بین السورتین بترک بسمله
نزد ورش ۞ وابو عمرو ۞ ویعقوب ۞ وابن عامر ۞ وحمزه ۞ وخلف اختیار ۞
ودر وجه سکت اِهْتَدَى بقصر الف منقلب از یا ملفوظ شود ۞
واثبات همزه اقترب ... نزد

الوصل اقترب ۞ ووجه بسمله وصل جمله ... ودیگر وصل بسمله بآخر سوره

... نزد ایشان وصل وبین السورتین است وورش را در بین سورتین ... وقف وبسمله نیز باید موافق قالون ...

نزد مذکورین غیر از حمزه وخلف اختیار ظاءات ۶
وانظر الی ۞ ظَلْتَ عَلَیْهِ ۞ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۞ فَلَا یَخَافُ ظُلْمًا ۞ لَا تَظْمَؤُا ۞
سورة الانبیاء علیهم السلام قُلْ رَبِّی ۞ واکر خواهند
قال ربّی ۞ ودر مصاحف کوفه الف هست اِفْتَرَاهُ فَسْئَلُوا
یُسْئَلُونَ دَعْوَاهُمْ لَاتَّخَذْنَاهُ یک کلمه است ودر رسم الف بعد از
نون نباشد ۞ اَللَّیْلَ اَفَائِنْ رَأَكَ هُزُوًا ساویکم بواو مکتوب است
یَکْلَؤُکُمْ وَذِکْرًا لِلْمُتَّقِینَ البتّه بالف باشد ءَاَنْتَ
فَسْئَلُوهُمْ وَسَلٰمًا اَئِمَّةً اَنْ لَا اِلٰهَ در بعضی مصاحف
بنون مکتوب است ودر بعضی بغیر نون وَحَرَامٌ ۞ فِی مَا اشْتَهَتْ
دو وجه است ۞ در اکثر مصاحف مقطوع است ودر بعضی موصول
وَتَتَلَقّٰهُمْ قُلْ رَبِّ احْکُمْ ۞ قال ربّ احکم یاء نداء ۵
یُوَیْلَنَا ۞ یَا اِبْرٰهِیمُ ۞ یَا نَارُ وحکم جمله معلوم است ۲۱ حروف
الف که در وقف ملفوظ میشود نحو ومدّ ۞ الّا استمعوه ۞
النَّجْوَی الَّذِینَ ۞ واهلکنا المسرفین ۞ وما خلقنا السّماء ۞
علی الباطل ۞ الّا الله ۞ انا فاعبدون ۞ وجعلنا السّماء ۞

وابو جعفر وابن کثیر وابن عامر وعاصم وکسائی ... ویمنی ... حکم ... والتنمیه ... ودر ... بیاید ... نون ... مکتوب

اَهذا الّذی ○ هٰذا الوعد ○ وانا علی ذلکم ○ فتیٓ ○ الی الارض ○
وذا الکفل ○ وذا النّون ○ وانا ربّکم ○ منّا الحسنی ○ فی ما اشتهت ○
یوم تُطوی السّمآءُ در قراءة ابوجعفر ○ وربّنا الرحمن ○
حرف واو ۲ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ○
واسرّوا النّجوی ○ وقالوا اتّخذ الرحمن ○ وواوی که در
وقف ملفوظ میشود بحرف لین درین سوره نیست ○
حرف یا ۱۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ○
فی السّمآءِ ○ فی السّموات ○ نجزی الظالمین ○ فی الارض ○ ناتی الارض ○
فی الحرث ○ مسّنی الضّرّ در قراءة حمزه ○ فی الظلمات ○
نُجّی المؤمنین در قراءة ابن عامر و ابوبکر ○ وباقیان نُنجی باشد
فی الخیرات ○ نَطوِی السّمآءَ در غیر قراءة ابوجعفر ○
فی الزّبور ○ عبادی الصالحون در قراءة حمزه ○ و از باقیان
هر دو بفتح یا باشد در وصل ○ ویاء ثابت که نظیر محذوف است
درین سوره نیست یاءات محذوف ۳ الّا انا فاعبدونِ ○
فلا تستعجلونِ ○ وانا ربّکم فاعبدونِ ○ یعقوب همه را در حالین

بایثات

از برای جمیع قرّاد وکلمه باشد بصلاتِکَ بالف است
محذوف الالف است در رسم ومتصل است بمنادی
یا و ندا ۲ که ~~متصل بمنادی است ودرین سوره نیست~~ حرف ۱۸
الف که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ○ الی المسجد ○
الاقصا الّذی ○ موسی الکتاب ○ هُدًی ○ هذا القرآن ○
وجعلنا الّیل علیها القول ○ وانت ذا القرنین ○ بها الاوّلون ○
وما جعلنا الرءیا الّتی ○ هذا الّذی ○ الی البرّ ○ علی الانسان ○ بموسی یفرعون صح
فان الظالمون ○ علی النّاس حرف واو ۱۵ که در وقف
ملفوظ میشود بحرف مدّ ○ ولیدخلوا المسجد ○ ولا تقربوا الزنی ○
ولا تقتلوا النّفس ○ واوفوا الکیل ○ یقولوا الّتی قل ادعوا الّذین ○
اُسکنوا الارض ○ اوتوا العلم ○ قل ادعوا الله ○ او ادعوا الرحمن ○
ودرین سوره واوی که در وقف ملفوظ میشود بحرف لین نیست ○
حرف یا ۱۷ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ○ فی الکتاب ○
فی الارض ○ فی القتل ○ ذی العرش ○ فی القرآن ○ فی السّموات ○
فی الاموال ○ فی البحر ○ فی البرّ ○ فی الاخرة ○ فی السّمآءِ ○ فی الملک ○
یاء ثابت ۱ وَقُل لِعبادی یَقولوا همین یک موضع است ○

یاآت محذوف ۲ لئن اخرتن ٥ فهو المهتد ٥ یعقوب
هر دو را در حالین باثبات یا میخواند ٥ و ابن کثیر موافق است
در موضع اول ٥ و نافع و ابو جعفر و ابو عمرو موضعین را
در وصل باثبات یا میخوانند ٥ و باقیان بحذف یا میخوانند
همزات وصل مضموم ۷ اُنظر ٥ اُدعوا ٥ اُسجدوا ٥ اُسکنوا ٥
همزات وصل مکسور ۷ اِقرأ ٥ اِهتدی ٥ اِرحمهما ٥
و درین کلمه تفخیم را باشد ٥ اِبتغاء ٥ اِذهب ٥ اِستطعت ٥ اِجتمعت ٥
همزه متطرفه متحرکه که در وقف ساکن باشد در سبع نیست
وصل کلمتین ۳ منشورا اقرا ٥ محظورا انظر ٥
مسحورا انظر ٥ موضعین آخر عاصم و حمزه و یعقوب و ابو عمرو
در وصل بکسر نون تنوین میخوانند ٥ و باقیان بضم ٥ و موضع
اول بکسر نون تنوین متفق اند ظاآت ۱۶
محظورا ٥ انظر کیف ٥ مظلوما فقد ٥ قولا عظیما ٥ اذ یقول الظالمون ٥
انظر کیف ٥ عظاما و رفاتا ٥ و تظنون ٥ فظلموا بها ٥ و لا یظلمون فتیلا ٥
و لا یزید الظالمین ٥ ظهیرا و لقد ٥ عظاما و رفاتا ٥ فابی الظالمون ٥
انی لاظنک ٥ و انی لاظنک ٥ صح

کفروا

کفروا المنکر ٥ ما قدروا الله ٥ آمنوا ارکعوا ٥ و افعلوا الخیر ٥
فاقیموا الصلوة ٥ و آتوا الزکوة ٥ واوی که در وقف ملفوظ میشود
بحرف لین یک موضع است ٥ و آتوا الزکوة و امروا ٥
یا ۴۷ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ٥ فی الله ٥
فی الارحام ٥ یحیی الموتی ٥ فی القبور ٥ فی الدنیا ٥ فی السموات ٥
فی الارض ٥ فی الناس ٥ و المقیمی الصلوة ٥ فی الصدور ٥ ما
یلقی الشیطان ٥ فی النهار ٥ فی اللیل ٥ فی البحر ٥ فی الامر ٥
فی السماء ٥ فی الدین ٥ و یاء ثابت که نظیر محذوف است در سوره نیست
یاآت محذوف ۳ فیه و الباد ٥ فکیف کان نکیر ٥ و ان الله لهاد ٥
یعقوب موضعین اول را در حالین باثبات یا میخواند ٥ و موضع
آخر در حال وقف ٥ و ابن کثیر در موضع اول موافق یعقوب است ٥
و ورش و ابو جعفر و ابو عمرو در حال وصل ٥ و مجیز موضع ثانی
ورش را اثبات باشد در وصل ٥ و باقیان را حذف یا باشد در هم
همزات وصل مضموم در سبعه نیست همزات وصل مکسور ۱۲
اِتقوا ٥ اِهتزت ٥ اِطمأنت ٥ اِنقلب ٥ اِختصموا ٥ اِسم الله ٥

اِسمُ اللهِ ۝ اجتمعوا ۝ اِركعوا ۝ اِجتبٰكم ۝ همزِ متطرفه متحرّکه
یک موضع است بخلاف ولؤلؤاً نافع و عاصم و ابوجعفر
و یعقوب ولؤلؤاً بنصب تنوین میخوانند و باقیان
ولؤلؤٍ بخفض تنوین میخوانند و ابوبکر و سوسی و ابوجعفر لابدال
همزِ اوّل باشد و حمزه و هشام را وجوه مخصوص خوف باشد
و در سوره فاطر نیز همین حکم باشد

وصل کلمتین

خیرٌ اطمأنّ به ۝ فتنةٌ انقلب ۝ سوآءً العاکف بخلاف
المخبتین الذین ۝ لقدیرٌ الذین ۝ عزیزٌ الذین ۝ عقیمٍ الملک
بما تعملون الله ۝ عزیزٌ الله ۝ آنجه منوّن است در وصل
بکسر نون تنوین ملفوظ میشود بی خلاف و باقی بحرکة آخر کلمهٔ اوّل
و حفص سوآءً بنصب میخوانند و باقیان بر فع ۝

ظاات ۱۳

شیءٌ عظیمٌ ۝ بظلّامٍ للعبید ۝
من کان یظنّ ۝ فلینظر بسببٍ ۝ ما یغیظ ۝ بظلمٍ نذقه ۝
و من یعظّم حرمات الله ۝ و من یعظّم شعآئر الله ۝ بانّهم ظلموا ۝
و هی ظالمةٌ فهی ۝ و هی ظالمةٌ ثمّ ۝ و انّ الظالمین ۝ و ما للظالمین ۝

سورة المؤمنون

سورة المؤمنون

الّذین هم همه مقطوع است و فی
صلاتهم بالف است صلواتهم یحافظون بواو مکتوب است
بجمع و افراد عظاماً العظام جنین نوشته تا شامل قراءتین
باشد انشأناه فقال الملؤا موضع اوّل بواو مکتوب
است که صورت همزه است و الف بعد از واو باشد
و سه موضع دیگر در غیر همزه است و در محلّ خوف بیاید
نجّنا و قال الملأ موضع ثانی هیهات هیهات
هر دو موضع بتا مکتوب است حیاتنا الدّنیا بالف است
نموت و نحیا بالف است تترا بالف است کلّما جاء امّة
بخلاف است در بعضی مصاحف موصول است و در بعضی
مقطوع من مالٍ و بنین مقطوع است تجئرون
لا تجئروا الیوم ام تسئلهم انشأ و الافئدة ذرأکم
ءاذا ترابًا ءانّا سیقولون لله هر سه موضع و لعلّا
بعضهم بالف است السّیّئة قال اخسئوا قٰل کم لبثتم
قٰل ان لبثتم در مصاحف کوفه بدین نهج نوشته است و در باقی مصاحف بالف

فَسْئَلِ العآدّين **ياء ندا** ٢ كه محذوف الالف است در رسم
ومتّصل است بمنادى يٰقوم ٥ يٰاَيُّها الرُّسُل ٥ حكم جمله معلوم است

حرف الف ١٧ كه در وقف ملفوظ ميشود ودر وصل نه خلقنا الانسان ٥
خلقنا النّطفة ٥ فخلقنا العلقة ٥ فخلقنا المضغة ٥ فكسونا العظم ٥
وعلى الفلك ٥ ءابائنا الاوّلين ٥ فاذا استويت ٥ الاحيا بنا الدّنيا ٥
على الله ٥ موسى الكتاب ٥ وجعلنا ابن مريم ٥ يٰاَيّها الرُّسُل ٥ وانا ربّكم ٥
فما استكانوا ٥ ما اتّخذ الله ٥ فتعالى الله ٥ **حرف واو** ٤

كه در وقف ملفوظ ميشود ودر وصل نه يٰقوم اعبدوا الله ٥ اَنِ اعبدوا الله ٥
لا تجزوا اليوم ٥ يدّبّروا القول ٥ وواوى كه در وقف ملفوظ ميشود
ودر وصل نيست در رسم نيست **حرف يا** ١٥ كه در وقف ملفوظ
ميشود ودر وصل نه فى الارض ٥ فى الانعام ٥ فى الّذين ٥ فى الحيوة ٥
فى الخيرات ٥ فى القوم ٥ فى الصّور ٥ ياء ثابت كه نظير محذوف است
در رسم نيست **يات محذوف** ٦ عاكفين بون فاوحينا
عاكفين بون قال عمّا وانا ربّكم فاتّقون ٥ ان يحضرون ٥ ربّ را
ارجعون ٥ ودرين نجم را باشد ٥ ولا تكلّمون ٥ يعقوب اين سه موضع

ارجع

در حالين باثبات يا مثل الله وباقيان بحذف يا **همزات** ٤
وصل مضمومه اُعبدوا ٥ اُنصرنى **همزات وصل مكسوره** ١٤
اِبتغى ٥ اِصنع ٥ اِثنين ٥ اِستويت ٥ اِفترى ٥ اِبن مريم ٥
اِتّبع ٥ اِستكانوا ٥ اِختلاف ٥ اِتّخذ ٥ اِدفع ٥ اِرجعون ٥
اِخسئوا ٥ اِغفر ٥ **همزات متطرفه متحركه** ٣
فقال الملؤا ٥ وقال الملأ ٥ اَنشأ ٥ اين هر سه موضع در وقف
باسكان ممكن باشد ورَوم واشمام نيز باشد در موضع
اوّل وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوق باشد هريك بنوعى
وصل كلمتين ٤ المؤمنون الّذين ٥ الوارثون الّذين ٥
الاَرجل افترى ٥ لقادرون ادفع ٥ موضع منوّن
بكسر نون تنوين ملفوظ ميشود وباقى بحركه آخر كلمه اوّل
ظاآت ١٣ حافظون ٥ يحافظون ٥ عظماً ٥
العظم ٥ ظلموا انّهم ٥ من القوم الظالمين ٥ وعظاماً انّكم ٥
للقوم الظالمين ٥ وهم لا يظلمون ٥ تراباً وعظاماً ٥
العرش العظيم ٥ فى القوم الظالمين ٥ فانّا ظالمون ٥

سورة النّور

أَنَّ لَعْنَتَ اللّٰه بتا مکتوب است ونافع ویعقوب أَنْ بتخفیف میخوانند ولعنتُ برفع وباقیان بتثقیل میخوانند ونصب وَيَدْرَؤُا عنها
جاؤ بحذف الف بعد از واو باشد هردو موضع فی ما افضتم دو وجه است در اکثر مصاحف مقطوع است ودر بعضی
موصول مَا زَکیٰ أَیُّهَ المؤمنون بحذف الف بعد ازها مکتوب است وابوعمرو ویعقوب وکسائی در وقف
باثبات الف میخوانند نظر باصل وباقیان بحذف الف میخوانند موافق رسم وابن عامر در وصل بضم ها میخوانند
باتباع ضم یا وباقیان بفتح ها میخوانند نظر باصل که الف بعد ازها محذوف است مِن مَالِ اللّٰه مقطوع است لمشکوٰة
فوقه یَرِیهَا صَلَاتَه بالف است وَیَصْرِفُه عن من یشاء مقطوع است وما وَیهُم الّتی یاء نـــدا
که محذوف الالف است در رسم ومتصل است بمنادی یاأیها
حرف الف که در وقف ملفوظ میشود نحو مثل

الا الذین ٥ عنها العذاب ٥ ما اکتسب ٥ یا أیها الذین ٥ الی اللّٰه ٥
علی البغاء ٥ فیها اسمه ٥ والی اللّٰه ٥ فتری الودق ٥ وما علی الرسول ٥
الا البلاغ ٥ کما استخلف ٥ کما استاذن ٥ علی الاعمی ٥
ولا علی الاعرج ٥ ولا علی المریض ٥ انما المؤمنون ٥ فاذا استاذنوک ٥
حرف واو ٩ که در وقف ملفوظ میشود نحو مثل ٥
اولوا الفضل ٥ وانکحوا الایامی ٥ اطیعوا اللّٰه ٥ واطیعوا الرسول ٥
وعملوا الصالحات ٥ واقیموا الصلوٰة ٥ وآتوا الزکوٰة ٥ لم یبلغوا الحلم ٥
وواوی که در وقف ملفوظ میشود نحو لیس درین سوره نیست
حرف یا ١٣ که در وقف ملفوظ میشود نحو مثل ٥ فی الدنیا ٥
فی الذین ٥ اولی القربی ٥ اولی الاربة ٥ ودرین کلمه ترقیق راء معتبر است
یهدی اللّٰه ٥ فی السموٰت ٥ لاولی الابصار ٥ فی الارض ٥ الذی ارتضی ٥
یاءات ثابت ٣ الزانیة والزانی ٥ الزانی لاینکح ٥
وامنا یعبدوننی ٥ ویاءات محذوف درین سوره نیست
همزه وصل مضموم اُسْتُخْلِفَ همین یک موضع است
در روایة ابن بکر ٥ بضم همزه وتا وکسر لام بصیغه مجهول

محلا در رسم

وحذف الف بعد ازها در رسم

همزات وصل مكسوره ٩ اِمرئٌ ٥ اِكتسب ٥ اِرجعوا ٥
اِسمه ٥ اِرتابوا ٥ بمجنب تفخيم را باشد ٥ اِستخلف ٥ در غير راويه ابى بكر
اِرتضى بتفخيم را باشد ٥ اِستاذن ٥ اِستاذنوك ٥
همزات متطرفه متحركه ٢ لِكلّ امرئٍ ٥ ويدرؤا ٥ موضع اوّل است
هر دو در وقف با سكان ممتنع باشد ٥ و در مضموم روم واشمام
هر دو باشد ٥ و در مكسور روم فقط ٥ وحمزه وهشام را
وجوه مخصوص خود باشد وصل كلمتين ٦
تذكرون الزانية ٥ من المؤمنين الزاني ٥ المبين الخبيثات ٥
للمتقين الله ٥ فيها مصباح المصباح ٥ في زجاجة الزجاجة ٥
موضعين آخر كه منون است در وصل بكسر نون تنوين ملفوظ
ميشود ٥ وباقي بحركه آخر كلمه اوّل ظاآت ١٧
لعذاب عظيم ٥ ظنّ المؤمنون ٥ فيه عذاب عظيم ٥
وهو عند الله عظيم ٥ بهتان عظيم ٥ يعظكم الله ٥ ولهم عذاب عظيم ٥
ويحفظوا فروجهم ٥ ويحفظن فروجهن ٥ ما ظهر منها ٥ لم يظهروا ٥ وموعظة ٥
يحسبه الظمآن ٥ او كظلمات ٥ ظلمات ٥ هم الظالمون ٥ من الظهيرة ٥

باشد ازواو الف بعد

سورة الفرقان ولا حيوة ٥ افترىه ٥ فقد جآؤ بحذف
مال هذا الرسول مقطوع اللام است مسئولا ءانتم ٥
وعتو بعد از واو الف نباشد در رسم وثمودا ٥ اسئلكم فسئل به
سلما سيّاتهم واجعلنا للمتقين صيغه امر است وبعد
از واو الف باشد ٥ وجيم ساكن باشد يعبؤ ابكم جيم مكتوب است
ياء ندا ٣ يليتني ٥ يويلتى ٥ يرب ٥ وحكم جمله معلوم است
حروف الف ١٧ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد ٥ هذا الرسول ٥
من تحتها الانهار ٥ علينا الملائكة ٥ على الكافرين ٥ هذا القرآن
موسى الكتاب ٥ فقلنا اذهبا ٥ الى القوم ٥ على القرية ٥ اهذا الذى
جعلنا الشمس ٥ على الحيّ ٥ على العرش ٥ وما الرحمن ٥
على الارض ٥ ربنا اصرف ٥ الى الله حروف واو ٤
كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد ٥ لا تدعوا اليوم ٥ ضلوا السبيل ٥
نسوا الذكر ٥ كذبوا الرسل ٥ وواوى كه در وقف ملفوظ
ميشود بحرف ليس در اين سوره نيست حروف يا ٦ كه در وقف
ملفوظ ميشود بحرف مد ٥ في الملك ٥ في السموات ٥ في الاسواق ٥

يٰليتني اتّخذت ه وابو عمرو در وصل بفتح يا ميخوانند ه انّ قومي اتّخذوا ه
نافع ه وابو جعفر ه وابو عمرو ه وبزّى ه در وصل بفتح يا ميخوانند ه
درين سوره ياات ثابت ومحذوف نيست همزات ۲
وصل مضمومه انظر كيف ه اسجدوا همزات ۹
وصل مكسوره افتريه ه اكتتبها ه استكبروا ه اتّخذت ه
اتّخذوا ه اذهبا ه اتّخذ ه استوى ه اصرف ه همز متطرفه
متحركه قل ما يعبؤا ه در وقف باسكان همز باشد ه وروم
واشمام نيز باشد ه وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوف باشد
وصل كلمتين ۸ نذيرا الذى ه افك افتريه ه
الاوّلين اكتتبها ه مسحورا انظر ه تنزيلا الملك ه يومئذ الحق ه
تفسيرا الذين ه خبيرا الذى ه آلجنّ منوّن است در وصل
بكسر نون تنوين ملفوظ ميشود ه ومسحورا انظر نزد عاصم
وحمزه ويعقوب ه وابو عمرو ه وازباقيان در اين كلمه ضمّ نون
تنوين باشد ظاات ۹ ظلما وزورا ه وقال الظالمون ه
انظر كيف ه تغيّظا وزفيرا ه ومن يظلم ه الظالم على يديه ه

للظالمين

للظالمين عذابا اليما ه مدّ الظلّ ه على ربّه ظهيرا ه
سورة الشعراء طسم انبؤا ما كانوا ائنّ لنا
ءامنتم ولاوصلّبنّكم ه واكر خواهند وانتوانند ولاصلّبنّكم
خطايانا ودر رسم هر دو الف نباشد ترا الجمعان بحذف يا
در وقف لام الفعل مكتوب است اين ما كنتم تعبدون هو وجه است
در بعض مصاحف مقطوع است ودر بعضى موصول اسئلكم
فى ما هاهنا مقطوع است بخلاف علمؤا بنى اسرائيل
بواو وصورت همزه مكتوب است در بعضى مصاحف والف بعد از واو
ودر بعض مصاحف علماء بر قياس است ومجيز است در فاطر
يؤتك ياء ندا ۲ كه محذوف الالف است در رسم ومتّصل
عنادى ه ينوح ه يلوط ه حرف الف ۱۱
كه در وقف ملفوظ ميشود ترى ه الى الارض ه وانا من الضالّين
ترا الجمعان ه وحمزه وكسائى وخلف باماله همزه ميخوانند
در وقف ه وحمزه را اماله را باشد در حالين ه وورش را
در همزه فتح وبين بين باشد ه وباقيان را فتح باشد ه واماله را مخصوص

ثمّ اغرقنا الاٰخرين ۝ مَن اتی الله ۝ الّا المجرمون ۝ وما انا بطارد المؤمنين ۝
اِن انا الّا نذير ۝ ودرين كلمه قالون را خلاف باشد قصر وتوسّط ومدّ
وديگر محذوف ۝ ثمّ دمّرنا الاٰخرين ۝ على العرش ۝ الّا الّذين ۝

حرف واو ۳۰ كه در وقف ملفوظ ميشود نه در وصل ۝
فاتّقوا الله ۝ واتّقوا الّذی ۝ اَوْفوا الكيل ۝ ولا تبخسوا النّاس ۝
وعملوا الصالحات ۝ وذكروا الله كثيرا ۝ حرف واو ۱
كه در وقف ملفوظ ميشود نه در وصل يک موضع است ۝ يَرَوُا العذاب ۝

حرف يا ۷ كه در وقف ملفوظ ميشود نه در وصل
فی المدائن ۝ فی الفلک ۝ فی الارض ۝ فی الغابرين ۝ فی الساجدين ۝
يا آت ثابت كه نظر محذوف است در رسم نيست ياآت
محذوف ۱۶ اَن يكذّبون ۝ اَن يقتلون ۝ سيهدين ۝
فهو يهدين ۝ ويسقين ۝ فهو يشفين ۝ ثمّ يحيين ۝ واطيعون ۝
هشت موضع ۝ قوم كذّبون ۝ يعقوب جمله را در حالين با اثبات
يا ميخواند و باقيان بحذف يا ۝ همزات وصل مضمومه در رسم نيست
همزات ۵ وصل مكسوره ۝ ايتِ القومَ ۝ اِتّخذتَ ۝

الیس

الف
سنن باقيان
صح

اَنِ اَسْرِ ۝ نزد نافع وابوجعفر وابن كثير كه صيغه امر باشد وباقيان
اَسْرِ بهمزه قطع ميخوانند كه صيغه واحد متكلّم باشد ۝ اِضْرِب ۝
اِتّبعك همزات ۲ متطرفه متحركه للملأ ۝ عليهم نبأ ۝
هر دو در وقف باسكان حمزه باشد ودر اوّل روم نيز باشد
وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوف باشد وصل كلمتين
العالمين الّذی ۝ نوح المرسلين ۝ عاد المرسلين ۝ المسرفين الّذين ۝
لوطِ المرسلين ۝ آخر منوّن است در وصل بكسر نون تنوين
ملفوظ ميشود وباقی بحركه آخر كلمه اوّل ظاات ۱۷
فظلّت ۝ القومَ الظالمين ۝ للنّاظرين ۝ لغائظون ۝ كالطّود العظيم ۝
فنظلّ لها ۝ يوم عظيم ۝ اَوَعظتَ ۝ مِن الواعظين ۝ يوم عظيم ۝
وان نظنّك ۝ يوم الظلّة ۝ يوم عظيم ۝ نحن منظرون ۝ وما كنّا ظالمين ۝
ما ظلموا ۝ الّذين ظلموا سورة النّمل رَاٰها وقالا الحمد
ودر وقف بالف بيايد ترضٰه لأاذبحنّه مِن سبأٍ بنبأٍ
يَسْجُدُوا الخَبْءَ بحذف الف باشد المَلؤُا هر سه موضع جز نوشته
اٰتٰنِ الله ممّا اٰتٰكم رَاٰهُ ءَاَشكر اُدخلِي الصّرح باثبات يا باشد
ودر وقف يای محذوف دی مفتوحه بيايد
قالوا اطّيّرنا صح
ودر وقف واو دی
وديگر در همزات مكسوره بيابد

ائمّة كم وسلم الله خير ذات بهجة بتا مکتوب است
ءاله هر پنج موضع چنین مکتوب است يبدؤا الخلق
بل ادّارک و در همزه مکسور بیاید ءاذا ترابا ائنا الذی هم
بهادی بیا مکتوب است و در وقف یا مدی بیاید جاءو
بحذف الف بعد از واو باشد اتلوا القرآن و در وقف واو مدی بیاید
یاء ندا ۸ که محذوف الالف است در رسم و متصل است عبادی
یموسی یا ایها یقوم حرف الف ۲۷
که در وقف ملفوظ میشود نه مدّ هدی لتلقی القران
انّی انا الله وقالا الحمد لله یا ایها الناس یا ایها النمل ادخلوا
لا اری الهدهد یا ایها الملؤا انا اتیک دو موضع و نافع
وابوجعفر در وصل بمدّ انا میخوانند و ورش را مدّ طویل باشد
و قالون را توسط و قصر و ابوجعفر را قصر واوتینا العلم
لها ادخلی الصرح وانجینا الذین الا امراته تعالی الله
الا الله هذا الوعد علی الناس هذا القران لهدی
علی الله علی الحق جعلنا الیل وتری الجبال انا من المنذرین

و در کسر دوم بحذف یا باشد و در محل خفض بیاید وحمزه تهدی میخوانند
ع

ورداد

حرف واو ۳ که در وقف ملفوظ میشود نه مدّ
ان اعبدوا الله قالوا اطّیّرنا وان اتلوا القران این موضع
در وصل بفتح واو است و واوی که در وقف ملفوظ میشود نه
لیس در این سوره نیست حرف یا ۱۲ که در وقف
ملفوظ میشود نه مدّ فی النار فی السموات ادخلی الصرح
فی المدینة فی الارض فی السماء بهادی العمی و در قراءة
حمزه تهدی العمی باشد بتاء مفتوح و اسکان ها و نصب یاء العمی
فی الصور و در این سوره یاء ثابت که نظیر محذوف است نیست
یاءات محذوف ٤ علی واد حتی تشهدون
قال اتمدوننی فما اتین الله حمزه و یعقوب
اتمدونّی بیک نون مشدد میخوانند و مدّ واو مدّ لازم
باشد نزد ایشان و ابن کثیر و حمزه و یعقوب در حالین باثبات
یا میخوانند و نافع و ابوجعفر و ابوعمرو در وصل و باقیان
بحذف یا میخوانند فما اتین الله قالون و حفص و ابوعمرو
در وصل بفتح یا میخوانند بی خلاف و در وقف باثبات و حذف هر دو
میخوانند
ع

وروَیس در وصل بفتح یا میخوانند و در وقف باثبات یا
و ورش و ابوجعفر در وصل بفتح یا میخوانند و در وقف
بحذف یا و روح در وصل بحذف یا میخوانند و در وقف
باثبات یا و باقیان در حالین بحذف یا میخوانند و موضع
اوّل علی وادِ یعقوب و کسائی در وقف باثبات یا
میخوانند و باقیان بحذف یا حتّی تشهدونِ یعقوب
در حالین باثبات یا میخوانند و باقیان بحذف یا
همزات وصل مضمومه ٣ اُدخلوا اُدخل اُعبدوا
همزات وصل مکسوره ٨ اِذهب اِرجع و تفخیم را اِمْرَاَةً صح
محقق است اِطّیّرنا اِمراته اِصطفی اِدّارک بخلاف
ابن کثیر و ابوجعفر و ابوعمرو و یعقوب بَلْ اَدْرَکَ
میخوانند بهمزه قطع و اسکان دال از باب اِفعال
و باقیان بهمزه وصل میخوانند و تشدید دال و الف بعد از
دال در رسم محذوف باشد و بقیاس باشد از باب
اِفّاعُل اِهتدی همزات ٦ متطرفه متحرکه

مرسا

مِن سَبَاٍ بنباٍ الملؤا یبدؤا این جمله در وقف باسکان همزه
باشد و در همه رَوم باشد و در دو موضع آخر که چهار موضع
اشمام نیز باشد و حمزه و هشام را وجوه مخصوص خواهد باشد
و بزی و ابوعمرو مِن سَبَاَ در وصل بفتح همزه میخوانند و باقیان
بخفض و تنوین. وصل کلمتین ٦ للمؤمنین الذین
وَجَدتُّ امْرَاةً وما یعلنون الله مِن الکاذبین اذهب
تفرحون ارجع الذین اصطفی جمله در وصل بکسر آخر کلمه
اوّل ملفوظ میشود ظاات ١٦
الارض ظلم ظُلمًا و عُلوًّا فانظر کیف عرش عظیم العرش العظیم
قال سننظر فانظر ماذا فانظری ماذا فناظرة عرشها ننظر
ظَلمتُ نفسی فانظر کیف ما ظلموا فی ظلمات فانظروا کیف
ما ظلموا انفسهم سورة القصص طسم
علا فی الارض بالف مکتوب است اَئِمَّةً وهامن و اکثر بقیاس
نویسند الف بعد از میم باشد و هامان فالتقطه با الف
کشیده باشد خاطئین وقالت امرات فرعون بتا مکتوب است

قُرَّتُ عينٍ لى ولك بتا مكتوب است اَقْصَا المدينة بالف
مكتوب است و در وقف بالف بيايد اِحدٰيهما يٰاَبت
استاجِرْهُ بتا مكتوب است اَتٰيهَا رَاٰهَا اَنشاٰنا
اٰتٰيهم فان لم يستجيبوا لك بنون مكتوب است هَوٰيه
السيّئة سَلٰم لا نبتغى الجاهلين مُهلكى القرىٰ الّا
هر دو بيا مكتوب است و در وقف بيا و مدّ بيايد شركاى
لتنوأ اٰتٰيك الله ولا تبغ الفساد لى بيا مكتوب است وملفوظ بسبب
لا نهى ولا يُسْئَلُ لَهُ وحظٍ بحذف الف بعد از واو باشد
ولا يُلقّٰها فِئَة وَيكانّ الله ويكانّه جنبر مكتوب است در رسم
وكسائى بريا وقف ميكند در هر دو وابو عمرو بر كاف يعنى
وَىْ وَيْلك وباقيان بنون وكسائى را ابتدا به كاف
باشد كانّ كانّه وابو عمرو را به همزه اَنّ اَنّه وباقيان را
يك كلمه باشد ياء ندا ٨ كه محذوف الالف است در رسم
ومتّصل است بمنادى يٰموسى يٰاَبت يٰاَيّها الملأ
يهامان وحكم جمله معلوم است حرف الف ٢٢

كه در وقف ملفوظ ميشود بى مدّ على الّذين على الّذى
فاذا الّذى من اقصا المدينة الى الظّلّ على استحياء
اِحدى ابنتىّ اَيّمَا الاجلين موسى الاجل اَنا الله
ومن اتّبعكما الغالبون مُفترىً واٰبائنا الاوّلين
يا اَيّها الملأ على الطّين الى النّار موسى الكتاب
اهلكنا القرون وهُدىً الّا الصّابرون فلا يجزى الّذين
حرف واو ٣ كه در وقف ملفوظ ميشود بى مدّ
واذا سمعوا اللّغو اُوتوا العلم عملوا السيّئات
حرف واو ١ كه در وقف ملفوظ ميشود بى لين وَرَاَوا العذاب
حرف يا ٢٥ كه در وقف ملفوظ ميشود بى مدّ
فى الارض فى اليمّ نجزى المحسنين الّذى استنصره
فى المدينة فى البقعة لا يهدى القوم الظالمين لا نبتغى الجاهلين
وما كنّا مهلكى القرى فى الاولى اولى القوّة
ياء ثابت ١ اَن يهدينى ياءات محذوف ٣
الواد اَن يقتلونِ اَن يكذّبونِ يعقوب موضع اوّل را

در وقف باثبات یا میخوانند و موضعین دیگر در حالین
و ورش موضع آخر را در وصل باثبات میخوانند و باقیان جمله
بحذف یا میخوانند همزات وصل مضمومه ٤
اُستُضعِفوا اُمکثوا اُسلُك اُدعُوا همزات وصل مکسوره ٩
اِمرات اِستَنصَرَه اِمراتین
اِستحیاء اِستاجِر اِستاجَرت اِبنَتَیّ اِتبعکما
اِتبع همزات متطرفه متحرکه ٤ مِن نَبَإِ
اِنّ المَلَأَ مِن شاطِئِ یا ایها المَلَؤُا این جمله در وقف
باسکان همزه باشند و در اول و سوم روم نیز باشند و در
چهارم روم و اشمام و حمزه و هشام را وجوه مخصوص خوف باشد
وصل کلمتین ٢ مِنَ الآمنین اسلُك یتذکرون الذین
هر دو بحرکة آخر کلمهٔ اول ملفوظ میشود ظاآت ١٦
ظلمت نفسی ظهیرا للمجرمین مِن القوم الظالمین الی الظل
مِن القوم الظالمین لا یفلح الظالمون وانی لاظنه
وظنوا انهم فانظر کیف کان عاقبة الظالمین تظاهرا وقالوا

لايهدي

٦٠

للكافرين
لایهدی القوم الظالمین واهلها ظالمون ذو حظ عظیم ظهیرا
سورة العنكبوت الٓمٓ السیئات ٣ لآت
سیاتهم خطایاکم خطایاهم هر دو بقیاس است ولیسئلن
الف سنة النشاة یئسوا فانجیه وماویکم ءانکم موضع اول
ائنکم موضع ثانی صورت همزه بیا باشد وثمود الارتاب بر کلمه است
علیه آیات مرد بیه بتا مکتوب است بجمع و افراد و محذوف
الالف است در رسم یغشیهم وکاین سالتهم فاحیا به بالف
نجیهم یاءات ٢ که محذوف الالف است در رسم و متصل است عنادک
یقوم یعبادی الذین وحکم جمله معلوم است واو الف ١١
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد فتنا الذین ووصینا الانسان
علی الرسول الا البلغ علی الله انما اتخذتم علی القوم
الا امراته الا امراتك الا العالمون الا الذین الا الکافرون
الا الظالمون انما الآیات انا نذیر مبین مسمی
من تحتها الانهار رزقها الله الی البر مثوی للکافرین
واو ١٠ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد

وعملوا الصالحات ○ اٰمنوا اتّبعوا ○ اُعبدوا الله ○ ان قالوا اقتلوا ○
ان قالوا ائتنا ○ وارجوا اليوم ○ اوتوا العلم حرف ١ واو
كه در وقف ملفوظ میشود بی لیس یک موضع است ○ دعوا الله ○
حرف ١٣ یا که در وقف ملفوظ میشود بی مدّ ○
فی الصالحين ○ فی الله ○ فی الارض ○ فی السماء ○ فی الحيوة ○
فی الدنيا ○ فی الاخرة ○ فی السموات ○ فی الفلك ○ يا عبادی
الذين اٰمنوا بخلاف است ○ نافع وابو جعفر وابن كثير وابن عامر
وعاصم در وصل بفتح یا میخوانند ○ وباقیان بحذف یا ○ ودر وقف
باثبات یا میخوانند ○ ویاء ثابت که نظیر محذوف است درین
سوره همین یک موضع است یاء محذوف ١
فایای فاعبدون ○ یعقوب در حالین باثبات یا میخواند وباقیان
بحذف یا ○ همزات ٥ وصل مضموم اُعبدوا الله ○
اُقتلوا ○ اُنصرني ○ همزات ٨ وصل مکسور
اِتّبعوا ○ اِتّخذتم ○ اِيتنا ○ امرأته ○ امراتك ○ اِتّخذوا ○ اِتّخذت ○
اِفترى ○ همزات ٣ متطرفه متحرکه كيف يبدئ ○

كيف يبدا

كيف يبدا ○ ينشئ ○ در همه اسکان همزه باشد در وقف ○ ودر
اول وآخر روم واشمام نیز باشد ○ وحمزه وهشام را وجوه
مخصوص خود باشد وصل کلمتین ٣ العالمين الذين ○
فانّى يؤفكون الله ○ جمله بحرکت آخر کلمه اول ملفوظ میشود
ظاءات ٨ وهم ظالمون ○ فانظروا کیف ○ کانوا ظالمین ○
ليظلمهم ○ يظلمون ○ ظلموا منهم ○ الا الظالمون ○ ومن اظلم ○
سورة الروم الم بلقای ربهم صورت همزه
بیا مکتوب است ○ ودر وقف بسکون همزه باشد ○ اساؤا السوای ○
ودر وقف واو مدی بیاید ○ يبدؤا الخلق شفعؤا وکانوا
بواو مکتوب است والف بعد از واو باشد ولقای الاخرة
صورت همزه بیا مکتوب است ○ ودر وقف بسکون همزه باشد مثل
موضع اول ○ وروم نیز باشد ○ وحمزه وهشام را تخفیف رسمی
وقیاسی در هر دو باشد ○ من ما ملکت ایمانکم مقطوع
است بی خلاف ○ فی ما رزقناکم دوم است در اکثر مصاحف
مقطوع است ○ ودر بعضی موصول فطرت الله بتا مکتوب است

مِن رِبًا بواو ۰ واكر خواهند مِن رِبوًا بواو ليربوا بعد از
واو الف باشد ۰ ونافع وابو جعفر ويعقوب لتربوا بتاء
مضموم ميخوانند وسكون واو بصيغه جمع مذكر مخاطب
وباقيان فتح يا وفتح واو باشد بصيغه واحد مذكر غائب
ودر وقف واو مدى بيايد ۰ آثارِ رحمتِ الله بتا مكتوب است
بهادِ العمى درين سوره بحذف يا باشد واز قسم محذوفات است
ودر محل خوف بيايد ۰ ياء نـدا ويا ثابت وهمزه وصل مضموم
درين سوره نيست حرف الف ۸ كه در وقف ملفوظ ميشود حرف مده
اَدْنى الارض ۰ مسمًّى ۰ فامّا الّذين ۰ وامّا الّذين ۰ اذقنا النّاس ۰
فآت ذا القربى ۰ فترى الودق ۰ في هذا القران
حرف واو ۶ كه در وقف ملفوظ ميشود حرف مده ۰
واثاروا الارض ۰ اساؤا السّوأى ۰ وعملوا الصالحات ۰
واقيموا الصّلوة ۰ ليربوا في ۰ واين موضع بفتح واو است وگفته شد ۰
اوتوا العلم حرف يا ۱۲ كه در وقف ملفوظ ميشود حرف مده ۰
في الارض ۰ في العذاب ۰ في السموات ۰ ويحي الارض ۰ في البر ۰

ايدى الناس

ايدى النّاس ۰ في السّماء ۰ يحي الارض ۰ لمحي الموتى ياء محذوف ۱
وما انت بهادِ ۰ وحمزه تهدى العمى ميخوانند ۰ ويعقوب
وحمزه وكسائى در وقف باثبات يا ميخوانند ۰ وباقيان بحذف يا
همزه وصل مكسوره اتّبعَ الّذين ۰ همين يك موضع است ۱
همزه متطرفه متحركه يبدؤا دو موضع در وقف باسكان همزه باشد ۲
وروم واشمام نيز باشد ۰ وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوف باشد
وصل كلمتين ۴ بما يستهزؤن الله ۰ نصر المؤمنين الله ۰
هم المضعفون الله ۰ فهم مسلمون الله ۰ جمله كه آخر كلمه اول ملفوظ ميشود ۰
ظاآت ۱۱ يعلمون ظاهرًا ۰ فينظروا كيف ۰ ليظلمهم
يظلمون ۰ وحين تظهرون ۰ ظلموا اهواءهم ۰ ظهر الفساد ۰
فانظروا كيف ۰ فانظر الى ۰ لظلّوا من ۰ ظلموا معذرتهم ۰
سوره لقمان الم لقمان لابنه ويك كلمه است
سالتهم بالعاس ۰ ولو انّما في الارض بخلاف است در اكثر
مصاحف موصول است ودر بعضى مقطوع وانّ ما
تدعون مقطوع است بخلاف بنعمت الله ليريكم بتا مكتوب است

به لام الف ... و ب ...

جزء ...

یاء زائد ٤ کہ محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی کہ
یبنیّ ۰ یایها طریق قیاس و حکم یک کلمہ معلوم است

حرف الف ١٥ کہ در وقف ملفوظ میشود بی مدّ ۰ هدًی ۰
ووصّینا الانسان ۰ بہا الله ۰ الی الله ۰ والی الله ۰ مسمًّی ۰
الی البرّ ۰ یایها النّاس حرف واو ١ کہ در وقف ملفوظ
میشود بحرف مدّ ۰ وعملوا الصالحات ۰ همین یک موضع است
و یک موضع دیگر ملفوظ میشود بحرف لین ۰ دعوا الله ۰
حرف یا ١٤ کہ در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰
فی الارض ۰ فی الدّنیا ۰ فی السّموات ۰ فی الله ۰ فی النّهار ۰ فی الّیل ۰
فی البحر ۰ ما فی الارحام ۰ در این سورة یاء ثابت و یاء محذوف
و همزه متطرفه متحرکه نیست همزات وصل مضمومه ٢
اُشکروا ۰ همین موضع است همزات وصل مکسوره ٣ اتّبعوا ۰
استمسک ۰ اتّقوا ۰ وصل کلمتین ١ للمحسنین الّذین ۰
ظاءات ٧ بل الظّالمون ۰ و هو یعظه ۰
لظلم ۰ عظیم ۰ نعمه ظاهرة ۰ عذاب غلیظ ۰ کالظّلل دعوا ۰

سورة السجدة الٓمٓ افتریه اتیهم الف سنة
وبدأ سوّیه والافئدة ءاذا ءانّا بلقاء ربّهم این موضع
بی یاء صورت همزه مکتوب است یتوفّیکم ههنا لاملئنّ
والف خواهند لاملانّ لا یستون یک واو است فماویهم
ائمّة نسوق صیغه نفس متکلّم مع الغیر است یاء زائد
و یاء ثابت و یاء محذوف و همزه وصل مضموم در این سورة نیست
حرف الف ٩ کہ در وقف ملفوظ میشود بی مدّ ۰ علی العرش ۰
الی الارض ۰ بایتنا الذین ۰ امّا الّذین ۰ وامّا الّذین ۰
موسی الکتاب ۰ هدًی ۰ هذا الفتح حرف واو ١
وعملوا الصّالحات همین یک موضع است حرف یا ١
فی الارض همین یک موضع است همزات وصل مکسوره ٢
افتریه ۰ استوی همزه متطرفه متحرکه وبدأ ۰ در وقف
باسکان همزه باشد ۰ وحمزه و هشام را ابدال باشد بالف
وصل کلمتین ٣ یهتدون الله ۰ العزیز الرّحیم الّذی جمله حرکة آخر کلمه اوّل
ظاءات ٤ ومن اظلم ۰ ولا هم ینظرون ۰ وانتظر انّهم منتظرون

و واو لینی در وقف
ملفوظ میشود

سورة الاحزاب أزواجكم اللائى النبيين ليسئل
الظنونا بالف سئلوا الفتنة ودر وقف والو مدى بيايد
مسئولا يسألون عن انبائكم اكر خواهند بالف نويسند واكر خواهند
يسئلون بر قياس نظاير ش المؤمنون بى ياء لام الفعل مكتوب
است ودر وقف والف بيايد لم تطؤها تخشنه لكى لا
يكون موضع اول مقطوع است أبا أحد سلم ودع أذاهم
اللائى هاجرن لكيلا يكون موضع ثانى موصول است
وتؤوى إنئه ولكن سألتموهن فسئلوهن من وراء
اين ما ثقفوا دو وجه است در بعضى مصاحف مقطوع است
ودر بعضى موصول يسئلك الرسولا السبيلا بالف والغنم
ياء نداء ١٤ كه محذوف الالف است در رسم ومتصل است بمنادى
يا أيها يا أهل يا نساء يليتنا وحكم جمله معلوم است
حرف الف ٣٩ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد
يا أيها النبى على الله وعيسى ابن مريم يا أيها الذين الظنونا
هنالك خلاف ما وعدنا الله قرمن ذا الذى على الخير المؤمن

وكن

أاتخذنا وما عملته بخير است باضمير وبى ضمير ودر مصاحف
كوفه بى ضمير است كالعرجون كاف تشبيه است متكئون
سلم قولا أن لا تعبدوا الشيطان بنون مكتوب است
ولو نشاء بى واو است ياء نداء ٥ كه محذوف الالف است
در رسم ومتصل است بمنادى يقوم يليت يحسرة
يؤيلنا يبنى حكم جمله معلوم است حرف الف ١٣
كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد الى الاذقان اذ جاءها المرسلون
الا البلاغ من اقصا المدينة لا الشمس ولا اليل
هذا الوعد على الارائك ايها المجرمون اصلوها اليوم
فما استطاعوا على الكافرين يحييها الذى
حرف واو ٤ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد
اتبعوا المرسلين وامتازوا اليوم لا تعبدوا الشيطان
فاستبقوا الصراط وواو لكيلا در سورة نيست حرف ياء ٥
كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد نحى الموتى فى الفلك فى الصور
فى الخلو يحى العظام ياء ثابت وان اعبدونى

یاآت ۳ محذوف إن یردنِ ولا ینقذونِ
فاسمعونِ یعقوب همه را باثبات یا میخوانند موضع
اوّل در وقف و موضع آخر در حالین و ابوجعفر اوّل را
در وصل بفتح یا میخوانند و در وقف باسکان یا و ورش
موضع ثانی را در وصل باثبات یا میخوانند و در وقف بحذف
و باقیان همه را بحذف میخوانند همزات ۲ وصل مضمومه
اُدْخُلِ الجنّة اُعْبُدُونی همزات ۷ وصل مکسوره
اِتّبِعَ الذِّکر اِثْنَیْنِ اِتّبعوا اِتّقوا اِصْلوها اِستطاعوا
و همزه متطرّفه و متحرّکه درین سوره نیست وصل کلمتین ۹۰
المرسلین اتّبعوا توعدون اصلوها تکفرون الیوم
علیمٌ الّذی این موضع که منوّن است در وصل بکسر نون تنوین
ملفوظ میشود و باقی بحرکت آخر کلمه اوّل ظاآت ۵
مُظلِمون ما ینظرون لا تُظلَم فی ظِلَلٍ العِظام
سورة والصّافات اَم مَن خلقنا مقطوع است
ءاذا متنا ءانّا مسئولون ائنّا لتارکوا صورت همزه بیا مکتوب است

قرأة قالون وابوجعفر وابن عامر باسکان ... او اباؤنا بفتح واو ... صح

۲ انّکم

فی الغرفٰت بتا مکتوب است بجمع و افراد و حمزه بافراد میخواند
و باقیان بجمع قل ما سألتکم بالف است و مقطوعات درین سوره نیست
یاءِ نداء ۱ یجبال اوّبی معه و حکمش معلوم است
حرف الف ۱۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّه
لا تأتینا السّاعة و یری الّذین علی الله الّا الکٰفرون
القری الّتی قُرًی فیها السّیر هُدًی هذا الوعد
بهذا القرآن و جعلنا الاغلال مُفتری حرف واو ۹۰
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّه اُوتوا العلم قل
ادعوا الّذین قالوا الحقّ و اسرّوا النّدامة واوِ ۹
لینی یک موضع است راوا العذاب حرف یا ۱۳
که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّه فی السمٰوٰت فی الارض
فی الارض فی العذاب فی السّرد من عبادی الشّکورِ
نذیر حمزه که در وصل بحذف یا میخواند و باقیان بفتح یا
یاء ثابت که نظیر محذوف است درین سوره نیست یاآت
محذوف ۲ کالجوابِ کان نکیرِ یعقوب هر دو را در حالین

... درین سوره نیست ... صح

باثبات یا میخوانند و ابن کثیر موافق است در موضع اول و ورش
هردو را در وصل با ثبات میخوانند و ابوعمرو در اول
و باقیان بحذف یا میخوانند **همزات ۴ وصل مضمومه**
اُدعُواه اُستُضعِفُوا **همزات ۶ وصل مکسوره**
اِعمَل ه اِعملواه اِستکبروا ه اِهتَدَیتُ **همزات ۲**
متطرفه متحرکه لقد کان لسباء ه و ابوعمرو و بزی
در وصل بفتح همزه میخوانند ه و ما یُبدِئُ ه هردو در وقف
باسکان همزه باشد ه و در اول روم نیز باشد غیر از ابوعمرو
و بزی ه و در ثانی روم و اشمام باشد از برای همه و حمزه
و هشام را وجوه مخصوص خود باشد **وصل کلمتین ۱**
راسیاتٍ اعملوا ه در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود
ظاآت ۸ قُریً ظاهرةً ه وظلموا انفسهم ابلیس ظنّه ه
کلّ شیءٍ حفیظ ه من ظهیرٍ ه اذ الظالمون للذین ظلموا ه اعظم
سوره فاطر و ثُلُثَ ه و رُبعَ یا ایها الناس اذکروا
نعمت الله علیکم بتا مکتوب است فراٰه حسنًا ه من عباده ه

العلماؤا

العلمٰؤا بواو مکتوب است در مصاحف عراق ه و در باقی مصاحف
العلماءُ برقیاس **و لولؤا** فهم علی **بیّنات** بتا مکتوب است
بجمع و افراد ه الّا **سُنّت** الاوّلین ه فلن تجد **لسنّت**
الله تبدیلاً ه و لن تجد **لسنّت** الله تحویلاً ه بتا مکتوب است هر سه موضع
یاء نداء ۳ یا ایها سه موضع و حکمش معلوم است ه
حروف الف ۲۱ که در وقف ملفوظ میشود نه وصل
یا ایها الناس ه و الی الله ه علی الله ه و تری الفلک ه مسمًّی ه
ما استجابوا ه و لا الظلمات ه و لا النّور ه و لا الظّلّ ه
و لا الحرور ه و لا الاموات ه یخشی الله ه ثمّ اورثنا الکتاب ه
عنّا الحزن ه من احدی الامم **حروف واو ۴** که در وقف
ملفوظ میشود نه وصل ه و عملوا الصّالحات ه و اقاموا الصّلوة ه
و قالوا الحمد لله ه و واو لینی در این سوره نیست **حروف یا ۱۳**
که در وقف ملفوظ میشود نه وصل ه فی الخلق ه و ما یستوی البحران ه
فی النّهار ه فی الّیل ه و ما یستوی الاعمی ه و ما یستوی الاحیاء ه
فی القبور ه فی الارض ه فی السّموات ه و یاء ثابت که نظیر محذوف است در

يا محذوف ١ فكيف كان نكير ۝ يعقوب در حالين باثبات
يا ميخوانند ۝ وورش در وصل ۝ وباقيان بحذف يا همزه وصل
مضمومه ١ اذكروا ۝ همين يك موضع است همزات وصل
مكسوره ٣ استجابوا ۝ اصطفينا ۝ استكبارا ١ همزات
متطرفه متحركه ٢ ومكر السيئ ۝ المكر السيئ ۝ هردو
در وقف باسكان همزه باشد ودر اول روم نيز باشد
ودر ثانى روم واشمام ۝ وحمزه موضع اول در وصل باسكان
همزه ميخواند ۝ ودر وقف وجوه مخصوص خود دارد باهشام
در هردو موضع ۝ وصل كلمتين ٤ السحير الذين ۝ الذين
اصطفينا ۝ شكور الذى ۝ نفورا استكبارا ۝ موضع
اول بحركة آخر كلمه اول ملفوظ ميشود ودر وصل ومنون بكسر نون تنوين
ظاآت ٨ ولا الظلمات ۝ ولا الظل ۝ فمنهم ظالم ۝
فالظالمين ۝ يعد الظالمون ۝ فهل ينظرون ۝ فينظر وكيف ۝
على ظهرها سورة يس ء انذرتهم ائن ذكرتم
من اقصا المدينة بالواحدة ودر وقف با الف ميايد ۝ من لا يسئلكم

وكفى الله ۝ لها العذاب ۝ قضى الله ۝ ما الله ۝ وتخشى الناس ۝ على المؤمنين ۝
على النبى ۝ الا الله ۝ الى النور ۝ الى الله ۝ ما اكتسبوا ۝ اطعنا الله ۝ بما تعملون
واطعنا الرسولا وقالوا ۝ السبيلا ربنا ۝ عرضنا الامانة ۝ بخلاف
على السموات ۝ وحملها الانسان ۝ وسه موضع كه بخلاف است
الظنونا ۝ الرسولا ۝ السبيلا ۝ نافع وابو جعفر وابن عامر وابو بكر
باثبات الف ميخوانند در وصل ووقف ۝ وابو عمرو ويعقوب
وحمزه بحذف الف ميخوانند در حالين ۝ وابن كثير وحفص وكسائى
وخلف اختيار در وصل بحذف الف ميخوانند ودر وقف باثبات الف
حرف واو ١٠ كه در وقف ملفوظ ميشود بحركه ۝ واولوا الارحام ۝
امنوا اذكروا الله ۝ سئلوا الفتنة ۝ عاهدوا الله ۝ يرجوا الله ۝
امنوا اتقوا الله ۝ و واوى كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف لين
و يا آت ثابت ۝ و محذوف در رسم نيست حرف يا ٩
كه در وقف ملفوظ ميشود بحركه ۝ يهدى السبيل ۝ فى الدين ۝
فى الكتاب ۝ فى الذين ۝ يؤذى النبى ۝ فى الدنيا ۝ فى المدينة ۝ فى النار
همزات وصل مضمومه ٤ ادعوهم ۝ اذكروا الله ۝ ابتلى ۝
ودر وقف باسكان بايد
نحن

همزات ٦ وصل مکسور اِئْتُوا الله ٥ ابن مریم ٥ اِئْتَغَيْتَ ٥
اِکْتَسَبُوا ٥ اِحْتَمَلُوا ٥ اِتَّقُوا الله همزه متطرفه متحرکه ١
تُرْجِئ ٥ ابن کثیر وابو عمرو وابن عامر وابو بکر باثبات همزه
میخوانند در وصل بضم همزه و در وقف باسکان همزه وباقیان
بحذف همزه میخوانند در حالین یعنی بسکون یا وصل کلمتین ٣
السّبیلَ اُدْعُوهم ٥ رحیمًا النّبیّ ٥ مقدورًا الذین ٥ آخر منون است
در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود و اول بحرکت آخر کلمه اول
ظاات ١٧ تظاهرون ٥ میثاقًا غلیظًا ٥ وتظنّون
بالله الظّنونا ٥ ینظرون الیک ٥ من ینتظر ٥ بغیظهم ٥
ظاهروهم ٥ اجرًا عظیمًا ٥ والحافظین ٥ والحافظات ٥ واجرًا
عظیمًا ٥ من الظلمات الی النور ٥ ناظرین انیه ٥ عند الله عظیمًا ٥
فوزًا عظیمًا ٥ ظلومًا جهولًا ٥ سورة سبا
والذین سَعَوْ بحذف الف بعد از واو مکتوب است فی مسکنهم
قل لا تُسْئَلون ولا نُسْئَل جَزآءُ الضِّعْف رواه است
ورویس جزآءً بنصب وتنوین میخوانند الضِّعفُ برفع فا

در روم و اشمام نیز باشد ع

نی

ءَاِنَّکَ لمن المصدّقین ءاذا متنا ءانّا فمالئون لاالی
و در الف نیز شاید لاالی بسلم ایفکًا صورت همزه بیا مکتوب است
یا اَبَتِ افعل بتا مکتوب است ٥ قد صدّقت الرّءیا
واو است البلٰؤا المبین صورت همزه بواو مکتوب است
اِلْ یاسین مقطوع اللام است بهر دو قراة ونافع
ویعقوب وابن عامر آلِ یاسین میخوانند مثل آل محمّد
ونزد ایشان دو کلمه باشد وباقیان بکسر همزه میخوانند واسکان لام
ونزد ایشان یک کلمه باشد فالتقمه فا بالف نویسند مایة
یاء ندا که محذوف الالف است در رسم ومتصل است عنادک
یلویلنا ٥ یٰبُنَیَّ ٥ یا اَبَتِ ٥ یا ابرٰهیم ٥ وحکم جمله معلوم است
حروف الف ٢٠ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ
زینّا السماء ٥ الی الملاء ٥ اَوَ اٰباؤنا الاوّلون ٥ اِلّا الله ٥ الّا موتتنا الاولی
منها البطون ٥ لالی الجحیم ٥ من عبادنا المؤمنین ٥ ثمّ اغرقنا الاخرین
واٰتینا هما الکتاب ٥ وهدینا هما الصّراط ٥ ثمّ دمّرنا الاخرین ٥
الی الفلک ٥ ام خلقنا الملٰئکة ٥ علی البنین ٥ لعبادنا المرسلین ٥ علی المر

حرف واو ۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ
اُحشُروا الّذین ۝ لذآیقوا العذاب ۝ قالوا ابنوا ۝ و واو که
لیبنی در سوره نیست حرف یا ۱۴ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ
فی العذاب ۝ فی الاخرین ۝ فی العالمین ۝ نجزی المحسنین ۝ فی النجوم ۝
فی الجحیم ۝ فی المنام ۝ فی الغابرین ۝ یا ثابت در سوره نیست
یاات محذوف ۳ لتردین ۝ سیهدین ۝
الّا من هو صال ۝ یعقوب موضعین اوّل را در حالین
باثبات یا میخوانند و آخر بوقف ۝ و ورش اوّل را در وصل
باثبات میخوانند و باقیان جمله را بحذف میخوانند همزه
وصل مضمومه اُحشروا ۝ همزه یک موضع است همزات
وصل مکسوره ۳ اِبنوا له ۝ اِفعل ما تؤمر ۝ اِصطفی
نزد ابو جعفر که همزه وصل میخوانند بلفظ خبر و باقیان
بهمزه قطع میخوانند بلفظ استفهام همزه متطرفه متحرکه الی الملاء
الکلمتین تکذّبون احشروا ۝ الخالقین الله ۝ لکاذبون اصطفی
نزد ابو جعفر و باقیان اثبات همزه باشد بفتح

ظاات ۱۶ وحفظا ۝ وعظاما ۝ ینظرون ۝ الّذین ظلموا ۝
وعظاما ۝ الفوز العظیم ۝ فتنة للظالمین ۝ فانظر کیف
من الکرب العظیم ۝ فما ظنکم ۝ فنظر ۝ نظرة ۝ فانظر ماذا ۝
بذبح عظیم ۝ وظالم لنفسه ۝ من الکرب العظیم ۝
سورة ص ولات حین بقطع تا
مکتوب است برسم آکثر و موصول نیز گفته اند ءانزل
ذو الاوتاد بحذف الف بعد از واو باشد الایکة در قراة
بصریان و کوفیان اتیک نبؤا الخصم بواو مکتوب
است و مجنب نبؤ اعظم در آخر سوره والف بعد از واو
باشد بسؤال والیسع متکئین لاملئن و کرخواهند
لاملان اسئلکم یا ندا ۲ که محذوف الالف است
در ربکم و متصل است بمنادی ۝ یداود ۝ یابلیس ۝ وطریو هو معلو
حرف الف ۱۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۝
الّا اختلاق ۝ ذا الاید ۝ سخرنا الجبال ۝ الّا الّذین
خلقنا السماء ۝ ذکری الدار ۝ و ذا الکفل ۝ انا منذر ۝ الّا الله ۝

بینهما العزیز ٥ أنا نذیرٌ ٥ أنا خیرٌ منه ٥ وما انا من المتكلفین ٥
حرف واو ٦ که در وقف ملفوظ میشود نی هـ مدّ ٥
ذو الاوتاد ٥ اذ تسوّروا المحراب ٥ وعملوا الصالحات ٥
اولوا الالباب ٥ صالوا النار ٥ ودرین سوره اولی نیست
حرف یا ١١ که در وقف ملفوظ میشود نی و مدّ ٥ ذی الذکر ٥
فی الملة ٥ فی الاسباب ٥ فی الخطاب ٥ فی الارض ٥ فی الاصفاد ٥
مسّنی الشیطان نزد حمزه که در وصل نحو یا باشد ٥ لاولی الالباب ٥
اولی الایدی ٥ فی النار یاء ثابت ١ الایکة مهر است
یاآت محذوف ٢ یذوقوا عذاب ٥ فحق عقاب ٥
یعقوب هر دو را در حالین باثبات یا میخوانند ٥ وباقیان بحذف ٥
همزه وصل مضمومه ١ ارکض ٥ همین یک موضع است ٥
همزات وصل مکسوره ٤ امشوا ٥ اصبروا ٥ علی
اغفرلی ٥ اتخذناهم در قرائة ابوعمرو و یعقوب و حمزه
وکسائی و خلف اختیار ٥ وباقیان را همزه قطع مفتوح باشد در حالین
باستفهام ٥ استکبر ٥ همزات ٤٠ متطرفه متحرکه

وانطلق

وانطلق الملأ ٥ نبؤا ٥ نبؤا ٥ بالملأ جمله در وقف باسکان همزه باشد
و در همه روم نیز باشد ٥ و در غیر آخر اشمام نیز ٥ وحمزه وهشام را
وجوه مخصوص خود باشد وصل کلمتین ٥ الحساب اصبروا ٥
وعذاب ارکض ٥ الاشرار اتخذناهم نزد بصریان
وکوفیان غیر عاصم ٥ و از عاصم و باقیان بفتح همزه باشد ٥
و موضع ثانی که منون است عاصم و حمزه و ابوعمرو و یعقوب
در وصل بکسر نون تنوین میخوانند ٥ و باقیان بضم ٥ الا ابلیس استکبر ٥ است
بیدیّ استکبرت ٥ این موضع از همه بفتح همزه باشد در حالین که همزه قطع
ظاآت ٧ وما ینظر ٥ لقد ظلمک ٥ وظن داود ٥
ذلک ظن الذین ٥ نبؤا عظیم ٥ قال فانظرنی ٥ من المنظرین ٥
سورة الزمر فی ما هم فیه یختلفون دو وجه است ٥
در اکثر مصاحف مقطوع است ٥ و در بعضی موصول نیز آمده است
لاصطفی یک کلمه است ثلث هدیهم الله فتربه
فاتیهم ٥ فیه شرکاء بواو است ٥ ذلک جزاؤا المحسنین ٥ هو و هم
در بعضی مصاحف بواو مکتوب است ٥ و در بعضی جزاء بر قیاس است ٥

بالف

اَسْوَاَ الَّذِی ۰ وَمَن یهدِ اللّٰه بحذف یا مکتوب است ۰ ولئن سَاَلْتُم
اِشْمَئَزَّتْ واکرخوا هند اِشْمَاَزَّت بالف وما کانوا
فیه یختلفون دو وجه است ۰ در اکثر مصاحف مقطوع است
و در بعضی موصول نیز آمده است لَا فْتَدَوْا یک کلمه است
هَدٰینی تا مرکونی وجایٓءَ بالنَّبیّن در مصاحف
اندلس جنر مکتوب است سلم نَتَبَوَّاُ حیث نشاء بی واو است
باء نه ۵ قُل یٰعبادِ الَّذِینَ اٰمنوا ۰ یٰعبادِ فاتَّقونِ ۰
قُل یٰقومِ ۰ قُل یٰعبادیَ الَّذِینَ اسرفوا ۰ یٰحَسْرَتٰی ۰ ودو موضع
اوّل در محذوفات بیاید وف الف ۲۵ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰
اِلَی اللّٰهِ ۰ عَلَی النّهارِ ۰ علی الّیل ۰ مُسَمًّی ۰ یُوَفَّی الصّابرون ۰
مِن تحتها الانهار ۰ هُدَی اللّٰه ۰ فی هذا القرآن ۰ علی اللّٰه ۰ مثوی ۰
یتوفّی الانفس ۰ علیها الموت ۰ قد قالها الّذین ۰ تری العذاب ۰
تری الّذین ۰ ایّها الجاهلون ۰ والی الّذین ۰ علی الکافرین ۰
مثوی المتکبّرین ۰ الی الجنّة ۰ واورثنا الارض ۰ وتری الملٰئکة ۰
وف واو ۶ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۰ اُولوا الالباب ۰

که محذوف الالواست در (ع) ومتصل ... عنادی

اٰمنوا اتّقوا

اٰمنوا اتّقوا ۰ اِجتنبوا الطاغوت ۰ وما قدروا اللّٰه ۰ وقالوا الحمد للّٰه ۰
و واو لیبنی در بین سه نیست وف یا ۱۳ که در وقف ملفوظ
میشود بحرف مدّ ۰ قُل هَل یستوی الّذین ۰ فی النّار ۰ فی الارض ۰
لاولی الالباب ۰ فی الحیوة ۰ ذی انتقامٍ ۰ اِن ارادنی اللّٰه در قراءة
حمزه که در وصل بحذف یا باشد ۰ واز باقیان بفتح یا ۰ قُل یٰعبادیَ الّذین اسرفوا ۰
در قراءة ابوعمرو ویعقوب وحمزه وکسائی وخلف اختیار
که ممیز در وصل بحذف یا باشد ۰ واز باقیان بفتح یا ۰ وینجّی اللّٰه الّذین ۰
وروح از یعقوب بتخفیف میخوانند ۰ فی الصّور ۰ فی السّموات
یا ان ثابت ۲ اَفمن یتّقی ۰ لو انّ اللّٰه هدٰینی ۰
یا آت محذوف ۴ قل یٰعبادِ الّذین اٰمنوا
اتّقوا ربّکم که موضع اوّل است ۰ یٰعبادِ ۰ فاتّقونِ ۰
فبشّر عبادِ ۰ ذُویس یٰعبادِ در حالین باثبات یا میخوانند
ویعقوب فاتّقونِ ۰ وسوسی فبشّر عبادِ در وصل بفتح یا
میخوانند ۰ و در وقف بسکون یا ۰ وبکر وجه دیگر بحذف یا آمده است از سوسی
در وقف بطریق تیسیر بمتابعت رسم ۰ ویعقوب در وقف باثبات میخوانند ۰ وباقیان

فما آتٰن ... با محذوف است

اصل حفص ... عمر را بحذف میخوانند

و موضع اوّل داخل اسم منادی است که در جمیع مصاحف
محذوف الیا است مثل یقوم یرب یا ابت و از برای آن
این دو موضع در محذوفات این سعی گفته شد که موضع ثانی رویس
از یعقوب باثبات میخواند و در اوّل نیز خلاف آمده است
امّا نه بطریق تیسیر و شاطبیّه و نشر و از جمله اسم منادی
دو موضع باثبات یا است در جمیع مصاحف یکی یعبادی الذین
امنوا ان ارضی واسعة در عنکبوت که گفته شد و یکی قل
یعبادی الذین اسرفوا در آخر این سعی که در وقف یاء مذکور
مذکور شد و یک موضع دیگر بخلاف است یعبادی لا خوف
در زخرف و در محل خوف بیاید **همزه وصل مضمومه** 1
ادخلوا ابواب همزه یک موضع است **همزات** 11 **وصل**
مکسوره اتخذوا اتقوا اجتنبوا اتقوا انتقام
اعملوا اهتدی اشمازت **همزات** 2 **متطرفه متحرکه**
اسوا نتبوا هر دو در وقف باسکان همزه باشند
و در ثانی روم و اشمام نیز باشد و حمزه و هشام را وجوه مخصوص
ضعیف باشد

وصل کلمتین

وصل کلمتین ٤ مبین الله نزل مثلا الحمد لله بوکیل الله
ولا هم یحزنون الله انجز منون است در وصل بکسر نون تنوین
ملفوظ میشود و آخر بحرکه کلمه آخر کلمه اوّل **ظاات** 10
فی ظلمات یوم عظیم ظلل من النار و من تحتهم ظلل و قیل للظالمین
من اظلم للذین ظلموا و الذین ظلموا قیام ینظرون لا یظلمون
سورة المؤمن حم **کلمت** ربک علی الذین
بتا مکتوب است بجمع و افراد بر وجه اصح و بعضی گفته اند
که در قراءة افراد به ها مکتوب است و اولی آنست که بتا باشد
السیئات **ذو** العرش بحذف الف بعد از واو است **یوم**
هم بارزون مقطوع است و یک موضع دیگر در والذاریات
و در محل خوف بیاید **لدا** الحناجر مخیر است میان الف و یا
لدی الحناجر و در وقف مد الفی بیاید **اتیهم** سیئة
النجوة بواو مکتوب است **نوقنه** الله فیقول **الضعفؤا**
بواو مکتوب است وما **دعؤا** الکافرین بواو مکتوب است
و الف بعد از واو در هر دو باشد **لننصر** بطریق رسم یک نون باشد

ربع معظم، الله، اصلا ضعیف بدو نون

اللعنة الّیل لذو فضلٍ بحذف الف بعد از واو باشند اَیْنَ مَا کنتم
تشرکون مقطوع است سُنَّتَ اللهِ التی بتا مکتوب است
یاء نِدا که محذوف الالف است در رکم و متصل است عبادی
یقوم و یقوم یهامان و الف بعد از میم محذوف باشد در رکم
وحکم جمله معلوم است حرف الف ٢٢ که در وقف
ملفوظ میشود نه در مد الا الذین علی الذین الی الایمان
اَمَتَّنَا اثنتین وَاَحْیَیْتَنَا اثنتین علی الله لدا الحناجر
وما الله الی النجوة الی النار وانا ادعوکم و درین کلمه
نافع وابوجعفر در وصل بمد اَنَا میخوانند و ورش را مد طویل
باشد و قالون را قصر و توسط و ابوجعفر را قصر الی العزیز
الی الله موسی الهدی هُدًی ولا المسیئ علی الناس
مُسَمًّی الی الذین مثوی المتکبرین وعلی الفلک
حرف واو ٢٤ که در وقف ملفوظ میشود نه در مد فادعوا الله
ذوالعرش قالوا اقتلوا و عملوا الصالحات و واوی که در وقف
ملفوظ میشود نه در یمین حرف یا ٢٥

که در وقف

٢٤

که در وقف ملفوظ میشود نه در مد ذی الطول فی البلاد
یلقی الروح وما تخفی الصدور فی الارض فی الدنیا ولا فی الآخرة
فی النار فی الحیوة لاولی الالباب وما یستوی الاعمی فی الجحیم
ویاء ثابت که نظیر محذوف است در این سه بیت یاءات ٢٤
محذوف فکیف کان عقابِ یوم التلاقِ یوم التنادِ
یقوم اتبعونِ یعقوب جمله را در حالین باثبات یا میخوانند
وابن کثیر در سه موضع آخر موافق یعقوب است در حالین و موضعین
ثانیین ورش وابن وردان در وصل باثبات میخوانند
وقالون بخلاف یعنی در وصل و موضع آخر قالون وابوجعفر
وابوعمرو در وصل باثبات میخوانند وباقیان جمله را بحذف میخوانند
همزات وصل مضمومه ٥ اُقتلوا اُدخلوا آل فرعون
نزد ابن کثیر وابوعمرو وابن عامر وابوبکر که همزه وصل میخوانند
وضم خا و باقیان همزه قطع مفتوح میخوانند وکسر خا
اُدعوا اُدعونی اُدخلوا ابواب همزات وصل مکسوره ٦
اِثنتین ابن لی صرحا اِتبعون اِستکبروا همزات متطرفه منی که در این
بنی کرده

مراد ازین
ابن لی است

وصل كلمتين الواحد القهار اليوم ۝ مرتاب الذين ۝
سوء العذاب النار ۝ يجحدون الله ۝ له الدين الحمد لله ۝
يصرفون الذين ۝ تمرحون ادخلوا ۝ هنالك المبطلون الله ۝
موضع ثانی که منوّن است در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ میشود
وباقی بحرکت آخر کلمهٔ اول

ظاات ١١

هو الفوز العظيم ۝ لا ظلم اليوم ۝ كاظمين ۝ ما للظالمين ۝
فينظروا اكروا ان يظهر ۝ ظاهرين ۝ وما الله يريد ظلما ۝
لا ظلمه كاذبا ۝ لا ينفع الظالمين ۝ فينظروا كيف ۝

سورة فصلت

حم ۝ قل أئنكم صورت همزه بیا مکتوب است
أرديكم والعفوا ذلك جزآء واو است أرنا فقضيهن
الذين بیک لام است وبعض ولام نیز گفته اند اللذين جمع بطرو
تا فرق باشد میان الذين که مفرد است يلقاها ذو حظ
بحذف الف بعد از واو است لا يسئمون أحياها ام من
يأتي آمنا مقطوع است لذو مغفرة وذو عقاب
بحذف الف بعد از واو باشد هر دو موضع أعجمي من ثمرات

بتامکتوب

٧٤

بتا مکتوب است بجمع وافراد ودر رسم الف محذوف باشد شركاءي
لا يسئم الانسان ونا بیا مکتوب است فذو دعاء بحذف
الف بعد از واو باشد من لقاء ربهم بی یا مکتوب است
یاء نفدا در این سوره نیست

حرف الف ٢٣

که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ۝ أنا بشر ۝ الى السماء ۝
وزينا السماء ۝ الا الله ۝ على الهدى ۝ ونجينا الذين ۝
الى النار ۝ انطقنا الله ۝ مثوى لهم ۝ لهذا القرآن ۝ ارنا الذين ۝
ربنا الله ۝ الى الله ۝ ولا السيئة ۝ فاذا الذي ۝ الا الذين ۝
ترى الارض ۝ عليها الماء اهتزت ۝ هدى ۝ عمى ۝ موسى الكتاب ۝
على الانسان

حرف واو ٢

که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ۝
وعملوا الصالحات ۝ فاستحبوا العمى ۝ و واو لین در این سوره نیست

حرف یا ٨

که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد ۝ في الارض ۝
في الحيوة ۝ وفي الآخرة ۝ ولا تستوى الحسنة ۝ لمحيي الموتى بی یا مکتوب است
وبدو یا ملفوظ میشود در وقف ۝ في النار ۝ في الآفاق ۝
یاآت ثابت و محذوف و همزات وصل مضمومه در این سوره نیست

همزات وصل مكسوره ٧ اِستوى ٥ اِيتيا ٥ اِستقاموا ٥
اِدْفَعْ ٥ اِسْتَكْبَرُوا ٥ اِهْتَزَّتْ ٥ اِعْمَلُوا همزه متطرفه متحركه
اَسْوَاَ ٥ همزه يك موضع است ٥ و در وقف باسكان همزه باشد و حمزه
و هشام را ابدال باشد بالف وصل كلمتين للمشركين الذين ٥
ولا السيئة ادفع ٥ يوم القيمة اعملوا اعملوا در وصل يكى آخر كلمه اول
ظاءات ١٥ وَحِفْظًا ٥ ولكن ظننتم ٥ ظنكم الذى ٥
ظَنَنْتُمْ ٥ ذو حظ عظيم ٥ بظلام ٥ وظنوا ٥ وما اظن ٥ غليظ ٥
سورة الشورى حم ٥ عسق ٥ ام لهم شركؤا
بواو مكتوب است والف بعد از واو باشد انبئكم فيها حُسْنًا
وَيَمْحُ الله الباطل بحذف واو ولام الفعل مكتوب است غضبوا
يك كلمه است هم كلمه ديگر وجزؤا سيئة بواو مكتوب است
والف بعد از واو باشد فمن عفا وتريهم ٥ او من وراى حجاب
بيا مكتوب است و در وقف بسكون همزه باشد و مد و توسط
هر دو باشد بسبب سكون وقف از براى جميع قرا و حمزه و هشام را
تخفيف رسمى و قياسى هر دو باشد من نشاء من عبادنا بواو آت

والف بعد از واو باشد

و روم ابدال باشد

يا ءنا

بحرف مد ٥
ياء مشدد در بين همزه نيست حرف الف ٢٥ كه در وقف ملفوظ ميشود
والى الذين ٥ وما اختلفتم ٥ الى الله ٥ على المشركين ٥ مسمى ٥
ما استجيب ٥ بها الذين ٥ انها الحق ٥ ترى الظالمين ٥ الا المودة ٥
على الله ٥ انما السبيل ٥ على الذين ٥ الا البلاغ ٥ اذقنا الانسان ٥
ما الكتاب ٥ ولا الايمان حرف واو ٦ كه در وقف ملفوظ
ميشود بحرف مد ٥ ان اقيموا الدين ٥ اورثوا الكتاب ٥ وعملوا الصالحات ٥
واقاموا الصلوة واو لين يك موضع است ٥ لما راوا العذاب
حرف يا ١٦ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد ٥ فى السموات
فى الارض ٥ فى الجنة ٥ فى السعير ٥ يحى الموتى ٥ و در وقف بدو يا ملفوظ ميشود
فى الله ٥ فى الساعة ٥ فى الاخرة ٥ فى القربى ٥ فى البحر ٥ و در رسم
ياء ثابت نيست يا محذوف ١ ومن اياته الجوار ٥
همزه يك موضع است ٥ و يعقوب وابن كثير در حالين باثبات يا
ميخوانند ٥ و نافع و ابو جعفر و ابو عمرو در وصل و باقيان بحذف ٥
همزه وصل مضمومه اُستجيب له همزه يك موضع است ٥
همزات وصل مكسوره ٧ اِتخذوا ٥ اِختلفتم ٥ اِفترى ٥

اِستجابُوا ۝ اِسْتَنْصَرَ ۝ اِستجيبُوا ۲ همزات متطرفه متحركه
فإن يشاءُ ۝ من ملجإٍ ۝ هردو در وقف باسكان همزه باشد ۝
و در ثانی روم هم نیز باشد که حرکت همزه اصلیست ۝ و در اول
روم نباشد که حرکت همزه در وصل عارضیست ۝ و حمزه
و هشام را وجوه مخصوص خود باشد **وصل کلمتین** ۶
اِلیهِ الله ۝ بینکم الله ۝ شدیدُ الله ۝ بعیدٍ الله ۝ من سبیلٍ استجیبوا
دو موضع اول بحرکت آخر کلمهٔ اول ملفوظ میشود ۝ و باقی بکسر نون
تنوین **ظاات** ۱۴ العلیّ العظیم ۝ الله حفیظ ۝
والظالمون ۝ وانّ الظالمین ۝ تری الظالمین ۝ فیظللن ۝
علی ظهره ۝ لا یحب الظالمین ۝ بعد ظلمه ۝ یظلمون الناس ۝
وتری الظالمین ۝ ینظرون علیها ۝ انّ الظالمین ۝ علیهم حفیظا ۝
سورة الزخرف حم ۝ ولئن سألتهم لتستووا
جزءا ۝ دو واو است ۝ واصفکم ۝ ینشؤا و اگر خواهی ینشا
برقیاس الذین هم مقطوع است ۝ اشهدوا ۝ ویسئلون ۝
قل اولو ۝ اننی براء ۝ اهم یقسمون رحمت ربک ورحمت ربک

بتا مکتوب

بتا مکتوب است هر دو موضع یتکئون ۝ حتی اذا جاءنا
وسئل ۝ من ارسلنا ۝ یایه الساحر ادع بحذف الف بعد از
ها مکتوب است ۝ و ابو عمرو ۝ و یعقوب ۝ و کسائی در وقف
با اثبات الف بعد از ها میخوانند نظر بر اصل بخلاف رسم ۝ و باقیان بحذف
الف میخوانند موافق رسم ۝ و ابن عامر در وصل بضم ها میخوانند
بر اتباع ضم یا ۝ و باقیان بفتح ها میخوانند نظر بر اصل که الف
بعد از ها محذوف است ۝ اسورة ۝ ءالهتنا خیر ۝ ولو نشاء
یعبادی لا خوف علیکم ۝ در مصاحف اهل مدینه باثبات یا
مکتوب است ۝ و در مصاحف اهل عراق یعباد بحذف یا
مکتوب است ۝ و نافع ۝ و ابو جعفر ۝ و ابو عمرو ۝ و ابن عامر ۝ و رویس
در حالین بسکون یا میخوانند ۝ و ابو بکر در وصل بفتح یا میخوانند
و در وقف بسکون یا ۝ و باقیان در حالین بحذف یا میخوانند
ما تشتهی الانفس در مصاحف مکه و عراق بحذف هاء ضمیر
مکتوب است ۝ و ابن کثیر ۝ و ابو عمرو ۝ و یعقوب ۝ و ابو بکر ۝ و حمزه
و کسائی ۝ و خلف اختیارا همچنین میخوانند ۝ و در وقف با ء همه گفته شود

ودر مصاحف مدینه وشام ما تشتهیه بزیادة هاء
ضمیر مکتوب است ونافع وابوجعفر وابن عامر وحفص
چنین میخوانند وبجوهم فقل سلم یاء نداء ٦
که محذوف والالف است در رسم ومتصل است بمنادی
قال یلیتنی یایه الساحر یقوم یعبادی
یمالک وحکم جمله معلوم است حرف الف ٩
که در وقف ملفوظ میشود نه در مد اذا استویتم الا الذی
هذا القران ام انا خیر من هذا الذی اسفونا انتقمنا
الا الساعة الا المتقین فانا اول العابدین وابن موضع
نافع وابوجعفر در وصل بمد انا میخوانند وورش را مد طویل
باشد وقالون را قصر وتوسط وابوجعفر را قصر
حرف واو ٣ که در وقف ملفوظ میشود نه در مد
وجعلوا الملئکة فاتقوا الله ادخلوا الجنة وواوی
که در وقف ملفوظ میشود ولیکن در رسم نیست حرف یا ١٥
که در وقف ملفوظ میشود نه در مد في الاولين في الحلية في الخصام

بأوبت صح

في الجنة

في الحيوة في العذاب او تهدی العمی في الارض ما تشتهی الانفس
برسم مصاحف مکه وعراق في السمآء ویاء ثابت در رسم نیست
یاات محذوف ٣ سیهدین واتبعون واطیعون
یعقوب همه را در حالین باثبات یا میخوانند وموضع ثانی
ابوجعفر وابوعمرو در وصل باثبات یا میخوانند ودر وقف بحذف یا
وباقیان همه را در حالین بحذف میخوانند ویعباد لا خوف علیکم
بخلاف است وقبل ازین گفته شد همزات وصل مضمومه ٢
ادع لنا ادخلوا الجنة همزات وصل مکسوره ٤
استویتم اتخذ مما انتقمنا ابن مریم همزه متطرفه متحرکه
ینشؤا میم یک موضع است ودر وقف باسکان همزه باشد
وروم واشمام نیز باشد وحمزه وهشام را وجوه مخصوص
خود باشد وکوفیان غیر ابو بکر ینشّؤا میخوانند
وصل کلمتین ٤ العلیم الذی لا یشعرون الاخلاء
تحزنون الذین مسلمین ادخلوا الجنة ظاات ١١
علی ظهوره ظل وجهه وهو کظیم فانظر کیف من القریتین عظیم

علیها یظهرون ۝ اذ ظلمتم ۝ للذین ظلموا ۝ هل ینظرون ۝
وما ظلمناهم ۝ هم الظالمون **سورة الدخان**
حم ۝ **وان لا** تعلوا علی الله بنون مکتوب است **بلؤا** مبین
صورت همزه بواو مکتوب است والف بعد از واو باشد ۝ **ان شجرت**
بتا مکتوب است و همزه یک موضع است ۝ **ووقیهم**
یاء ندا درین سوره نیست **حرف الف ١١**
که در وقف ملفوظ میشود نه در وصل ۝ یغشی الناس ۝ ربنا اکشف ۝
عنا العذاب ۝ علی الله ۝ علی العالمین ۝ الا موتتنا الاولی ۝
وما خلقنا السموات ۝ مولی ۝ عن مولی ۝ فیها الموت ۝
الا الموتة **حرف واو ١** که در وقف ملفوظ میشود نه در وصل
انا کاشفوا العذاب ۝ همزه یک موضع است ۝ و واو لینی درین سوره نیست
حرف یا ٢ که در وقف ملفوظ میشود نه در وصل ۝ تاتی السماء ۝
فی البطون **یاء ثابت ١** فاسر بعبادی ۝ همزه یک موضع است
یاات محذوف ٢ ان ترجمون ۝ فاعتزلون ۝
یعقوب هر دو را در حالین باثبات یا میخواند و ورش در وصل ۝ و باقیان

نکو

بحذف میخوانند ۝ همزه وصل مضموم ۝ و همزه منطرفه متحرکه ۝ و وصل
کلمتین مثل دیگر سورهها درین سوره نیست **همزات وصل مکسور ٢**
اکشف ۝ اخترناهم **ظاات ٢** منظرین ۝ الفوز العظیم ۝
سورة الشریعة حم ۝ **فاحیا** به الارض بالف است ۝ هزؤا امو
محیاهم ۝ الهه ۝ هوىه ۝ حیاتنا الدنیا نموت **ونحیا** بالف است
ننسیکم ۝ وماویکم **حرف الف ١١** که در وقف ملفوظ میشود نه در وصل ۝
ولا ما اتخذوا ۝ هدی ۝ علی العالمین ۝ فما اختلفوا ۝
الا حیاتنا الدنیا ۝ الا الدهر ۝ کتابها الیوم ۝ فاما الذین
واما الذین ۝ ما الساعة **حرف واو ٤** که در وقف
ملفوظ میشود نه در وصل ۝ اجترحوا السیئات ۝ وعملوا الصالحات ۝
ان قالوا ائتوا ۝ واو لینی ۝ و یاء ثابت ۝ و محذوف
و همزه وصل مضموم ۝ و همزه منطرفه فامتی که درین سوره نیست
حرف یا ٤ که در وقف ملفوظ میشود نه در وصل ۝ فی السموات ۝
فی الارض **همزات وصل مکسور ٧** اتخذها ۝ اتخذوا ۝
اختلفوا ۝ اجترحوا ۝ اتخذ ۝ ائتوا بآبائنا ۝ اتخذ ثم ۝

وصل كلمتين ١ من رجز اليم الله ابن كثير و يعقوب وحفص
برفع تنوين ميخوانند و باقيان بخفض و در وصل بكسر نون
تنوين باشد بهر دو قراءة

ظاات ٦

عذاب عظيم وان الظالمين وهم لا يظلمون الا يظنون
ان نظن الا ظنا

سورة الاحقاف

حم افتريه احسانا ثلثون ترضيه في حياتكم الدنيا
بالف است أرايتكم اوديتهم يك كلمه است وافئدة اقدتهم

ياءات ٢ كه محذوف الالف است در رسم و متصل است عنادك
يقومنا مميز دو موضع است

حرف الف ١٣

كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد ما خلقنا السموات
مسمى وما انا الا نذير مبين وقالون اين موضع در وصل
بخلاف ميخوانند يعني بقصر و توسط و مد و ديگر بحذف العرشل باقيان
ربنا الله ووصينا الانسان على النار الا الله انما العلم
ما استعجلتم به وصرفنا الايات الى الحق الا القوم

حرف واو ٢ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد

وحكمش معلوم است

فذوقوا

فذوقوا العذاب اولوا العزم حرف واو كه در وقف ملفوظ
ميشود بحرف لين ويا ثابت و محذوف و همزه وصل مضموم
و همزه متطرفه متحركه در اين سوره نيست

حرف يا ٥

كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد في السموات لا يهدي القوم الظالمين
في الارض نجزي القوم

همزات وصل مكسوره ٦

ايتوني افتريه افتريته استقاموا استعجلتم اتخذوا

وصل كلمتين ١

في السموات ائتوني

ظاات ٤

القوم الظالمين الذين ظلموا وهم لا يظلمون يوم عظيم

سورة محمد صلى الله عليه وآله وسلم

لا انتصر يك كلمه است
ولكن ليبلوا بعضكم وينبلوا اخباركم بعد از واو الف باشد در هر دو كلمه
واتيهم تقويهم ذكريهم ومثويكم بسيمهم ولا يسئلكم ان يسئلكموها

ياءات ٢ كه محذوف الالف است در رسم و متصل است عنادك
ياايها مميز دو موضع است وحكمش معلوم است

حرف الف ١٣

كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مد يا ايها الذين
مولى الذين من تحتها الانهار مثوى مصفى هدى

إلا الساعة إلا الله فيها القتال الهدى الشيطان
إلى السلم إنما الحيوة حرف واو ١٦ كه در وقف ملفوظ
مى‌شود بحرف مد وعملوا الصالحات كفروا اتبعوا الباطل
آمنوا اتبعوا الحق فشدوا الوثاق إن تنصروا الله
أوتوا العلم فلو صدقوا الله وشاقوا الرسول
لن يضروا الله أطيعوا الله وأطيعوا الرسول
و دو موضع ديگر ولكن ليبلوا ونبلوا أخباركم است
كه در وصل بفتح واو است و رويس ونبلوا در هر دو
باسكان واو ميخوانند و أبو بكر ويبلوا بيا ميخوانند و دو صيغه
ديگر كه قبل از بر است و باقيان بنون ميخوانند و واوى كه در وقف
ملفوظ مى‌شود بحرف لين و ياء ثابت و محذوف و همز وصل
مضموم و همز متطرف مفتوح كه و وصل كلمتين كه مشكل باشد درين سوره نيست
حرف يا ٣ كه در وقف ملفوظ مى‌شود بحرف مد في الأرض في النار
همزات ٤ وصل مكسور اتبعوا ارتدوا استخرجها باخذ
ظاءات ٤ فينظروا كيف فهل ينظرون ينظرون إليك نظر المغشي

سورة الفتح

أن لن ينقلب نور مكنون

سورة الفتح تطؤهم الرءيا بالحق تريهم سيماهم في وجوههم
اين موضع بالف است شطئه بحذف صورت همز است
ياء ندا كه متصل است عباد كه درين سوره نيست حرف ١٠
الف كه در وقف ملفوظ مى‌شود بحرف مد من تحتها الأنهار
إذا انطلقتم على الأعمى ولا على الأعرج ولا على المريض
لعذبنا الذين وعلى المؤمنين على الذين على الكفار
حرف واو ١ كه در وقف ملفوظ مى‌شود بحرف مد وعملوا الصالحات
همز يك موضع است والنجم حرف لين است همز يك موضع
لولوا الأدبار حرف يا ٢ كه در وقف ملفوظ مى‌شود بحرف مد
في التورية في الإنجيل ياء ثابت و محذوف و همز وصل
مضموم و همز متطرف مفتوح كه و وصل كلمتين درين سوره نيست
همز وصل مكسور انطلقتم همز يك موضع است
ظاءات ١٣ فوزا عظيما الظانين بالله ظن السوء
أجرا عظيما بل ظننتم وظننتم ظن السوء أن أظفركم
ليظهره فاستغلظ ليغيظ وأجرا عظيما

سورة الحجرات مِن وَرَآءِ الحُجُرات ٢ یا مکتوب است
إِحْدٰیهُما بِئْسَ الاِسْمُ باین شکل مرسوم است یعنی بالف ولام الف
وحرکة لام از جهة التقاء ساکنین است نه حرکة منقوله
و اگر بر بِئْس وقف کنند ابتدا بهمزه ولام مجرّد نیز روا
باشد واوّل اَوْلی است وشیخ برهان الدّین جعبری این را
عارض لازم نام نهاده ومثل لا خر را عارض مفارق ودر روایة
تعرف بینهما نیست واین نکته از خطّ مبارک مولانا طاهر
نقل کرده شد واگرچه قبل ازین از شرح جعبری معلوم شده بود وبعد ازین
در وصل کلمتین گفته میشود اَنْفُسَكُمْ ٩ یا ء ندا که محذوف الالف است
در رسم ومتّصل است بمنادی یٰأَیُّها ششْ موضع وحکمش معلوم است
حرف ٩ الف که در وقف ملفوظ میشود بی مدّ
یٰأَیُّها الّذین عَلَی الاُولی یٰأَیُّها النّاس حرف ٩ واو
که در وقف ملفوظ میشود بی مدّ واتّقوا الله فقاتلوا التی
آمنوا اجتنبوا وان تطیعوا الله ودر یک موضع واو لین نیست
حرف ٢ یا که در وقف ملفوظ میشود بی مدّ ما فی السموات وما فی الارض

غیر المؤمنون ٤ م

یاء ثابت

یاء ثابت ومحذوف وهمزه وصل مضموم درین سوره نیست
همزات ٣ وصل مکسوره اِمْتَحَنَ الله اِقتتلوا اِجْتَنِبُوا
همزه متطرّفه متحرّکه بِنَبَاٍ همزه یک موضع است ودر وقف
باسکان همزه باشد وروم نیز باشد وحمزه وهشام را وجوه
مخصوص حرف باشد وصل کلمتین بِئْسَ الاِسْمُ الفُسُوق
در وصل بفتح سین وکسر لام ملفوظ شود وهمزه تیر محذوف
باشد در لفظ واگر بر بِئْس وقف کنند ابتدا اَلِاسْم باشد
باثبات الف وصل وحذف همزه اسم واین وجه اصل است
وشاید که لِاسْم نیز ابتدا کنند نظر بر آنکه اعتبار بعارض نکنند

بلام مجرّد م

ظاءات ٤ واجرٌ عظیمٌ هم الظالمون من الظّنّ الظّنّ اثمٌ
سورة ق ءاذا متنا واصحاب الاَیْکَةِ هَلِ
امْتَلَئْتِ در مصاحف معظم عراق جنیر مکتوب است ودر
باقی مصاحف امتلات بالف است برقیاس بِسَلٰمٍ
یاء ندا که متّصل است بمنادی درین سوره نیست حرف ٥
الف که در وقف ملفوظ میشود بی مدّ اِلی السّمآءِ خلقنا الانسان

اِذ یتلقّی المتلقّیانِ ۝ اَوْ اَلْقَی السَّمْعَ ۝ والینا المصیرُ ۝ واوی که در
وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ولین ویاءِ ثابت وهمز متطرّفه
متحرّکه که در این سوره نیست حرف یا ۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۝
فی الصُّورِ ۝ فی العذابِ ۝ فی البلادِ یاات محذوف ۴
فحقّ وعیدِ ۝ یوم ینادِ ۝ المنادِ ۝ من یخاف وعیدِ ۝ یعقوب
هر چهار موضع باثبات یا میخواند و موضع ثانی در وقف و باقی
در حالین و ورش اوّل و آخر در وصل باثبات میخوانند و نافع
و ابوجعفر و ابوعمرو موضع ثالث را مخیّر در وصل باثبات میخوانند
و ابن کثیر موضع ثانی را در وقف بخلاف میخواند و باقیان جمله را بحذف میخوانند
همز وصل مضموم اُدْخُلوها همز وصل مکسوره اِمْتَلَأْتِ
وصل کلمتین ۲ مریبٍ الّذی ۝ منیبٍ ادخلوها ۝ موضع اوّل
در وصل بکسر نون تنوین باشد بلا خلاف ۝ و موضع ثانی عاصم
و حمزه و ابوعمرو و یعقوب را کسر نون تنوین باشد و باقیان را ضمّ
ظاات ۵ کتابٌ حفیظٌ ۝ اَفلم ینظروا ۝ ما یلفظ ۝ بظلّامٍ ۝ اوّابٍ حفیظٍ ۝
سورة والذّاریات الّذین هم مقطوع است یسئلون

یوم هم

یَوْمَ هُم علی النّارِ مقطوع است ما اتٰهم اتٰک سلٰمًا
قال سلٰمٌ بِاَیْیدٍ بدو یا مکتوب است در رسم و بر قیاس یکی
ذو القوّة بحذف الف بعد از واو باشد ۝ یا نستد اکر متصل آید
بمنادی در این سوره نیست حرف الف ۵ که در وقف ملفوظ
میشود بحرف مدّ ۝ علی النّارِ ۝ هذا الّذی ۝ ایّها المرسلون ۝
فما استطاعوا ۝ الی الله ۝ ما اتی الّذین حرف واو ۱
یک موضع است ۝ ذو القوّة ۝ واو لین و یاء ثابت ۝
و همز وصل مضموم و همز متطرّفه متحرّکه و وصل کلمتین که مشکل باشد
در این سوره نیست حرف یا ۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ ۝
فی الارض ۝ فی السّماءِ ۝ فی الیمّ یاات محذوف ۳
الّا لیعبدونِ ۝ اَن یطعمونِ ۝ فلا یستعجلونِ ۝ یعقوب
جمله را در حالین باثبات یا میخواند و باقیان بحذف ۝
همزات ۲ وصل مکسوره اِمرأته ۝ اِستطاعوا ۝
ظاات ۲ وَهُم ینظرون ۝ للّذین ظلموا ۝
سورة والطّور الّذین هم مقطوع است ۝

بما آتيهم ربهم ووقيهم متكئين لؤلؤا ووقينا
بنعمت ربك بتا مكتوب است المصيطرون
ام تسئلهم ياء نسدا و حرف الف كه در وقف ملفوظ ميشود
و واو ليني و ياء مدي كه در وقف ملفوظ ميشود و ياء ثابت
و محذوف و همزه وصل مضموم درين سوره نيست همزات ٢
وصل مكسوره اصلوها امرئ همزه متطرفه متحركه
كل امرئ لؤلؤا هر دو در وقف باسكان همزه باشد
و در اول روم نيز باشد و در ثاني روم و اشمام و ابو جعفر
و سوسي و ابو بكر بابدال همزه اول ميخوانند و حمزه و هشام را
وجوه مخصوص خوف باشد وصل كلمتين للمكذبين الذين
لا تنصرون اصلوها ظالمات ١ وان للذين ظلموا
سورة والنجم ذو مرة بحذف الف بعد از واو باشد
ثم دنا بالف است ما رأى لقد رأى اين دو موضع
بياء لام الفعل مكتوب است افرايتم اللات بتا مكتوب است
ومنوة بواو است عن من تولى مقطوع است ثم يجزيه

واحيا

واحيا بالف است النشأة بالف است عادا الولى
چنين مكتوب است بطريق رسم تا شامل قرائتين باشد و اگر بقياس
نويسند در قراءة ابن كثير و ابن عامر و كوفيان به لام الف بايد نوشت
عادا الاولى و حكم وصل و وقف و ابتدا در وصل كلمتين
گفته شود فغشيها ازفت بتا مكتوب است و فعل است
و نه از قسم تاء تانيث است كه در بعضي مواضع بتا نويسند
چنانچه مذكور شد و در وقف خلاف نيست ياء نذرا
كه متصل است بمنادي و واوي كه در وقف ملفوظ ميشود و مد و لين
و ياء ثابت و محذوف و همزه وصل مضموم و همزه متطرفه
متحركه درين سوره نيست حرف ٨ الف كه در وقف ملفوظ ميشود
بحرف مده اذ يغشى السدرة الا الظن وما تهوى الانفس
الا الحيوة بالحسنى الذين الا اللمم افمن هذا الحديث
حرف ٣ ياء في السموات و في الارض همزات وصل مكسوره ٢
اهتدى اتقى وصل كلمتين عادا الاولى
ابن كثير و ابن عامر و كوفيان در وصل بكسر نون تنوين ميخوانند

واسکان لام واثبات همزه مضموم بعد از لام، وباقیان
عاداً الّولی بادغام تنوین میخوانند در لام مضموم بحرکت همزه
که منتقل شده است به لام، وقالون بعد از لام مضموم بهمزه
ساکن میخوانند در موضع واو، ودر وقف از جمیع قرّا تنوین بدل
شود بالف، وحکم ابتدا پنج وجه است از برای همه نزد ابوعمرو،
وابوجعفر ویعقوب سه وجه جائز است اوّل اَلُولی
باثبات همزه وصل وضمّ لام بعد از همزه وصل وحذف همزهٔ
فاء الفعل بعد از لام، دوم لُولی بضمّ لام وحذف همزه
وصل قبل از لام مُستغنی از حرکت همزه، واین دو وجه
جائز است در مذهب ورش، سوم اَلاُولی باثبات
همزه وصل واسکان لام، وتحقیق همزهٔ فاء الفعل بعد از لام
واین وجه اصل است، ومجموع سه وجه جائز است در مذهب
قالون، اوّل اَلؤلی باثبات همزه وصل وضمّ لام وهمزه
ساکن بر واو، دوم لؤلی بضمّ لام وحذف همزه وصل
وهمزه واو، سوم اَلاُولی مجموعاً پنج وجه سوم ابوعمرو است

وابوجعفر

وابوجعفر ویعقوب که وجه اصل آن است ونزد ابوعمرو دانی
که صاحب تیسیر است این وجه احسن وجوه است واقیس
بمذهب قالون وابوعمرو و یعقوب وابوجعفر، ونزد
ابن کثیر وابن عامر وکوفیان همین وجه باشد، وورش را
در وجه اوّل وجوه ثلثه باشد مجموعاً در حال وصل است
ودر وجه ثانی قصر فقط، وورش وابوعمرو را بین بین باشد
کردوسرای است، وحمزه وکسائی وخلف اختیار را امالهٔ محض
وباقیان را فتح، وحمزه را سکت وعدم سکت باشد در
حالین ونقل نیز در وقف، واین نکتها از برای آن گفته شد تا قاری
وکاتب بر جمیع احوال مُطّلع باشند **ظات** ۴۶
اِلّا الظّنّ وما اِلّا الظّنّ، واِنّ الظّنّ، هُم اَظلَمَ، وصلٌ

سورة القمر

مِنَ الانبآءِ، یَومَ یَدعُ بحذف واو ولام
الفعل مکتوب است فَالتَقَی المآءُ فا بالف نویسند ودر وقف
هم الف بمدّ بیاید ءَاُلقِیَ مُرسِلُوا النّاقة جمع است،
ودر وقف واو مدّی بیاید، یاء فَسئلا ویا ثابت، ومقطوعا

وواو لين، وهمزه وصل مضموم، وهمزه متطرّفه، متی که درین سوره نیست
ووصل کلمتین آخر سوره والنجم با اوّل سوره مذکور شد حرف
الف ۷ که در وقف ملفوظ میشود ومدّه إِلَى الدَّاعِ ٥
وفجّرنا الارض ٥ فالتقى الماء ٥ يسّرنا القرآن ٥
حرف واو ۱ که در وقف ملفوظ میشود حرف مدّ
إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ ٥ همزه یک موضع است حرف یا ۳
که در وقف ملفوظ میشود ومدّه فِي الزُّبُرِ ٥ فِي النَّادِ ٥
یاات ۹ محذوف فَمَا تُغْنِ ٥ يَدْعُ الدَّاعِ ٥
إِلَى الدَّاعِ ٥ وَنُذُرِ ٥ شش موضع، یعقوب موضع
اوّل را در وصل باثبات یا میخوانند و بواقی در حالین
وابن کثیر إِلَى الدَّاعِ در حالین باثبات میخوانند، ونافع وابوعمرو
وابوجعفر در وصل، وبزّی يَدْعُ الدَّاعِ در حالین باثبات
میخوانند، وورش وابوعمرو وابوجعفر در وصل، وورش
وَنُذُرِ در شش موضع در وصل باثبات میخوانند، وغیر مذکورین
جمله را بحذف میخوانند همزه وصل مکسور اِقْتَرَبَتْ همزه یک موضع است ۱

ووقفا

٨٥

حرف ظا ۱ كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ همزه یک موضع است
سورة الرحمن عزّ وجلّ ذُو الْعَصْفِ بحذف الف بعد از واو
بواو مکتوب است که علامة رفع است، الّا در مصاحف
شام که ذا بالف مکتوب است که علامة نصب است
وابن عامر چنین میخوانند اللُّؤْلُؤُ الْمُنْشِئَاتُ در قراءة
کسر شین بیا صورت همزه باشد، ودر قراءة فتح شین
الْمُنْشَآتُ صورت همزه نباشد ذُو الْجَلَالِ بحذف الف
بعد از واو باشد، يَسْتَغِلُهُ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ بحذف الف
بعد از ها مکتوب است، وابوعمرو ویعقوب وکسائی
در وقف باثبات الف میخوانند نظر بر اصل بخلاف رسم
وباقیان بحذف الف میخوانند موافق رسم، وابن عامر
در وصل بضمّ ها میخوانند بر اتّباع ضمّ یا، وباقیان بفتح ها میخوانند
لَا يُسْئَلُ بِسِيمَاهُمْ مُتَّكِئِينَ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ
در اکثر مصاحف بیا مکتوب است، واصحّ اینست بر قیاس
عربیّة، ودر بعضی مصاحف وجنا بالف گفته اند، امّا بیا اصحّ است

هَلْ جزآءُ واواست ذِی الجلال در آخر سوره در جمیع
مصاحف بیا مکتوب است الا در قراة مصاحف شام
که ذو الجلال بواو مکتوب است و قراة ابن عامر چنین است
یا نِدا ۱ که محذوف الالف است در رسم و متصل است بمنادی
یٰمَعْشَرَ این یک موضع است و حکمش معلوم است

حرف الف ۶ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مدّ
ذَا العَصْفِ در قراة ابن عامر مِنهُمَا اللؤلؤا فاذا انشقّت
بها المجرمون وَجَنَى الجنّتين الّا الاحسان
حرف واو ۹ که در وقف ملفوظ میشود بی و مدّ واقیموا الوزن
ولاتخسروا المیزان ذُو العَصْف در غیر قراة ابن عامر
ذو الجلال موضع اوّل از جمیع قرا و در آخر سوره ذو الجلال
در قراة ابن عامر و واو لیّنی و همزه وصل مضموم درین
سوره نیست حرف یا ۹ که در وقف ملفوظ میشود بی و مدّ
فی المیزانِ فی البحر فی السموٰت فی الخیام ذی الجلال
در غیر قراة ابن عامر یا ثابت ۱ فیؤخذ بالنّواصی

یاء محذوف ۱ وله الجوارِ یعقوب در وقف باثبات یا
میخواند و باقیان بحذف یا همزات ۳ وصل مکسوره
اِستطعتم اِنشقّت اِسمُ ربّک همزه متطرفه متحرکه
اللؤلؤا در وقف باسکان همزه باشند و روم و اشمام نیز
باشد و ابوبکر و ابوجعفر و سوسی را ابدال همزه اوّل باشد
و باقیانرا اثبات و حمزه و هشام را وجوه مخصوصه خوف باشد
وصل کلمتین ۳ آخر سوره القمر باوّل الرّحمٰن
مُقتدرٍ الرّحمٰن در وجه ترک بسمله در وصل بکسر نون
تنوین ملفوظ میشود و در وجه بسمله الرحیم الرحمٰن بحرکت
آخر کلمه اوّل ملفوظ میشود و همچنین البیان الشمس
حرف ظا شواظٌ همزه یک موضع است سورة الواقعة
ثُلّةٌ المشئمة بحذف صورت همزه مکتوب است متّکئین
اللؤلؤا سلٰمًا أئِذا همزه یک موضع صورت همزه
بیا مکتوب است إنّا لمبعوثون فمالئون بیا صورت همزه با
ءانتم چهار موضع فی ما لا تعلمون هو بواو است در اکثر مصاحف

لو نشاء صح

النَّشْأَةَ صورت همزه بالف است ءَاِنَّا لَمُغْرَمُونَ المُنْشِئُونَ
بي يا صورت همزه باشد بِاسْمِ ربّك وَجَنَّتُ نَعِيمٍ
بتا مكتوب است و همزه يك موضع است فَسَلَامٌ
يا نِدا و يا ثابت و محذوف و واو مدّى و لينى
و يا مدّى كه در وقف ملفوظ ميشود و همزات وصل مضمومه
و مكسوره و وصل كلمه كه مشكل باشد درين سوره نيست
حرف الف ٦ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ
على الحِنثِ ○ اَوَ اٰبَاۤؤُنَا الاوّلون ○ اَيُّهَا الضَّآلّون ○
مِنها البطون ○ اِلّا المطهّرون ○ افبهذا الحديث ○
همزه متطرفه متحركه كامثال اللؤلؤ در وقف باسكان همزه
باشد و روم نيز باشد و ابوبكر و ابوجعفر و سوسى
بابدال همزه اوّل ميخوانند و باقيان باثبات و حمزه و هشام راجع
مخصوص خود باشد ظاات ٩ وَظِلٍّ ممدود ○
وظلٍّ من يحموم ○ الحِنث العظيم ○ وعظامًا ءَاِنّا ○ فظلتم تفكّهون ○
ربّك العظيم ○ لو تعلمون عظيم ○ حينئذٍ تنظرون ○ ربّك العظيم ○

سورة الحديد اَيْنَ مَا كنتم مقطوع است بُشْرٰيكُمُ
فَالْتَمِسُوا فا بالف باشد ○ ماويٰكم ○ مَوْلىٰكُم ○ فَتَرٰيهُ ○
ذو الفضل بحذف الف بعد ذو واو باشد هر دو موضع نَبْرَأَهَا
لِكَيْلَا تَأْسَوْا موصول است اٰتٰيكُم لِئَلَّا يا نِدا يٰاَيُّها
حرف الف ١٤ كه در وقف ملفوظ ميشود بحرف مدّ ○
على العرش ○ والى الله ○ اِلى النور ○ من ذا الذى ○ ترى المؤمنين ○
من تحتها الانهار ○ اِنّما الحيوة ○ وما الحيوة ○ وانزلنا الحديد ○
فى ذرّيتهما النبوّة ○ بعيسى ابن مريم ○ اِلّا ابتغاء ○ فاٰتينا الذين ○
يٰاَيُّها الذين حرف واو ٧ كه در وقف ملفوظ ميشود و مدّه ○
اٰمنوا انظرونا ○ در غير قراءة حمزه و حمزه در حالت اٰمنوا
بواو مدّى ميخوانند اَنظرونا بهمزه قطع مفتوح و كسر ظا
اوتوا الكتاب ○ واقرضوا الله ○ ذو الفضل ○ اٰمنوا اتّقوا الله ○
حرف يا ٨ كه در وقف ملفوظ ميشود و مدّه ○ فى السموات
فى الارض ○ فى النهار ○ فى الليل ○ يحى الارض ○ فى الاموال ○
و فى الاٰخرة ○ و درين سوره واوى كه در وقف ملفوظ ميشود و لينى

و یاء ثابت و محذوف و همزه متطرفه متحرکه در این کرینیت

همزه وصل مضمومه اُنظُرونا در غیر قرائة

حمزه و همزه یک موضع است همزات ۹ وصل مکسوره

اِستوی ارجعوا ابتغیتم اِعلموا ابنِ مریم اتَّبعوه

اِبتَدعوها ابتغاءَ اتَّقوا وصل کلمتین

فاسقون اعلَموا الجحیم اعلموا فَخُورِ الّذین

و رهبانیّةً ابتدعوها موضع اول حرکة آخر کلمه

اول ملفوظ میشود و موضع آخر بکسر نون تنوین در وصل

ظاءات ۸ والظاهرُ من الظلمات

اَعظم درجةً هو الفوز العظیم اُنظرونا وظاهره

ذوالفضل العظیم ذوالفضل العظیم سورة المجادله

اِلا الّٰئی اَحصٰه ثلٰثةٍ اَینَ ما کانوا مقطوع است

و معصِیَت بتا مکتوب است هر دو موضع نجویٰکم

ءَاشفقتم فانسٰهم یاءات ۳

یا اَیّها سه موضع است و حکمش معلوم است

و۹ واله

حروف الف ۱۳ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد

اِلی الله اِلّا الّٰئی اِلی الّذین یُعذّبنا الله یا ایّها الّذین

اِنّما النّجوی و علی الله علی الکذب انا و رسلی من تحتها الانهار

حروف واو ۵ که در وقف ملفوظ میشود بحرف مد

واتّقوا الله اُوتوا العلم فاقیموا الصّلوة و اٰتوا الزکوة و اطیعوا الله

و اولیٰئی و یاء ثابت و محذوف و همزه متطرفه متحرکه در این کرینیت

حروف یا ۳ ما فی السموات و ما فی الارض فی المجٰلس در قراءة عاصم

همزه وصل مضمومه اُنشزوا و همزه یک موضع است بجمع

بخلاف نافع و ابو جعفر و ابن عامر و حفص بضم همزه

میخوانند و ضم شین و باقیان بکسر همزه میخوانند و کسر شین

و ابو بکر هر دو وجه میخوانند همزات ۲ وصل مکسوره

اتّخذ وا استحوذ وصل کلمتین ۳ بصیرٌ الّذین یعملون اتّخذوا

لکاذبون استحوذ موضع اول بکسر نون تنوین ملفوظ میشود

در وصل و باقی حرکة آخر کلمه اول ظاءات ۳

الّذین یُظاهرون والّذین یظاهرون توعظون به

و از نافع

با عمل

سورة الحشر فأنهم كى لا يكون مقطوع است
وما آتيكم وما نهيكم والذين تبوّؤ بحذف واو بعد از
واو مكتوب است جاؤ بحذف الف بعد از واو است
من وراء جدر به يا صورت همزه است وذلك جزؤا الظالمين
بواو مكتوب است كه صورت همزه باشد فأنسيهم الله دو موضع
الرحمن السلام ياء زائده ٢ يا أولى الأبصار
يا أيها الذين وحكم هر دو معلوم است حرف الف ٦
كه در وقف ملفوظ ميشود ومد ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين
الى الذين قرى يا أيها الذين هذا القرآن حرف واو ٧
كه در وقف ملفوظ ميشود ومد شاقوا الله واتقوا الله
تبوّؤ الدار امنوا اتقوا الله نسوا الله واوليكن
ويا ثابت ومحذوف ووصل كلمتين كه مشكل باشد در اين سوره نيست
حرف يا ٩ كه در وقف ملفوظ ميشود ومد ما في السموات
وما في الارض وايدي المؤمنين يا أولي الابصار في الدنيا
في الآخرة ولذي القربى في النار همزه وصل مضمومه اكفر همزه مكسوره موضع است

وبعد دو واو
لیند و در
وقف
واو موقوف
یند

همزات وصل مكسوره ٢ اغفر لنا اتقوا الله
همزه متطرفه متحركه البارئ در وقف باسكان همزه باشد
وروم واشمام نيز باشد از براى همزه وحمزه وهشام را وجوه
مخصوص خوف باشد ظاات ٤
ما ظننتم وظنوا جزؤا الظالمين ولتنظر
سورة الممتحنة انا برءؤا بواو مكتوب است والف
بعد از واو باشد ودر وقف باسكان همزه باشد وروم واشمام نيز باشد
بينهم وسئلوا وليسئلوا ان لا يشركن بنون مكتوب است
يا زائده ١ يا أيها وحكمش معلوم است
حرف الف ٨ كه در وقف ملفوظ ميشود ومد يا أيها الذين
وانا اعلم ودر اين كلمه خلاف است نافع وابو جعفر در وصل
مد انا مثل اين اند وورش را مد طويل باشد وقالون را توسط
وقصر وابو جعفر را قصر عسى الله الى الكفار يا أيها النبي
حرف واو ٣ كه در وقف ملفوظ ميشود ومد يرجوا الله
فأتوا الذين واتقوا الله حرف يا ٢ كه در وقف ملفوظ ميشود ومد

یاء ثابت و محذوف و واو لینی و همزات مطلقا درین سوره نیست
وصل کلمتین فامتحنوهن الله در وصل یکی کرد آخر کلمه اول ملفوظ شود
ظاءات ۲ وظاهروا هم الظالمون
سورة الصف لیطفئوا للحواریین بیک یا مکتوب است
یاء ندا ۵ یا ایها یقوم یبنی اسرائیل و حکم جمله معلوم است
حرف الف ۱۱ که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف مد
یا ایها الذین عیسی ابن مریم علی الله الی الاسلام علی الدین
من تحتها الانهار الی الله فایدنا الذین واو مدی
ولینی و یاء محذوف همه و همز وصل مضموم و همز متطرف متحرک
و وصل کلمتین که مشکل باشد درین سوره نیست حرف یا ۵
که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف مد ما فی السموات و ما فی الارض
لا یهدی القوم من بعدی اسمه در قراءة ابن عامر و حفص
و حمزه و یعقوب و کسائی و خلف اختیار که در وصل یا ساکن
و در وقف همه اثبات یا میکنند
میخوانند و باقیان بفتح یا همزات وصل مکسور
ابن مریم اسمه افتری ظاءات ۵

ومن اظلم

ومن اظلم القوم الظالمین لیظهره الفوز العظیم ظاهرین
سورة الجمعة فی الامیین بیک یا ذو الفضل بحذف
الف بعد از واو است یاء ندا ۲ یا ایها و حکمش معلوم است
حرف الف ۲ قل یا ایها الذین هادوا یا ایها الذین امنوا
حرف واو ۴ که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف مد ذو الفضل
حملوا التورىة وذروا البیع واذکروا الله حرف واو ۱
که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف لین فتمنوا الموت همه یک موضع است
حرف یا ۵ که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف مد ما فی السموات و ما فی الارض
فی الامیین لا یهدی القوم یاء ثابت و محذوف و همز وصل
مضموم و همز متطرف متحرک که درین سوره نیست همز وصل مکسور
انفضوا وصل کلمتین او لهوا انفضوا در وصل بکسر نون تنوین ملفوظ شود
ظاءات ۳ ذو الفضل العظیم القوم الظالمین بالظالمین
سورة المنافقون وانفقوا من ما رزقناکم در بعضی
مصاحف مقطوع است و در بعضی مما موصول یاء ندا ۱
یا ایها و حکمش معلوم است حرف الف ۳ که در وقف ملفوظ میشود یکی حرف

[illegible]

إلى المدينة ۝ منها الاذلّ ۝ يا ايها الذين ۝ واو مدّى ۝ ولينى
و ہمز وصل مضموم ۝ و ہمز متطرفہ متحرکہ ۝ و ظاءات ۝ و یاء محذوف
درین سورۃ نیست وف ۱ یا کہ در وقف ملفوظ میشود ی و مدّ ۝ لا یهدی القوم ۝
یاء ثابت ۱ لولا اخّرتنی ہمز وصل مکسورہ اتّخذوا
وصل کلمتین لکاذبون اتّخذوا ۝ در وصل یکی آخر کلمہ اوّل ملفوظ شود
سورۃ التغابن الم یاتکم نبؤا صورت ہمز بواو مکتوب
است و الف بعد از واو باشد یاء ندا ۱ یا ایها ۝ و حکمش معلوم است
وع ۶ الف کہ در وقف ملفوظ میشود و مدّ ۝ واستغنی الله ۝
من تحتها الانهار ۝ رسولنا البلغ ۝ وعلی الله ۝ یا ایها الذین ۝
ما استطعتم وم ۴ع واو کہ در وقف ملفوظ میشود و مدّ ۝
واطیعوا الله ۝ واطیعوا الرسول ۝ فاتقوا الله ۝ ان تقرضوا الله
وم ۳ یا کہ در وقف ملفوظ میشود و مدّ ۝ ما فی السموات ۝
وما فی الارض ۝ واو لینی ۝ و یاء ثابت ۝ و محذوف و ہمز
وصل مضموم ۝ و وصل کلمتین درین سورۃ نیست ہمز وصل مکسور
استطعتم ہمز متطرفہ متحرکہ نبؤا در وقف باسکان ہمز باشد ۝

ورَوم

91

و رَوم و اشمام نیز باشد از برای ہمز ۝ و حمزہ و ہشام را وجوہ مخصوص
خوف باشد ظاءات ۲ ذکر الفوز العظیم ۝ اجرا عظیما ۝
سورۃ الطلاق والّٓئی موضعین انتّه الله انتها
یاء ندا ۲ یا ایها ۝ یا اولی ۝ و حکمش معلوم است
وع الف کہ در وقف ملفوظ میشود ی و مدّ ۝ یا ایها النبیّ ۝
علی الله ۝ الی النور ۝ من تحتها الانهار وع ۵ واو
کہ در وقف ملفوظ میشود ی و مدّ ۝ واحصوا العدة ۝ واتقوا الله ۝
واقیموا الشهادة ۝ فاتقوا الله ۝ وعملوا الصالحات ۝
واو لینی ۝ و یاء ثابت ۝ و محذوف ۝ و ہمزات مطلقا درین سورۃ نیست
وف ۱ یا کہ در وقف ملفوظ میشود ی و مدّ ۝ یا اولی الالباب ۝
وصل کلمتین ۲ الالباب الذین ۝ رزقا الله ۝ اولئک آخر
کلمہ اوّل ملفوظ میشود و ثانی بکسر نون تنوین ظاءات ع
فقد ظلم ۝ یوعظ به ۝ و یعظم له ۝ من الظلمات الی النور ۝
سورۃ التحریم مرضات ازواجک بتا مکتوب است
ہؤلاکم ہؤلئہ صالح المؤمنین واو مکتوب است

عمو
ملٰئكة وما وٰهم امرات نوح وامرات لوط امرات
ابنت عمران این چهار موضع بتا مکتوب است وقيل
معنی داست ادخلا تثنیه یا ندا ٥ یا ایها
وحکمش معلوم است حرف ١٠ الف که در وقف ملفوظ میشود و مد
یا ایها النبی ٥ الی الله ٥ یا ایها الذین ٥ وقودها الناس ٥
من تحتها الانهار ٥ ادخلا النار حرف ٣ واو که در وقف ملفوظ میشود بحوف مد
لا تعتذروا اليوم ٥ كفروا امرات ٥ امنوا امرات حرف ٢ یا که در وقف
یوم لا یخزی الله ٥ فی الجنة ٥ واو لین و یا ثابت و محذوف ملفوظ میشود
و همز منتظر فی متی که و وصل کلمتین در این سورت همز وصل مضموم که در
ادخلا همزات ٤ وصل مکسوره امرات ٥ ابن لی ٥
ابنت ظاات ٦ واظهره الله ٥ وان تظاهرا ٥
بعد ذلک ظهیر ٥ غلاظ شداد ٥ واغلظ علیهم ٥ من القوم الظالمین ٥
سورة الملک کلما القی دو جا است در بعضی مصاحف
موصول است و در بعضی مقطوع سألهم بالف است
ءامنتم والافئدة ٥ از ینجا تا آخر قران آنچه مقصود است مذکور میشود بسبیل اختصار
٩ ورا

٩٢
حرف ٩ الف که در وقف ملفوظ میشود زینا السماء ٥ الی الطیر ٥
الا الرحمن ٥ هذا الذی ٥ هذا الوعد ٥ انما العلم ٥ انا نذیر نذیر ٥
حرف ٤ یا که در وقف ملفوظ میشود من فی السماء ٥ فی الارض ٥
اهلکنی الله در قراءة حمزه و باقیان از فتح یا با شد در وصل و تفخیم لام
یاات ٢ محذوف کیف نذیر ٥ کان نکیر ٥ یعقوب
هر دو موضع در حالین با ثبات یا میخواند و ورش در وصل
و باقیان بحذف یا میخوانند همزات وصل مکسوره ارجع البصر بتفخیم
اجهروا به وصل کلمتین قدیر الذی حرف ١ ظا من الغیظ
سورة ن والقلم بأیکم المفتون بدو یا مکتوب است بطریق رسم
و بر قیاس یکی ءان کان ان لا یدخلنها بنون مکتوب است
ام لهم شرکاء دو واو است تشغلهم ٥ فاجتبه ٥ یا ندا ١
یا ویلنا ٥ و حکمش معلوم است حرف ٤ الف که در وقف
ملفوظ میشود ٥ علی الخرطوم ٥ لا یدخلنها الیوم ٥ الی السجود ٥
بهذا الحدیث حرف ١ واو که در وقف ملفوظ میشود ٥ لما سمعوا الذکر ٥
همز وصل مضموم اغدوا ظاات ٣ خلق عظیم ٥ انا کنا ظالمین ٥ وهو

وما ادریک

سورة الحاقة طغا الماء بالف است هاؤم هنيئا الخاطئون باسم ربك یا نداء ۳ یلیتنی یلیتها

وحکمش معلوم است حرف الف ۶ که در وقف ملفوظ میشود

ما الحاقة فترى القوم طغا الماء الا الخاطؤن

على الكافرين حرف یا ۳ که در وقف ملفوظ میشود

في الجارية في الصور في الايام همز وصل مکسور اقرؤا

وصل کلمتین الرحيم الحاقة هاؤم اقرؤا ظاات ۳

اني ظننت بالله العظيم ربك العظيم سورة المعارج

سأل بالف است الف سنة ونرية ولا يسئل حميم

تؤويه بیک واو است الذين هم على صلاتهم بالف است

والذين هم فمال الذين مقطوع است مقطوع اللام است

حرف الف ۱ که در وقف ملفوظ میشود الا المصلين

حرف یا ۲ که در وقف ملفوظ میشود ذي المعارج في الارض

همز وصل مکسور ۲ ابتغى امرئ واین موضع از همزة

متطرفه متحرکه است و در وقف باسکان همز باشد و روم زیر باشد

ذو

۹۴

از برای حمزه وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوف باشد

ظاات ۳ انها لظى حافظون يحافظون

سورة نوح علیه السلام دعائي بيك يا حرف الف ۲

که در وقف ملفوظ میشود مسمى على الارض حرف واو ۲

که در وقف ملفوظ میشود ان اعبدوا الله واستكبروا استكبارا

یاء محذوف ۱ واطيعون یعقوب در حالتین باثبات

یا میخواند و باقیان بحذف همز وصل مضموم اعبدوا

همزات وصل مکسور ۳ استكبارا استغفروا

اغفر لي ظاات ۲ ولا تزد الظالمين ولا تزد الظالمين

سورة الجن فمن يستمع الآن این موضع بلام الف است

حرف الف ۱۱ که در وقف ملفوظ میشود الى الرشد

ما اتخذ على الله لمسنا السماء منا الصالحون سمعنا الهدى

منا المسلمون ومنا القاسطون واما القاسطون

على الطريقة حرف یا ۱ که در وقف ملفوظ میشود في الارض

همز وصل مکسور ۳ اتخذ استقاموا ارتضى بالتفخيم

ولا يظلمون

ظاات ٩ وانّا ظننّا ٥ وانّهم ظنّوا ٥ كما ظننتم ٥ وانّا ظننّا ٥
سورة المزّمّل الّن تحصوه بخلاف است در بعض مصاحف
بغير نون مكتوب است و در بعض ان لن بنون مكتوب است
يا ندا ١ يا ايّها ٥ وحكمش معلوم است حف ١ الف
كه در وقف ملفوظ ميشود يا ايّها المزّمّل حف ٤ واو
واقيموا الصلوة ٥ واتوا الزكوة ٥ واقرضوا الله ٥ واستغفروا الله ٥
حف يا ٣ في النّهار ٥ اولى النّعمة ٥ في الارض همزة وصل
مضموم انقص همزة قطع ٢ مكسوره اسم ربّك ٥ اتّخذ ٥
وصل كلمتين شيبا السّماء ٥ در وصل بكسر نون تنوين ملفوظ شود
حف ظا ١ واعظم اجرا ٥ همين يك موضع است سورة المدّثّر
اتينا اليقين بيا مكتوب است ٥ ودر وقف الف بايد يا ندا ١
يا ايّها المدّثّر حف ٤ الف كه در وقف ملفوظ ميشود
يا ايّها المدّثّر ٥ على الكافرين ٥ لاحدى الكبر ٥ اتينا اليقين ٥
حف ٢ واو اوتوا الكتاب حف ١ يا في النّاقور ٥
همزة وصل مكسوره ١ اقرء ٥ و در وقف باسكان همزه باشد ٥ و روم نيز
و ضطريه ور متحركه

باشد

باشد از براى همزه ٥ وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خوف باشد ٥
حف ١ ظا ثمّ نظر ٥ همين يك موضع است سورة القيمة
الّن نجمع بغير نون مكتوب است يسئل ينبّؤا واكثر قرّاء
ينبّا برقياس قرأناه حف ١ الف كه در وقف ملفوظ ميشود
شده ٥ وابوبكر وحمزه وكسائى وخلف اختيار باماله محض
ميخوانند ٥ وورش وابوعمرو باماله بين بين ٥ وباقيان بغير
همزه متطرفه ور متحركه ينبّؤا ١ در وقف باسكان همزه باشد ٥
وروم واشمام نيز باشد از براى همزه ٥ وحمزه وهشام را وجوه
مخصوص خوف باشد ظاات ٤ عظامه ٥
الى ربّها ناظرة ٥ تظنّ ان ٥ وظنّ انّه سورة الانسان
فوقيهم الله ٥ ولقّيهم وجزيهم متّكئين ٥ قواريرا ٥ قواريرا ١
لؤلؤا ١ وسقيهم حف ٣ الف كه در وقف ملفوظ ميشود
على الانسان ٥ خلقنا الانسان ٥ على الارائك همزة وصل ٢ مكسوره
اسم ربّك اتّخذ ظاات ٢ عليهم ظلالها ٥ والظالمين ٥
سورة والمرسلات ذى ثلث اللّهب جمالت بتا مكتوب است بجمع و

حرف الف ٤ که در وقف ملفوظ میشود فاذا النجوم ه واذا السماء
واذا الجبال ه واذا الرسل حرف یا ١ نجزی المحسنین ه
یاء محذوف ١ فکیدون ه یعقوب در حالین باثبات میخواند
وباقیان بحذف همزات وصل مکسور ٣ انطلقوا ه
ارکعوا با تفخیم وصل کلمتین ٣ للمکذبین انطلقوا ه تکذبون انطلقوا ه
ظاءات ٣ الی ظل ه لا ظلیل ه فی ظلال ه
سورة النبأ الذی هم یاء ندا ١ یلیتنی ه وحکم معلوم است
حرف الف ٣ که در وقف ملفوظ میشود وجعلنا اللیل ه وجعلنا النهار
وما بینهما الرحمن حرف یا ١ فی الصدور همز وصل مکسور ١
اتخذ همز متطرفه متحرکه ١ عن النبأ ه در وقف باسکان همز باشد هر دو قوم ضم
ودر اول روم نیز باشد از برای همه ه وحمزه وهشام را وجوه مخصوص خود باشد
ظاءات ٢ عن النبأ العظیم ه یوم ینظر المرء سورة والنازعات
ءانا ءاذا نخرة اتیک نادیه فادیه ءانتم
بنیها ه فسویها ه ضحیها ه دحیها ه ومرعیها ه ارسیها ه یسئلونک
مرسیها ه ذکریها ه منتهیها ه یخشیها حرف الف ٤
که در وقف ملفوظ میشود

تتبعها

تتبعها الرادفة ه طوی ه انا ربکم ه ونهی النفس حرف یا ١
فی الحافرة یاء محذوف ١ بالواد ه ویعقوب در وقف باثبات
یا میخوانند وباقیان بحذف همز وصل مکسور ١ اذهب ه
وصل کلمتین طوی اذهب ه ابن عامر وکوفیان بتنوین میخوانند
ودر وصل بکسر نون تنوین باشد ه وباقیان بحذف تنوین میخوانند ه
حرف ظا ١ عظاما سورة عبس ه حرف الف ٢ که در وقف ملفوظ میشود
صببنا الماء ه شققنا الارض همزات ٢ وصل مکسور
استغنی ه امرئ ه همزات متطرفه متحرکه ٢ المرء ه لکل امرئ ه
هر دو در وقف باسکان همز باشند ه ودر اول روم واشمام نیز باشد
از برای همه ه ودر ثانی روم فقط ه وحمزه وهشام را وجوه مخصوص
خود باشد حرف ظا ١ فلینظر الانسان سورة کورت
الموءدة بیک واو است حرف الف ١٣ که در وقف ملفوظ میشود
اذا الشمس ه واذا النجوم ه واذا الجبال ه واذا العشار ه واذا الوحوش
واذا البحار ه واذا النفوس ه واذا الموءدة ه واذا الصحف
واذا السماء ه واذا الجحیم ه واذا الجنة ه علی الغیب حرف یا ١ ذی العرش

یاء محذوف ۱ الجوارِ یعقوب در وقف باثبات یا میخواند و باقیان بحذف
همزه وصل مکسوره اِنکدرت حرف ظا ۱ بظنین بخلاف
ابن کثیر وابوعمرو ورویس وکسائی بظا میخوانند و باقیان
بضاد و در مصاحف بضاد باید نوشت سورة انفطرت
فسوّیٰك یاء ندا ۱ یاایها و حکمش معلوم است حرف الف ۵
که در وقف ملفوظ میشود اِذا السماء واذا الکواکب
واذا البحار واذا القبور یاایها الانسان همزات ۲
وصل مکسوره اِنفطرت اِنتثرت حرف ۱
ظا الحافظین سورة المطففین کالوهم یک کلمه است
وَزَنوهم یک کلمه والف بعد از واو در کلمتین نباشد حرف یک کلمه
الف ۷ که در وقف ملفوظ میشود اِذا اکتالوا علی الناس
هذا الذی علی الارائک بها المقربون واذا انقلبوا
حرف واو ۱ که در وقف ملفوظ میشود لصالوا الجحیم
همزات وصل مکسوره ۳ اِکتالوا انقلبوا ظاآت ۵
الا یظن لیوم عظیم ینظرون علیهم حافظین ینظرون

سورة انشقت یاء ندا ۱ یاایها و حکمش معلوم است حرف الف ۵
اِذا السماء واذا الارض یاایها الانسان اذا اتسق الا الذین
حرف واو ۱ وعملوا الصالحات همزات وصل مکسوره ۲
اِنشقت اِتسق همزه متطرفه متحرکه واذا قرئ و در وقف
باسکان همزه باشد وحمزه وهشام را ابدال با شنبها ظاآت ۲
وراء ظهره اِنه ظن سورة البروج ذو العرش بحذف
الف بعد از واو باشد اتیك حرف الف ۱ که در وقف ملفوظ میشود
من تحتها الانهار حرف واو ۳ فتنوا المؤمنین وعملوا الصالحات
ذو العرش حرف ظا ۱ فی لوح محفوظ سورة الطارق
حرف الف ۲ که در وقف ملفوظ میشود ما الطارق تبلی السرائر
حرف ظا ۲ علیها حافظ فلینظر سورة الاعلی عز وعلا
سنقرئك اِن نفعت حرف الف ۴ که در وقف ملفوظ میشود
الاعلی الذی ویتجنبها الاشقی الذی یصلی النار
حرف یا ۱ لفی الصحف همزه وصل مکسوره اسم ربك
سورة الغاشیة اتیك بمصیطر بصاد حرف الف ۴ که در وقف ملفوظ میشود

الی الابل ۰ والی السماء ۰ والی الجبال ۰ والی الارض حرف ظا ۱ نظر
سورة والفجر لذی حجر ۰ لبالمرصاد ۰ ابتلیه ۰ وجایٓ یومئذ
بالواو است در مصاحف اندلس لحیاتی بالواو است المطمئنة
یا ن ۲ بلیتنی ۰ یا ایتها ۰ وحکمش معلوم است ۰
حرف الف ۴ که در وقف ملفوظ میشود ۰ فیها الفساد ۰ ما ابتلیه
یا ایتها النفس حرف واو ۱ جابوا الصخر ۰ حرف یا ۳
ذی الاوتاد ۰ فی البلاد ۰ یا ات ۴ ثابت فادخلی فی عبادک
وادخلی جنتی یا ات ۴ محذوف اذا یسر ۰
بالواد ۰ اکرمن ۰ اهانن ۰ یعقوب و بزی ابن جماز موضع
را در حالین با ثبات یا میخوانند ۰ وقنبل دو موضع ۰ اول موافق
ونافع وابوجعفر وابوعمرو موضع اول را ۰ وموضع آخر
در وصل با ثبات میخوانند ۰ وابوعمرو مخیر است در موضع آخر
وقیاس در مذهب او حذف است ۰ و موضع ثانی ورش در وصل
باثبات میخوانند ۰ وباقیان همه را بحذف میخوانند همزات
وصل مکسوره ۳ ابتلیه ۰ ارجعی ۰ با تفخیم را سورة البلد

المشئمة

المشئمة حرف الف ۵ که در وقف ملفوظ میشود ۰ بهذا البلد ۰
خلقنا الانسان ۰ فلا اقتحم ۰ ما العقبة ۰ همزه وصل مکسوره ۲ اقتحم ۰
سورة والشمس وضحیها ۰ تلیها ۰ جلیها ۰ یغشیها ۰ بنیها ۰
طحیها ۰ سویها ۰ وتقویها ۰ زکیها ۰ دسیها ۰ بطغویها ۰
اشقیها ۰ وسقیها ۰ فسویها ۰ عقبیها همزه وصل مکسوره ۱ انبعث ۰
سورة واللیل للهدی ۰ للاخرة ۰ لا یصلیها حرف الف ۵
که در وقف ملفوظ میشود الا الاشقی الذی ۰ وسیجنبها الاتقی
الا ابتغاء همزه وصل مکسوره ابتغاء حرف ظا ۱ تلظی ۰
سورة والضحی ما ودعک ۰ وللاخرة ۰ حرف الف ۲
که در وقف ملفوظ میشود ۰ فاما الیتیم ۰ واما السائل الم نشرح
حرف ظا ۱ ظهرک ۰ والتین ۰ حرف الف ۳ که در وقف ملفوظ میشود
وهذا البلد ۰ خلقنا الانسان ۰ الا الذین حرف واو ۱
وعملوا الصالحات سورة العلق باسم لنسفعا بالف
مکتوب است ۰ از برای آنکه نون خفیفه مشابه تنوین است سندع ۰
بحذف واو فعل مکتوب است حرف الف ۱ که در وقف ملفوظ میشود

همزات وصل مکسوره ۳ اِقرأه اِستغنی وصل کلمتین ۲
آخر سوره والتین باول سوره ۲ الحاکمین اقرأ دو وجه ترک بسمله
الرحیم اقرأ نزد صاحب بسمله علقٍ اقرأ در دو وجه اول
بحرکت آخر کلمه اول ملفوظ میشود و در آخر بکسر نون تنوین
سوره القدر الملٰئکة سلٰم سوره البینه حرف الف
که در وقف ملفوظ میشود مِن تحتها الانهار حرف واو
اوتوا الکتاب لیعبدوا الله ویقیموا الصلوة ویؤتوا الزکوة
وعملوا الصالحات سوره الزلزله ما لها دو کلمه است
اوحی لها دو کلمه است والعادیات حرف ۲ یا که در وقف ملفوظ میشود
فی القبور فی الصدور القارعه حرف الف که در وقف ملفوظ میشود
ما القارعة وصل کلمتین لخبیر القارعة در دو ترک بسمله
بکسر نون تنوین ملفوظ میشود الرحیم القارعة بحرکت آخر کلمه اول
واگر آخر سوره القارعه وصل کنند باول الهٰکم بترک بسمله
یا بوجه بسمله همزه الهٰکم ثابت باشد در لفظ نه محذوف باشد
لخبیرٍ الهٰکم الرحیم الهٰکم از برای آنکه این همزه باب افعال است
ثم لتسئلن

والعـ

که در وقف ملفوظ میشود

سوره والعصر حرف ۱ الف الا الذین حرف ۱ واو وعملوا الصالحات
سوره الهمزه الافئدة حرف ۲ الف که در وقف ملفوظ میشود
ما الحطمة علی الافئدة حرف ۱ یا فی الحطمة وصل کلمتین
لمزةٍ الذی در وصل بکسر نون تنوین باشد سوره قریش
حرف الف که در وقف ملفوظ میشود هذا البیت سوره الماعون
الذین هم مقطوع است عن صلاتهم بالف است
سوره الکوثر اعطیناک در رسم الف بعد از نون محذوف است
وبقیاس الف هم نویسند اما کاف خطاب است وجمله یک کلمه است
ونشاید که به الکوثر وصل کنند اگر بطریق رسم نویسند
اَعْطَیْنٰکَ متصل باشد واگر بقیاس نویسند کاف مفرد
باشد چنانچه نموده شد سوره الکافرون یاء ثابت ۱
قل یا ایها وحکمش معلوم است حرف ۲ الف که در وقف ملفوظ میشود
یا ایها الکافرون ولا انا عابد یاء محذوف ۱
دینِ یعقوب در حالین باثبات یا میخوانند وباقیان بحذف
سوره النصر ورأیت سوره المسد حمالة الحطب به ها بان

سورة الاخلاص أَحَدٌ اللهُ در وصل بكسر نون تنوين باشد
كُفُوًا سورة الفلق حرف يا كه در وقوع ملفوظ ميشود
فى العُقَد سورة الناس اِلٰهِ النّاسِ

ذكر اعداد ظاآت كه در كلمات

قرآنى وارد است سوره بسوره بر سبيل اجمال
نموده ميشود تا قارى قرآن حرف ظا از حرف ضاد
تمييز تواند كرد و از مخرج خود ادا كند و تغيير معنى
واقع نشود ولغت ظا بلغت ضاد مشتبه نگردد

سورة البقرة ٦١ عظيم ٣ ظلمات ٢
أظلم ٣ الظّالمين ٨ يظنون ٣ تنظرون ٢
ظالمون ٢ ظلمتم ١ وظللنا ١ ظلمونا ١ يظلمون ٦
ظلموا ٤ وموعظة ٤ النّاظرين ١ يظنون ٢
تظاهرون ١ ظهورهم ١ انظرنا ١ العظيم ٢

ينظرون

الظالمون

ينظرون ٢ ظهورها ١ ظلل ١ ظننا ١ ظلم ١
يعظكم ١ يوعظ ١ حافظوا ١ الظلمات ٢ فانظر
وانظر ٣ العظام ١ تظلمون ٣ موعظة ١
فنظرة ١ يظلمون ١ سورة آل عمران ٣٦
يظلمون ٣ الظّالمين ٩ العظيم ١ ينظر ١
ينظرون ٢ الظّالمون ١ عظيم ٤ ظلما ١
ظلموا ٢ ظلمهم ١ الغيظ ٢ بغيظكم ١ ظالمون ١
والكاظمين ١ فانظروا ١ وموعظة ١ تنظرون ١
يظنون ١ ظن ١ فظا ١ غليظ ١ حظا ١ بظلام ١
ظهورهم ٢ سورة النساء ٤٢ ظلما ٢
حظ ٣ العظيم ٢ غليظا ١ عظيما ٤ حافظات ١
حفظ ١ فعظوهن ١ يظلم ١ وانظرنا ١
يظلمون ٣ انظر ١ ظلا ١ ظليلا ١ يعظكم ١
وعظهم ١ ظلموا ٢ يوعظون ١ الظالم ١ تظلمون ١
حفيظا ١ ظالمي ١ يظلم ١ ظلم ١ بظلمهم ١ الظن ٢

سورة المآئدة ١٨ عظيم ٣ حظا ٢ الظلمات ١
الظالمين ٤ ظلمه ١ استحفظوا ١ الظالمون ١
وموعظة ١ انظر ٢ واحفظوا ١ العظيم ١
سورة الانعام ٨٤ الظلمات ٣ منتظرون ٢
انظروا ٢ عظيم ١ اظلم ٤ الظالمون ٤ انظر ٣
ظهورهم ١ الظالمين ٦ ظلموا ١ ظلمات ٣ حفظة ١
بظلم ٢ يحافظون ١ ظهوركم ١ بحفيظ ١ حفيظا ١
هما ١ الظن ٢ ظاهر ١ ظهورها ١ ظفر ١ بعظم ١
ماظهر ١ انتظروا ١ منتظرون ١ يظلمون ١
سورة الاعراف ٣٤ ظالمين ٢ يظلمون ٤
انظرني ١ المنظرين ١ الظالمين ٥ ظلمنا ٦
ماظهر ١ اظلم ١ ينظرون ٢ عظيم ٣ لنظنك ٢
بن فانتظروا ١ افانظر ٢ وانظروا ١ فظلموا ١ للناظرين
منظر ١ انظر ١ انظر ١ موعظة ١ وظللنا ١
ظلمونا ١ ظلموا ٣ تعظون ١ ظلة ١ وظنوا ١ ظهورهم ١

ينظرو

ينظروا ١ تنظرون ١ سورة الانفال ٨
ينظرون ١ ظلموا ١ عظيم ٢ العظيم ١ بظلام ١
ظالمين ١ تظلمون ١ سورة التوبة ٢٩
يظاهروا ١ يظهروا ١ غيظ ١ الظالمين ٣
اعظم ١ عظيم ٢ الظالمون ١ ليظهره ١
وظهورهم ١ تظلموا ١ وظهر ١ العظيم ٦
ليظلمهم ١ يظلمون ١ واغلظ ١ والحافظون ١
وظنوا ١ ظمأ ١ يغيظ ١ غلظة ١ انظر ١
سورة يونس عليه السلم ٣٢ ظلموا ١١
لننظر ١ عظيم ١ اظلم ١ فانتظروا ٢ المنتظرين ٢
وظنوا ١ وظن ١ مظلما ١ ظنا ١ الظن ٢ فانظر ٢
الظالمين ٣ ينظر ١ يظلم ١ يظلمون ٣ ظلموا ١
ظلمت ١ وموعظة ١ اظن ١ العظيم ١ تنظرون ١
انظروا ١ ينتظرون ١ سورة هود عليه السلم ٣
اظلم ١ الظالمين ٤ نظنكم ١ ظلموا ٦ اعظك ١

تنظرون ١ حفيظ ١ غليظ ١ بحفيظ ١ ظهريا ١
ظلمناهم ١ ظالمة ١ بظلم ١ وموعظة ١ وانتظروا ١
منتظرون ١ سورة يوسف عليه السلام ١٠٤
لحافظون ٢ الظالمون ١ عظيم ١ ظن ١ حفيظ ١
حفظا ١ ونحفظ ١ الظالمين ١ لظالمون ١
حافظين ١ كظيم ١ فينظروا ١ وظنوا ١
سورة الرعد ٩ ظلمهم ١ يحفظونه ١
وظلالهم ١ الظلمات ١ ام بظاهر ١ وظلها ١
سورة ابرهيم عليه السلام ١١ الظلمات ٢
عظيم ١ الظالمين ٣ غليظ ١ لظلوم ١
الظالمون ١ ظلموا ٢ سورة الحجر ٩
منظرين ١ لحافظون ١ فظلوا ١ للناظرين ١
وحفظناها ١ فانظرني ١ المنظرين ١
ظالمين ١ العظيم ١ سورة النحل ٢٢
ظالمي ١ ينظرون ١ ظلمهم ١ يظلمون ٢ فانظروا ١

ظلموا ١

لفائظون ١ العظيم ١ فنظل ١ عظيم ٣ او عظت ١
الواعظين ١ نظنك ١ الظلة ١ منظرون ١
ظالمين ١ ما ظلموا ١ ظلموا ١ سورة النمل ١٦
ظلم ١ ظلما ١ فانظر ٣ عظيم ١ العظيم ١
سننظر ١ فانظري ١ فناظرة ١ ننظر ١
ظلمت ١ ظلموا ٢ ظلمات ١ فانظروا ١ سورة
القصص ١٦ ظلمت ١ ظهيرا ٢ الظالمين ٤
الظل ١ الظالمون ١ لاظنه ١ وظنوا ١ فانظر ١
تظاهرا ١ ظالمون ١ حظ ١ عظيم ١ سورة
العنكبوت ٨ ظالمون ١ فانظروا ١
ظالمين ١ ليظلمهم ١ يظلمون ١ ظلموا ١ الظالمون ٢
اظلم ١ سورة الروم ١١ ظاهرا ١ فينظروا ١
ليظلمهم ١ يظلمون ١ تظهرون ١ ظلموا ٢
ظهر ١ فانظروا ١ فانظر ١ لظلموا ١ سورة
لقمن ٧ الظالمون ١ يعظه ١ لظلم ١ عظيم ١

ظاهرة ١ غليظ ١ كالظلل ١ سورة السجدة ٤
اظلم ١ ينظرون ١ وانتظر ١ منتظرون ١
سورة الاحزاب ١٧ تظاهرون ١
غليظا ١ وتظنون ١ الظنونا ١ ينظرون ١
ينتظر ١ بغيظهم ١ ظاهروهم ١ عظيما ٣
والحافظين ١ والحافظات ١ الظلمات ١
ناظرين ١ ظلوما ١ سورة سبا ٨
ظاهرة ١ وظلموا ٢ ظنه ١ حفيظ ١ من ظهير ١
الظالمون ظلموا ١ اعظكم ١ سورة فاطر ٨
الظلمات ١ الظل ١ ظالم ١ للظالمين ١
الظالمون ١ ينظرون ١ فينظروا ١ ظهرها ١
سورة يس ٥ مظلمون ١ ينظرون ١ تظلم ١
في ظلل ١ العظام ١ سورة والصافات ١٦
وحفظا ١ فعظاما ٣ ينظرون ١ ظلموا ١ العظيم ٣
للظالمين ١ فانظر ٢ ظنكم ١ فنظر ١ نظرة ١

عظيم

عظيم ١ وظالم ١ سورة ص ٧ ينظر ١
ظلمك ١ وظن ٣ عظيم ١ فانظرني ١ المنظرين ١
سورة الزمر ١٠ ظلمات ١ عظيم ١ ظلل ٢
للظالمين ١ اظلم ١ ظلموا ٢ ينظرون ١ يظلمون ١
سورة المؤمن ١١ العظيم ١ لا ظلم ١
كاظمين ١ للظالمين ١ فينظروا ٢ يظهر ١
ظاهرين ١ ظلما ١ لاظنه ١ الظالمين ١
سورة فصلت ١٠ وحفظا ١ ظننتم ٢
ظنكم ٣ حظ ١ عظيم ١ بظلام ١ وظنوا ١
اظن ١ غليظ ١ سورة الشورى ١٤
العظيم ١ حفيظ ١ والظالمون ١ الظالمين ٤
فيظللن ١ ظهره ١ ظلمه ١ يظلمون ١
ينظرون ١ حفيظا ١ سورة الزخرف ١١
ظهور ١ ظل ١ كظيم ١ فانظر ١ عظيم ١ يظهرون ١
ظلمتم ١ ظلموا ١ ينظرون ١ ظلمناهم ١ الظالمون ١

سورة الدخان ٢ منظرين ١ العظيم ١
سورة الشريعة ٦ عظيم ١ الظالمين ١
يظلمون ١ يظنون ١ نظن ١ الا ظنا ١
سورة الاحقاف ٤ الظالمين ١ ظلموا ١
يظلمون ١ عظيم ١ سورة محمد صلى الله عليه وآله وسلم
فينظروا ١ ينظرون ٢ نظر ١٢ سورة الفتح
عظيما ٣ الظانين ١ ظن ٢ ظننتم ٢ اظفركم ١
ليظهره ١ فاستغلظ ١ ليغيظ ١ سورة
الحجرات ٤ عظيم ١ الظالمون ١ الظن ٣
سورة ق ٤ حفيظ ٢ ينظروا ١ ما يلفظ ١
بظلام ١ والذاريات ٢ ينظرون ١ ظلموا ١
والطور ١ ظلموا ١ والنجم ٤ الظن ٣
أظلم ١ القمر ١ المحتظر ١ الرحمن ١
شواظ ١ الواقعة ٩ وظل ٢ العظيم ٣
وعظاما ١ فظلتم ١ عظيم ١ تنظرون ١

الحديد

ب

الحديد ٨ والظاهر ١ الظلمات ١ أعظم ١
العظيم ٣ انظرونا ١ وظاهره ١ المجادلة ٣
يظاهرون ٢ تواعظون ١ الحشر ٤
ما ظننتم ١ وظنوا ١ الظالمين ١ ولتنظر ١
الممتحنة ٢ وظاهروا ١ الظالمون ١
الصف ٤ أظلم ١ الظالمين ١ ليظهره ١
العظيم ١ ظاهرين ١ الجمعة ٣ العظيم ١
الظالمين ١ المنافقون ٢ در بعض نسخه حرف ظانيست
التغابن ٢ العظيم ١ عظيم ١ الطلاق ٤
ظلم ١ يوعظ ١ ويعظم ١ الظلمات ١ التحريم ٦
وأظهره الله ١ تظاهرا ١ ظهير ١ غلاظ ١
واغلظ ١ الظالمين ١ الملك ١ الغيظ ١
ن والقلم ٣ عظيم ١ ظالمين ١ مكظوم ١
الحاقة ٣ ظننت ١ العظيم ٢ المعارج ٣
لظى ١ حافظون ١ يحافظون ١ نوح ٢ الظالمين

نوح عليه

المزّمّل ١ یُظهِرُ ١ ظننتم ١ ظنّوا ٢ ظننّا الجنّ ٥
عظامه ١ القیمة ٤ نظر ١ ثم نظر ١ المدّثّر ١ واعظم
الانسان ٢ وظنّ ١ تظنّ ١ ناظرة الی ربّها
ظلّ ٢ الی ظلّ ٣ والمرسلات والظّالمین ١ ظلالها ١
ینظر ١ العظیم ١ النّبا ٢ ظلال ١ فی ظلیل ١ لا
فلینظر ١ عبس ١ عظاما ١ النّازعات
کوّرت ١ بظنین بخلاف است ابن کثیر وابوعمرو
ورویس وکسائی بظا میخوانند و باقیان بضنین
بضاد میخوانند و در مصاحف بضاد باید نوشت
المطفّفین ٤ لحافظین ١ انفطرت ١
انشقّت ٢ حافظین ١ ینظرون ٢ عظیم ١ یظنّ ١
الطّارق ٢ محفوظ البروج ١ ظنّ ١ ظهره ١
ظانیت در این سوره حرف الاعلی ١ فلینظر ١ حافظ ١
والشمس لا اقسم والفجر ١ ینظرون الغاشیة ١
در این سوره حرف ظانیت تلظّی ١ واللّیل والضحی ١
ظانیت ١ ظهرک ١ الم نشرح

الم نشرح ظهرک ١ تمّت دربواقی سور حرف ظانیت
اعداد ظاآت بو سبیل اجمال نموده میشود
که هر کلمه در قرآن مجید چند موضع است
الظّالمین یز اظلم ط ظلمات مط عظیم
ظالمون لب تنظرون ز تظنون
تظلمون لج ظلمونا ب وظلّلنا ٢ ظلمتم
ناظرین ١ الناظرین ح وموعظة مو ظلموا
انظرنا ١ ظهورهم ه ظهورهم ١ تظاهرون
ظلل ج ظهورها ١ ظهورها ب لو العظیم ١
ظننا ب ظنّا ١ الظالمون که الظالمون ١
اعظکم ١ یعظه ١ ب یوعظ د یعظکم د ظلم ١
وانظر یج فانظر یه الظّلمت ١ حافظوا
ظلما ج ظلما د ینظر ١ فنظرة ب العظام
غیظ ١ بغیظهم ١ بغیظکم ١ الغیظ ج

ظروا ظن ب فظًّا ا غليظ ه حظاج بظلام ه
حظر د غليظا ج حافظات ا والحافظات ا
حفظ ا فعظوهن ا يظلم ه وانظرنا ا
ظلا ا ظليلا ا وعظهم ا يوعظون ب الظالم ب
حفيظا ج ظالمي ... بظلمهم ب الظن ى
فبظلم ه ظلمه ب استحفظوا ا واحفظوا ا
حفظة ا يحافظون ج بحفيظ ب ظاهرا ا
ظفر ا بعظم ا ظهر ه انتظروا ا
منتظرون ج ظالمين ى انظرني ا
فانظرني ب المنظرين ج منظرين ب
ظلمنا ا لنظننك ا نظنك ا فانتظروا ج
المنتظرين ج فينظر ا انظر ا تعظون ا
ظلة ا وظنوا ج فظنوا ا يظاهروا ا
ظاهروا ج ليظهر ج تظلموا ا ليظلمهم ج
ب والحافظون ا ظما ا يغيظ ب
غيظ يغيظ حافظون ب اعظم ج

١٠٥
غلظة ا نظر ج لننظر ا مظلما ا ظلمت ا
ينتظرون ا نظنكم ا اظهر ثا ا ظلمناهم ج
ظالمة د وانتظروا ب منتظرون ب
لحافظون ج حفظا ا ونحفظ ا حافظين ج
لحافظين ا كظيم ج فينظروا و ينظروا ا
يحفظونه ا ويحفظوا ا ويحفظن ا وظلالهم ا
ظلاله ا ظلالا ا بظاهر ا ظاهرا ب
ظاهرة ب ظاهروهم ا ظاهرين ب
وظاهروا ا لظلوم ا ظلوما ا فظلوا ا
نظلوا ا وحفظناها ا ظل ب ظعنكم ا
محظورا ا مظلوما ا عظاما د وعظاما
ظهيرا د الظهيرة ا ظهير ب لاظننك
ايقاظا ا فلينظر د ولتنظر ا تظلم ا
تظلم ب ظالم ج العظم ب ظلت ا
نظموا ا محفوظا ا محفوظ ا يظن

١٠٦

شرح نهج البلاغه

علم

ثبت

فهرست

بُعظِّمْ ب وَيُعْظِمْ ا الظَّمْآنُ ا تَغَيُّظًا ا الظِّلِّ ج
فَظَلِلْتُ ا لَغائِظُونَ ا أَوَعَظْتَ ا الواعِظِينَ ا
الظُّلَّةِ ا مُنْظَرُونَ ا سَنَنْظُرُ ا نَنْظُرُ ا فَناظِرَةٌ ا
بِاطِنَةٍ ا ظَلَمْتُ ب تَظاهَرا ب يُظْهِرُونَ ب
لِظُلْمٍ ا كَالظُّلَلِ ا الظُّنُونا ا ظِنَّةٍ ا ظُهُورِها ا
ظَهْرَهُ ب ظُهُورِهِ ا مُظْلِمُونَ ا ظِلالٍ ب ظَلّامٍ ب
نَظْرَةً ا ظُلْمٍ ا يُظْهِرُ ب ظَنَنْتُمْ و أَظْلَمَ ا
فَيَظْلَلْنَ ا الظّانِّينَ ا أَظْفَرَكُمْ ا فاسْتَغْلَظَ ا
يَلْفِظُ ا المُحْتَظِرِ ا شُواظٌ ا وَظَلَّ ج
فَظَلْتُمْ ا والظّاهِرِ ا وظاهِرِهِ ا وأَظْهَرَهُ ا
غِلاظٌ ا مَكْظُومٌ ا ظَنَنْتُ ا لَظى ا تَلَظّى ا
ظَلِيلٍ ا بِظَنِينٍ ا بِخِلاف ظَهْرِكَ ا

حلوا ان عسل
نمک عسل و نمک ارد
و نیم و نیم... روغن

صاحبه ومالکه ... حاجی یوسف صباغ ... غفر الله له ولوالدیه